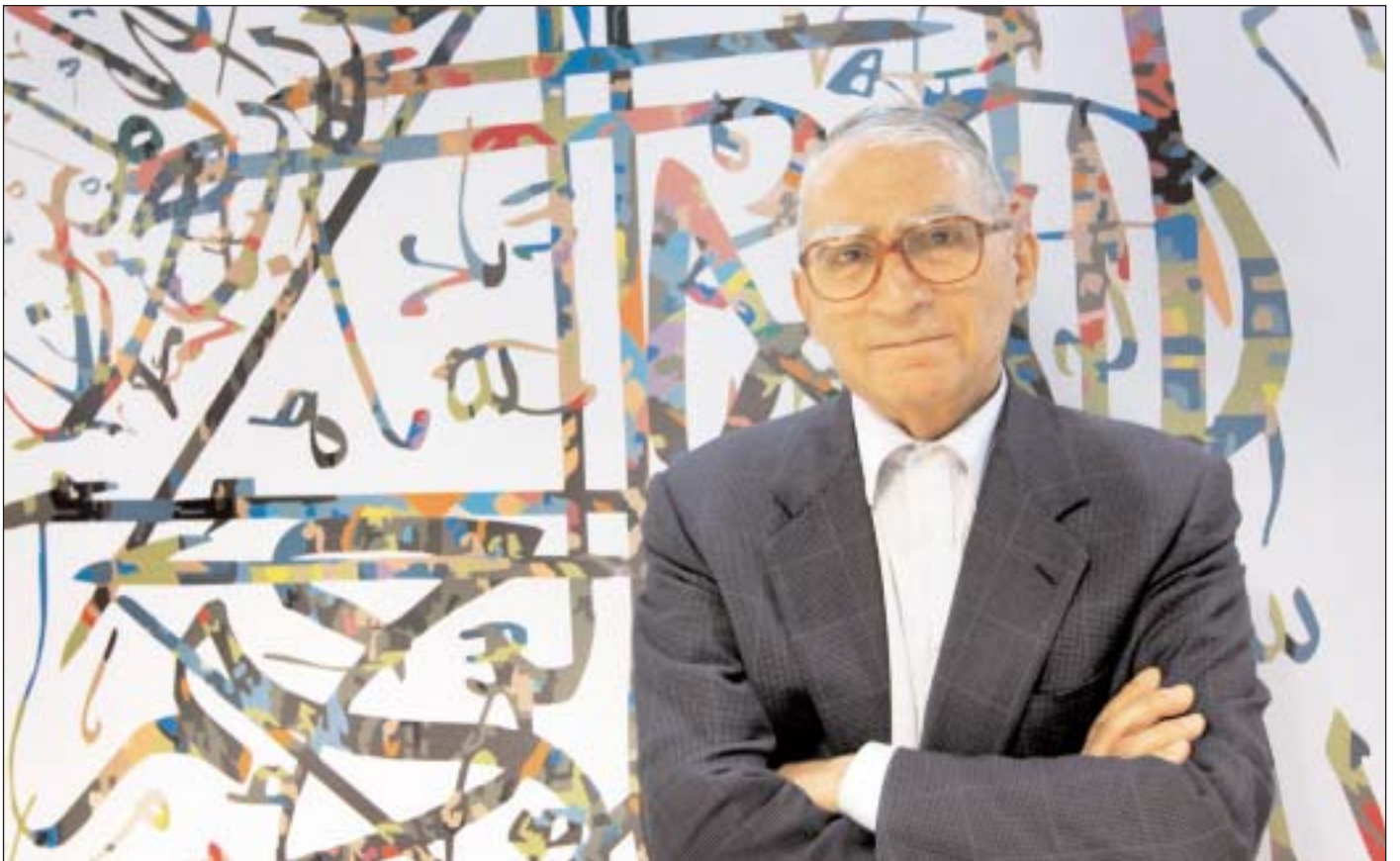


فلسفه باید ما را به خودباوری برساند



در درازمدت انجام شود و خوشبختانه حرکت‌هایی هم برای رسیدن به این نقاط آغاز کرده‌ایم. یعنی با اینکه جا افتادن تفکر فلسفی نیاز به زمان دارد، اما ما حرکت‌های خوبی را در این عرصه شروع کرده‌ایم.

همه تلاش‌ها در این سال‌ها این بوده که جوانان ما بتوانند با بهره‌گیری از تفکر فلسفی، به خودباوری برسند و براساس تفکر و باور خودشان، بر پایه دردها و مشکلات خودشان و در نهایت براساس درد فلسفی خودشان رفتار کنند. گمان من این است که این روند باید

کتابخانه

عکس: مریم قاضی قدیمی

شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۸۹
۶ رجب ۱۴۳۱، ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰
شماره ۲۳۶، پیاپی ۸۸۷
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: علی آقاغفار
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



۱۷
گزارشی از روند شکل‌گیری
کتابخانه مجلس در بستر تاریخ

نبرد کتاب ایرانی با توپ‌های روسی و غارتگران انگلیسی



۱۸
ترجمه‌های علوم اجتماعی شریعتی
در گفت و گو با دکتر ابراهیم موحدی
علوم اجتماعی؛ بخش در
سایه اندیشه‌های شریعتی

اول تیر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

دوازدهمین جایزه کتاب فصل برگزیدگان را می‌شناسد

سوال که آثار این دوره جایزه کتاب فصل چگونه ارزیابی شده‌اند؟ گفت: «به طور کلی نمی‌توان ملاکی مشخص کرد چون در کشور ما تالیف، یک خط سیر پیوسته و طبیعی ندارد به این معنا که یکبار می‌بینیم در یک رشته و در یک فصل، چندین اثر ارزشمند منتشر می‌شود و بعد در یک فصل دیگر یا حتی گاهی بیش از یک فصل، هیچ اثر ارزشمندی منتشر نمی‌شود.» وی افزود: «شاید بازه زمانی یک سال ملاک بهتری برای قضاوت باشد، هر چند گاهی طی سال هم همین اتفاق می‌افتد یعنی در بعضی رشته‌ها در زمینه تالیف یک دفعه می‌بینیم در یک سال یا گاهی بیش از یک سال، هیچ اثر ارزشمندی که شایسته برگزیده شدن باشد منتشر نمی‌شود و بعد در یک سال دیگر آثار متعدد ارزشمندی منتشر می‌شود که اینها در رقابت با هم بالا می‌آیند و در داوریه یکی از آنها انتخاب می‌شود.»



آیین پایانی دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل، سه شنبه اول تیرماه، با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون فرهنگی وزیر ارشاد، مدیرعامل موسسه خانه کتاب و جمعی از نویسندگان و اهالی فرهنگ در سالن سوره حوزه هنری برگزار می‌شود. محمدرضا سرشار، دبیر علمی جایزه کتاب فصل در گفت و گو با کتاب هفته با بیان این مطلب، از پایان یافتن کار داوری و تایید نهایی آثار برگزیده توسط هیأت علمی این جایزه خبر داد. به گفته دبیر علمی جایزه کتاب فصل در این دوره از مجموع آثار منتشر شده تعداد پنج هزار و ۸۸۷ عنوان کتاب مورد ارزیابی قرار گرفتند و از این میان، پنج هزار و ۶۵۷ عنوان امتیاز لازم را برای راهیابی به مرحله دوم کسب کرده و در مرحله اول حذف شدند و بقیه یعنی ۲۳۰ عنوان به مرحله دوم راه یافتند. سرشار در ادامه یادآور شد: «از میان آثار یاد شده، پس از ارزیابی دقیق هر اثر توسط حداقل دو داور، در مجموع ۱۸ عنوان کتاب برگزیده و ۳۹ عنوان کتاب شایسته تقدیر شناخته شدند که از میان آثار برگزیده ۹ اثر تالیف، ۶ اثر ترجمه و سه اثر تصحیح و تحقیق اند. همچنین، از میان آثار شایسته تقدیر ۲۴ اثر تالیف، ۱۲ اثر ترجمه و سه اثر تحقیق و ترجمه اند.» دبیر علمی جایزه کتاب فصل همچنین در پاسخ به این

سرآغاز

عصاره‌های کارآمد

جشنواره‌های گوناگونی که در حوزه کتاب از سوی مراکز دولتی یا خصوصی به ویژه در سال‌های اخیر برگزار می‌شوند، هر یک «دلیل» و «انگیزه‌ای» را دنبال می‌کنند که در یک جمع بندی، می‌توان آن را «اقدامی تشویقی برای تولید آثار برتر و افزایش میل عمومی به مطالعه» عنوان کرد. هر جشنواره نیز در آیین پایانی خود، بر اساس رای و نظر داوران هر بخش، بیانه‌ای صادر و به «ضعف» و «قوت» آثار بررسی شده می‌پردازد. چه بسا چنین بیانه‌هایی، تنها در مراسم اختتامیه قرائت و شنیده شوند و دیگر، ردپایی از «عصاره» این داوری‌ها به چشم و گوش مخاطبان عام هم نرسد. شاید غیر از توجه ویژه‌ای که باید همه رسانه‌ها به این مهم داشته باشند، انتظار بجایی است که «داوران» این جوایز، عصاره «دریافت» خود را از آنچه «داوری» کرده‌اند، در قالب یک یادداشت هر چند کوتاه، در اختیار رسانه‌های مکتوب و دیجیتال قرار دهند تا هم مخاطبان عام از این عصاره‌های «کارآمد» بی‌نصیب نماند، هم بهانه کمبود جا و دشواری گفت و گو و مشغله داوران و... از برخی رسانه‌ها گرفته شود! آیین پایانی دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل، پیش‌روست؛ فرصت خوبی که می‌تواند این پیشنهاد را به آزمون بگذارد.

۲

• کردستان و گیلان،
میزبانان بعدی
نمایشگاه‌های استانی

• افزایش

صد در صدی نهادهای
حاضر در هفته کتاب

۳

• آخرین چهره
دوست آگروپری
مشاهده شد

• پل استر مهم‌ترین
مدال افتخار پاریس
را دریافت کرد

۴

برگزاری همایش
«حکمت شیعی و علم
و تمدن اسلامی»

ادامه در صفحه ۲

هر جای دنیا که هستید، باید همت بگمارید که در آنجا زبان فارسی را به انواع و اقسام روش ها - دایر کردن کلاس، تشویق افراد به خواندن کتاب های فارسی، بخش کردن برخی از کتاب های فارسی که در بعضی جاهای طالب طبیعی دارد؛ مثل کتاب حافظ و سعدی که مردم در هندوستان و پاکستان مشتری این کتاب ها هستند، و از راه های دیگر، یا حتی در جلسات رسمی - ترویج کنید. تا آنجایی که ممکن باشد، یا عامل دیگری وجود نداشته باشد، از زبان فارسی استفاده کنید.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۳۷۴/۴/۲۲

آثار قرآنی در کتابخانه مجازی

بیش از ۱۴۵ عنوان کتاب در حوزه آثار تفسیر تریبی و موضوعی قرآن کریم در کتابخانه مجازی ایراکت قرار داده شد.

رییس کتابخانه مجازی ایراکت با اعلام این خبر گفت: «در این کتابخانه، آثاری چون ترجمه انگلیسی و عربی هشت کتاب شامل جلدیک و سی ام «تفسیر بیان»، جلد ۲۶ و ۲۷ «تفسیر جوان»، روش انس با قرآن، قرآن شناسی جوان و فرهنگنامه قرآنی جوان قرار دارد.» رسول پیرهادی ادامه داد: «ترویج و گسترش فرهنگ قرآنی یکی از اهداف کتابخانه ایراکت است که در ریزی با ناشران بخش های مختلف در صدد توسعه این فضا هستیم.»

وی با اشاره به برخی دیگر از این کتابخانه، اظهار داشت: «کتاب های راز خوشبختی، روش چکیده نویسی موضوعی تفسیر قرآن، لغت شناسی و مفاهیم قرآن کریم، فقر و ثروت از دیدگاه قرآن، باستان شناسی، رنگ شناسی و موسیقی قرآنی نیز در این فهرست قرار دارند.» پیرهادی با بیان این که کاربران در صورت عضویت می توانند به صورت آنلاین کتاب های مورد علاقه خود را مطالعه کنند، گفت: «امکانی برای اعضای این کتابخانه فراهم شده است تا هر هفته سه کتاب را رایگان ذخیره کنند.» وی تصریح کرد: «این کتاب ها به مدت ۱۰ روز روی رایانه افراد فعال است و پس از آن به صورت خودکار غیرفعال می شود.» کتابخانه مجازی ایراکت در نشانی اینترنتی www.iraket.com قرار دارد.

قصه های قرآنی

در نمایش های عروسکی

نمایشگران عروسکی با تکنیک های مختلف، قصص قرآنی را در سیزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی مبارک به تصویر می کشند. این جشنواره شامل بخش های متنوعی است که از آن جمله می توان ارائه آثار ارزشمند با رویکرد ایرانی برای شرکت در این جشنواره را برشمرد. تعدادی از متون متقاضی شرکت در این جشنواره، برگرفته از قصص قرآنی به روایت نمایشگران عروسکی با تکنیک های مختلف از جمله سایه ای روی صحنه خواهند آمد. این جشنواره به دبیری اردشیر صالح پور از ۳۱ تیر تا ۵ مرداد سال جاری در تهران برگزار خواهد شد.

هوالباقی

جناب آقای سید مصطفی قاضی عسکر
نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت
واقع در گذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض کرده و از خداوند سبحان برای آن عزیز از دست رفته، رحمت و اسعه مسئلت و برای بازماندگان، صبر و سلامتی آرزو مندیم.

محسن پرویز

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

با داوران جایزه کتاب فصل

جایزه کتاب فصل سه ساله شد



بالا می برد. اگر دستگاه های فرهنگی بتوانند انگیزه خلق اثر هنری را در هنرمندان فراهم کنند، کاری بزرگ را به سرانجام رسانده اند.

احمد شاکری، داور دوره های گذشته جایزه کتاب فصل: نگرش داوران در چنین جشنواره هایی باید بر فرم های داوری رجحان یابد چون این فرم ها تنها بیانگر گزینه هایی تعریف شده و آکادمیک اند در حالی که این جشنواره ها باید بیانگر فکر زنده و قابل دفاع باشند. جشنواره کتاب فصل دوره های زمانی کوتاه تری دارد و در میان جشنواره هایی که در حوزه ادبیات برگزار می شوند از این حیث بی نظیر است.

فیروز نوزوی جلالی، داور حوزه داستان: تا به حال این جشنواره به گونه ای برپا می شده که در صورت وجود پاره ای نواقض یا اشکالات، مسوولان توسط داوران در جریان قرار می گرفتند؛ این در حالی است که از نگاه من، همه وجوه این جشنواره در بخش های متفاوت و مهم تر از همه توجه به حوزه داستان، مثبت و هدفمند بوده و به نحو مطلوب اداره شده است.

موجب خلأ در عرصه فرهنگی کشور می شود. با برگزاری هر دوره از جایزه کتاب فصل انتقادات و پیشنهادهایی ارائه می شوند و فرصتی را پیش می آورند تا این جشنواره با دقت و جامعیت بیشتری برگزار شود.

حسین آبادیان، داور چند دوره جایزه کتاب فصل: در جشنواره های کتاب فصل اغلب کتاب ها دیده و بررسی می شوند و گرچه این به عنوان بخشی از وظایف خانه کتاب تعریف شده اما نکته قابل توجه آن است که به گونه ای مطلوب و هدفمند برگزار می شود. در هر حال، این جایزه برای نویسندگان نوعی تشویق به حساب می آید و این تشویق برای نویسنده ای که کتابش را به ناشر خصوصی می سپارد، حائز اهمیت است.

حسین فتاحی، داور چند دوره جایزه کتاب فصل: هر حرکتی که سبب شود کتاب ها دیده شوند و درباره آنها ارزشگذاری صورت بگیرد، دارای اهمیت است.

مهم این است که نویسنده و صاحب اثر فکر کند جایی وجود دارد که در آن، اثر دیده و ارزیابی می شود و همین موضوع، انگیزه خلقی را در پدیدآورنده اثر هنری

آیین پایانی دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل، سه شنبه در حالی برگزار می شود که پایه پای این مراسم، این جایزه سومین سال برگزاری اش را پشت سر می گذارد. خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به همین مناسبت طی گفت و گوهایی با برخی از داوران این جایزه، نظر آنها را درباره کارنامه سه ساله این جایزه جویا شده که در اینجا برخی از این اظهار نظرها به اجمال از نظر می گذرد.

عبدالمجید حسینی راد، داور بخش کلیات و هنرهای تجسمی: برگزاری جشنواره کتاب فصل موجب تشویق مولفان، مترجمان و ناشران شده و انگیزه آنان را برای نوشتن و چاپ متون معتبرتر بیشتر می کند. آثار برگزیده جایزه کتاب فصل علاوه بر این که باید در رسانه ها تبلیغ و معرفی شوند، باید از مولف و ناشر برگزیده نیز حمایت بیشتری صورت گیرد و آثار با شرایط بهتری در دسترس علاقه مندان قرار بگیرد.

عنایت الله فاتحی نژاد، داور بخش ادبیات: باتاسیس جایزه کتاب فصل، داوری ها در کتاب سال راحت تر پیش می رود و در صورتی که برخی کتاب ها به هر دلیل به دبیرخانه کتاب فصل راه نیابند در مراحل داوری کتاب سال ارزیابی می شوند. گرچه زمان داوری کتاب فصل محدود است ولی تعداد کتاب های منتشر شده در فاصله یک فصل نیز با این زمان تناسب دارد.

سیدعلی کاشفی خوانساری، داور بخش کودک و نوجوان: همان طور که در جشنواره کتاب فصل، کتاب ها به طور مستمر دیده می شوند و از سوی کارشناسان و علاقه مندان مورد توجه قرار می گیرند، اقدامی موثر در عرصه کتابخوانی نهادینه می شود. به اعتقاد من بهتر است که این بررسی ها به طور ماهانه هم برگزار شوند. البته بررسی کارشناسی با عملکرد جشنواره ای متفاوت است و مسلمانان جشنواره ها باید سطح علمی بالاتری داشته باشند.

محمدباقر قهرمانی، داور بخش هنرهای نمایشی و نمایشنامه: برگزاری جشنواره کتاب فصل از فعالیت های ضروری است و حذف این جریان مثبت

کردستان و گیلان، میزبانان بعدی نمایشگاه های استانی

گیلان ۲۰ تا ۳۰ تیرماه سال جاری اعلام شده است. بنابه گزارش روابط عمومی موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، کتابفروشی های استان کردستان و همچنین کتابفروشی های استان گیلان می توانند با داشتن نمایندگی معتبر از ناشران، برای ثبت نام و شرکت در این نمایشگاه ها اقدام کنند.

همچنین ناشران علاقه مند برای حضور در این نمایشگاه ها می توانند برای دریافت فرم ثبت نام به نشانی تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان های فلسطین و صبا جنوبی، شماره ۱۰۸۰، موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران یا به نشانی اینترنتی www.icfi.ir مراجعه کنند.

زمان برگزاری این دو نمایشگاه از سوی روابط عمومی موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، مردادماه امسال اعلام شده است.



یکصد و شصت و پنجمین و یکصد و شصت و ششمین نمایشگاه های استانی کتاب به ترتیب، مردادماه در استان کردستان و استان گیلان برگزار می شوند.

مهلت ثبت نام برای شرکت در نمایشگاه کردستان ۱۲ تا ۲۲ و مهلت ثبت نام برای حضور در نمایشگاه

دوازدهمین جایزه کتاب فصل برگزیدگانش را می شناسد

ادامه از صفحه اول

بنا به گزارش دبیرخانه جایزه کتاب فصل، این جایزه که با هدف حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مولفان، مترجمان و مصححان با هدف ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی به همت موسسه خانه کتاب برگزار می شود، شامل ۱۱ حوزه کلیات، فلسفه و روان شناسی، دین، علوم اجتماعی، علوم خالص، علوم کاربردی، هنر، ادبیات، تاریخ و کودک و نوجوان است.

این جایزه که در دوازدهمین دوره برگزاری، سومین سال آغازش را نیز پشت سر می گذارد با برنامه هایی ویژه و متفاوت از دوره های قبل برگزار می شود. بنا به گفته علی شجاعی صائین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب، در آیین پایانی این دوره که آثار برگزیده زمستان ۸۸ معرفی می شوند، مسائل مختلف این جایزه با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد بررسی قرار خواهند گرفت و برخی برگزیدگان و داوران دوره های پیشین این جایزه نیز به بررسی مسائل مربوط به آن خواهند پرداخت.

آیین پایانی دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل، سه شنبه اول تیر از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر در تالار سوره حوزه هنری با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می شود.

افزایش صددرصدی نهادهای حاضر در ستاد هفته کتاب

به گفته محمد الهیاری فومنی، دبیر هجدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، در دوره آینده هفته کتاب که آبان امسال برگزار می شود، نهادهای مشارکت کننده در این رویداد فرهنگی افزایش صددرصدی خواهند داشت.

الهیاری فومنی با اعلام این مطلب گفت: «در این دوره تلاش کرده ایم با افزایش نهادهای همکار در برگزاری هفته کتاب، سطح حضور این هفته فرهنگی را در جامعه افزایش دهیم.» وی ادامه داد: «در دوره قبل این رویداد فرهنگی ۴۸ نهاد با ستاد برگزاری هفته کتاب همکاری می کردند که در این دوره تاکنون بیست نهاد دیگر شناسایی و برای حضور در نخستین جلسه این ستاد دعوت شده اند.»



به گفته دبیر هجدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت چندین نهاد دیگر نیز برای حضور در ستاد برگزاری هفته کتاب در حال بررسی است. نخستین جلسه ستاد برگزاری هجدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران سی و یکم مردادماه در ساختمان فجر برگزار خواهد شد.

آخرین چهره دو سنت اگزوپری مشاهده شد

آخرین تصاویری که از آنتوان دوست اگزوپری، نویسنده فرانسوی و خالق رمان «شازده کوچولو» باقی مانده است، پیدا شد. این تصاویر که درست پیش از آخرین پرواز اگزوپری که منجر به ناپدید شدن مرموز او شد گرفته شده است، چهره‌ای افسرده از این نویسنده و خلبان را نشان می‌دهد. به نوشته روزنامه فرانسوی فیگارو، این عکس‌ها احتمالاً در جزیره کورس در جریان جنگ دوم جهانی، توسط یک خلبان آماتور اگزوپری گرفته شده‌اند و اگزوپری را در ژوئیه سال ۱۹۴۴ نشان می‌دهند.



پل استر، نویسنده آمریکایی مدال طلای ورمیل، مهم‌ترین مدال شهر پاریس را از برتران دلانو شهر دار پاریس دریافت کرد.

این عکس‌ها همراه چند عکس دیگر که ۶۰ سال در یک جعبه و در خانه ریموند دوریه، اسکادران سابق نیروی هوایی فرانسه آرام گرفته بودند، اواخر سال ۲۰۰۹ کشف شدند. با وجود این به تازگی خواهرزاده اگزوپری عکس‌های مربوط به دایی اش را شناسایی کرده است. هر چند دستنوشته‌ها و کتاب‌های زیادی از دوریه باقی مانده است، اما این عکس‌ها تاکنون پنهان بوده‌اند.

از چهار عکس سیاه و سفید جدیدی که پیدا شده، فقط یکی از آنها در سال ۱۹۹۰ در مجله تخصصی ایکاروس چاپ شده بود. در یکی از این عکس‌ها نویسنده «شازده کوچولو» در لباس پرواز دیده می‌شود. او در این عکس عینک زده و نامش روی لباسش قید شده است. در یک عکس دیگر او در

حالت کشیدن سیگار است و در عکس بعدی در حال سرفه کردن است و دستش را جلوی صورتش گرفت است. این عکس‌ها قرار است در موزه هوایی در آنکرس به نمایش گذاشته شوند.

در پایان کتاب «شازده کوچولو» معروف‌ترین اثر اگزوپری که به عنوان تاثیرگذارترین رمان قرن بیستم هم شناخته شده، شخصیت خیالی شازده کوچولو با یک مرگ ظاهری به سیاره اش بازمی‌گردد و هیچ اثری از پیکر او باقی نمی‌ماند. این مشابه سرنوشتی است که برای خالق رمان نیز به وقوع پیوست.

دوست اگزوپری، در ماه‌های پایانی جنگ جهانی دوم و در حالی که به یک مأموریت شناسایی رفته بود، همراه هواپیمایش برای همیشه ناپدید شد. بعداً برخی از پژوهشگران احتمال دادند که وی به عمد

هوایمای خود را در معرض شلیک جنگنده‌های آلمانی قرار داده است تا به زندگی اش پایان دهد.

چند روز بعد در محلی که هوایمای این نویسنده ناپدید شده بود، یک جسد سوخته که به نظر می‌آمد لباس نظامی به تن دارد پیدا شد و در محلی نزدیک به محل ناپدید شدن هوایمیا، به نام جسد آنتوان دو سنت اگزوپری به خاک سپرده شد.

سال ۱۹۲۱ نقطه عطفی در زندگی او بود. در این سال او به خدمت سربازی رفت و برای گذراندن دوره خلبانی به استراسبورگ فرستاده شده. یک سال بعد او موفق به اخذ گواهینامه خلبانی شد و به نیوی هوایی دعوت شد اما مخالفت خانواده نامزدش او را در پاریس ماندگار کرد و پشت میز نشین شد. با به هم خوردن رابطه نامزدی اش، آنتوان شغل‌های مختلفی را در سال‌های بعد تجربه کرد و در هیچ‌یک از آنها به موفقیتی دست نیافت. در سال ۱۹۲۶ او پرواز را دوباره آغاز کرد. در روزهایی که هوایمیاها آنچنان پیشرفته نبودند و خلبان‌ها بیشتر متکی به غریزه خود پرواز می‌کردند، او یکی از معدود کسانی بود که برای پروازهای پستی بین المملی داوطلب شد و بعدها مدعی شد که خلبانانی که با هوایمیاها پیشرفته پرواز می‌کنند بیشتر به حسابدار شبیه‌اند تا خلبان.

پل استر مهم‌ترین مدال افتخار پاریس را دریافت کرد



پل استر نویسنده آمریکایی مدال طلای ورمیل، مهم‌ترین مدال شهر پاریس را از برتران دلانو شهر دار پاریس دریافت کرد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران به نقل از سایت استریا دیجیتال، او که همراه همسرش برای دریافت جایزه در مراسم شرکت کرده بود، به زبان فرانسوی سلیس گفت: «نسبت به پاریس؛ شهری که اولین بار در ۱۸ سالگی از آنجا دیدن کردم، احساس نزدیکی بسیار می‌کنم.»

پل استر، نویسنده آمریکایی و خالق آثاری چون «سه گانه نیویورک» که معمولاً در آثارش از شهر نیویورک نیز یاد می‌کند، در مسیر فعالیت‌های ادبی جدیدش، آغاز به ترجمه اشعار فرانسوی به انگلیسی کرده است.

استر که جایزه پرنس آستوریاس را در سال ۲۰۰۶ دریافت کرده، پیش از این با دریافت جایزه فرمانروای هنر و ادب خود را به جامعه فرانسه شناسانده بود. این نویسنده پس از مراسم به افتتاحیه فستیوال ادبی پاریس ۲۰۱۰ که به عنوان مهمان افتخاری برای شرکت در آن دعوت شده است، رفت.

«درخت مار» اووه تیم ترجمه شد

رمان «درخت مار» اثر اووه تیم، نویسنده آلمانی به فارسی ترجمه شد و در ایران منتشر می‌شود. ترجمه دیگری از همین رمان نیز انتظار انتشار را می‌کشد. رمان «درخت مار» از آثار نسبتاً طولانی اووه تیم و مربوط به دوران میانی نویسندگی اوست.

این کتاب را امید اجتماعی جندقی به فارسی ترجمه کرده و ترجمه او تا پایان هفته جاری توسط نشر افق روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

این انتشارات اولین ناشر آثار این نویسنده آلمانی در ایران است و در سال ۱۳۸۶ کتاب «مثلا برادرم» از این نویسنده را با ترجمه محمود حسینی زاد منتشر کرد. پس از آن چند مترجم دیگر نیز به این نویسنده آلمانی پرداختند و کتاب‌های دیگری از «تیم» در ایران منتشر شد.

همزمان، ترجمه دیگری از رمان «درخت مار» توسط حسین تهرانی به پایان رسیده و این کتاب هم از سوی نشر چشمه منتشر خواهد شد. تهرانی پیش‌تر آثار دیگری مانند «کشف سوسیس کاری»، «شکارچی انسان» و «سرخ» را از این نویسنده آلمانی به فارسی ترجمه کرده است.

رمان «درخت مار» از آثار نسبتاً طولانی اووه تیم و مربوط به دوران نویسندگی اوست. وی این رمان را در سال ۱۹۸۶ میلادی، با نام آلمانی «Der Schlangenberg» نوشته و منتشر کرده است. «درخت مار» دهمین اثر این نویسنده از زمان آغاز نویسندگی اش است.

این نویسنده ۷۰ ساله در سال ۱۹۴۰ در شهر هامبورگ آلمان متولد شده است و منتقدان او را یکی از موفق‌ترین نویسندگان معاصر آلمان می‌دانند. تیم تاکنون بیش از ۲۰ کتاب شامل رمان، کتاب کودک و داستان کوتاه منتشر کرده است.

ترجمه اجتماعی جندقی از این کتاب در ۴۲۴ صفحه منتشر شده است.

«زنگ در» ناباکوف در کتابفروشی‌ها به صدا در می‌آید

داستان کوتاه «زنگ در» اثر ولادیمیر ناباکوف، نویسنده اهل روسیه به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. ناباکوف این داستان کوتاه را در مجموعه داستان «جزئیات غروب و داستان‌های دیگر» که در سال ۱۹۷۶ میلادی منتشر شد، چاپ کرده است.

داستان کوتاه «زنگ در» را جهانرخش نورایی به فارسی ترجمه کرده و ترجمه وی توسط موسسه انتشاراتی نیلا به صورت کتابی کوچک منتشر شده است.

علاوه بر «زنگ در» ۱۲ داستان کوتاه در نسخه اصلی این مجموعه وجود دارند که نویسنده آنها را در فاصله سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۵ در برلین و پاریس نوشته است. این داستان‌ها



بعدتر توسط دیمیتری ناباکوف، پسر ولادیمیر ناباکوف، به انگلیسی ترجمه شده‌اند.

ترجمه فارسی نورایی از داستان کوتاه «زنگ در» از روی نسخه انگلیسی این داستان انجام شده است. ناباکوف در آخرین سال قرن ۱۹ میلادی در روسیه متولد شد و در ۲ ژوئیه ۱۹۷۷ در آمریکا درگذشت.

وی از معدود نویسندگان روسی است که فضای سرد و سنگین ادبیات روسیه بر داستان‌هایش حاکم نیست. اعتبار و شهرت این نویسنده با رمان «ولیتا» به اوج رسید.

«زنگ در» در ادامه سلسله کتاب‌های «کتاب کوچک» انتشارات نیلا منتشر شده که ناشر در این مجموعه، داستان‌ها و نمایشنامه‌هایی از نویسندگان مطرح دنیا را در قالب کتاب‌های جیبی منتشر می‌کند.

در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

علم آموختن در یک پرونده

سید مرتضی خلیلی، پژوهشگر علوم تربیتی نزدیک به ۶۰ سال است در زمینه آموزش و پرورش و علوم مرتبط با آن به فعالیت می‌پردازد. وی از سال ۱۳۳۱ خورشیدی به عنوان یک معلم کارش را شروع کرد و چندی بعد به علت شهرت نسبی در روش تدریسش که توأم با انجام دائمی آزمایش بود و در مدارس دولتی به ویژه جنوب شهر تهران به کار گرفته می‌شد برای همکاری به عنوان کارشناس برنامه ریزی و تالیف کتاب‌های درسی به مرکز تحقیقات و برنامه ریزی دعوت شد. وی بیش از ۴۰ عنوان کتاب درسی و کمک درسی و ۶۰ مقاله، نشریه و طرح در اختیار آموزش و پرورش گذاشته و آخرین کتاب وی که در قلمرو برنامه ریزی درسی است در پنجاهمین سال خدمت آموزشی اش منتشر شد.

بخش پرونده ایبنا مصاحبه مفصلی با این کارشناس علوم تربیتی منتشر کرده است. وی در این گفت‌وگو تعامل نداشتن سازمان‌های مختلف با یکدیگر برای یک برنامه واحد آموزشی انتقاد کرده و گفته است: «برنامه ریزی درسی آموزش و پرورش، فرآیند بسیار پیچیده‌ای دارد که اگر ساده‌اش بگیریم، بخش بزرگی از تلاش‌هایمان از بین می‌رود، مانند اتومبیلی که باتری ۱۲ ولت دارد و چراغ‌هایش هم باید ۱۲ ولت باشند و... وقتی سازمان‌ها از هم جدا هستند، هر یک مطابق ولتاژ خود عمل می‌کنند و هماهنگی ندارند در نتیجه بسیاری از تلاش‌ها به هدر می‌روند.»

آخرین کتاب‌هایی که ارشاد خرید

خبرگزاری کتاب مطابق روال همیشه، فهرستی از آخرین کتاب‌هایی را که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خریداری شده‌اند منتشر کرده است. این فهرست مربوط است به تمام کتاب‌هایی که هیأت خرید کتاب وزارت ارشاد در جلسه‌های ۳۸۳ و ۳۸۴ خریدن آنها را تایید کرده است. وزارت ارشاد تلاش دارد با انجام طرح خرید کتاب، ضمن پر بار کردن کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های مساجد و مدرسه‌ها، به ناشرانی که کتاب‌های قابل اعتنا منتشر می‌کنند، کمک کند. این فهرست در ایبنا قابل مشاهده است.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب‌ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب‌هایی که به زودی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارند، گفت‌وگو‌هایی با شاعران، نویسندگان، تازه‌ترین خبرها از کتاب و ادبیات و تحلیل‌هایی بر کتاب‌های جدید، از دیگر مطالبی‌اند که می‌توان در ایبنا یافت.



کتابخانه دیجیتال معارف اسلامی

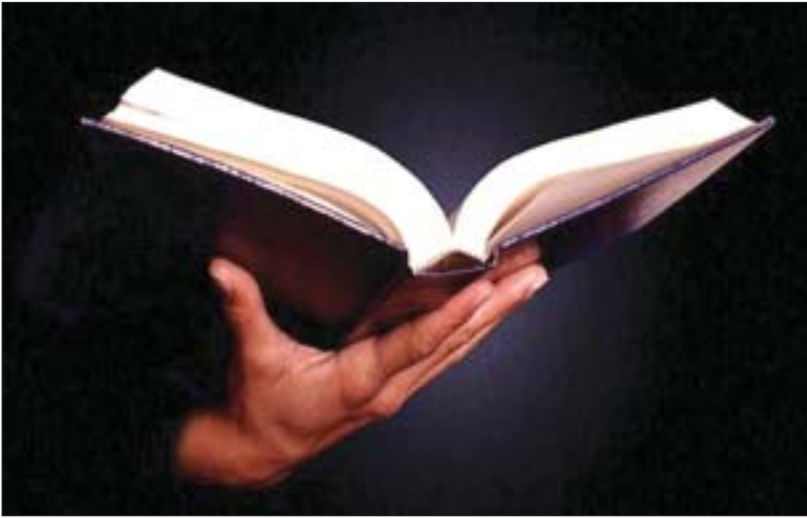
۳۱ مرداد آخرین مهلت ارسال آثار برای جایزه جلال: نویسندگان، منتقدان، تاریخ نگاران و ناشران تا ۳۱ مرداد فرصت دارند آثار خود را که در سال ۸۸ منتشر شده‌اند، برای شرکت در سومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد ارسال کنند. سومین دوره این جایزه دوم آذرماه سال جاری همزمان با سالروز تولد جلال آل احمد برگزار می‌شود. در این رقابت ادبی که در سه رشته تخصصی داستان، نقد ادبی، تاریخ نگاری و مستندنگاری صورت می‌گیرد، نفرات برگزیده هر یک از رشته‌ها، نشان ادبی جلال آل احمد، تندیس، لوح تقدیر و ۱۱۰ سکه بهار آزادی دریافت خواهند کرد.

افتتاح نمایشگاه دائمی کتاب‌های تخصصی هنر و ادبیات در نقش جهان: نمایشگاه دائمی کتاب هنر و ادبیات با همکاری موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن» و انتشارات افراز در مرکز هنرپژوهی نقش جهان راه‌اندازی شد. این نمایشگاه که مشتمل بر کتاب‌های چاپ شده در حوزه نمایش، سینما و ادبیات است، از ۲۵ خرداد به طور رسمی آغاز به کار کرد. علاقه‌مندان همه روزه به جز روزهای پنجشنبه و جمعه از ساعت ۸ تا ۱۷ می‌توانند از این نمایشگاه دیدن کنند.

شرایط بازپرداخت وام چاپخانه داران آسان می‌شود: سرپرست دفتر امور چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «به دنبال اعطای تسهیلات ویژه به چاپخانه دارانی هستیم که به دلایل مختلف قادر به بازپرداخت وام‌های بانکی خود نیستند.» وی همچنین از پیگیری موضوعات مربوط به معافیت گمرکی چاپخانه داران در ورود ماشین آلات به روز و جدید چاپ خبر داد.

مدیر روابط عمومی بنیاد حکمت اسلامی صدرا خبر داد

برگزاری نخستین همایش «حکمت شیعی و علم و تمدن اسلامی»



نخستین همایش «حکمت شیعی و علم و تمدن اسلامی» سی‌ام تیرماه سال جاری به همت بنیاد حکمت اسلامی صدرا در شهر قزوین برگزار می‌شود. احسانه شهرکی مدیر روابط عمومی بنیاد حکمت اسلامی صدرا در گفت‌وگو با کتاب هفته با بیان این مطلب و با اشاره به این که این نخستین باری است که چنین همایشی برگزار می‌شود، از تمدید مهلت ارسال آثار تا بیستم تیرماه سال جاری خبر داد و گفت: «پژوهشگران و علاقه‌مندان به ارسال مقاله برای این همایش تا بیستم تیر فرصت دارند تا مقالات خود را با دو عنوان کلی: الف) تشیع و نهضت عقلی - کلامی فلسفی و ب) اسماعیلیه به دبیرخانه همایش ارسال کنند.»

مدیر روابط عمومی بنیاد حکمت اسلامی صدرا در پاسخ به این سوال که کار بررسی مقالات را چه کسانی بر عهده دارند؟ اظهار داشت: «ارزیابی و بررسی آثار بر عهده اعضای شورای علمی مرکز تدوین تاریخ حکمت و فلسفه است که این شورا در واقع زیرمجموعه‌ای از بنیاد حکمت اسلامی صدراست.» شهرکی همچنین یادآور شد: «در این همایش تعدادی از استادان صاحب نظر در این حوزه سخنرانی خواهند کرد که تاکنون برنامه سخنرانی آیت الله سید محمد خامنه‌ای و دکتر علی اکبر ولایتی قطعی شده است.»

مدیر روابط عمومی بنیاد حکمت اسلامی صدرا با اشاره به این که این همایش به همت بنیاد حکمت اسلامی صدرا و با همکاری استانداری قزوین برگزار می‌شود، درباره اهداف برگزاری آن اظهار داشت: «با توجه به نقش برجسته شیعه به ویژه شاخه‌های اسماعیلیه و باطنیه در کنار دیگر حکمای شیعی به عنوان بخشی از این جریان در تحولات فکری و تمدن حوزه اسلامی و جایگاه آن در تکوین بنیادهای

گرایش فلسفی، نبوت و استدلال‌های شیعه و اسماعیلیه، کلام خدا و منازعات متکلمین، فلسفه نوافلاطونی و اسماعیلیه، تفاوت‌ها و همانندی‌های شیعه و اسماعیلیه، اسماعیلیه و موانع فلسفی، اسماعیلیه، فاطمیان و نزاریان، تاریخ اسماعیلیه از ابتدا تا ۶۵۴ و تسلیم خورشاه.

مدیر روابط عمومی بنیاد حکمت اسلامی صدرا همچنین از بررسی آراء متفکران معروف شیعه، اسماعیلیه و باطنیه از جمله ابوحنیف توحیدی، ابویعقوب سجستانی، حمیدالدین کرمانی، ابوحاتم رازی، ناصر خسرو، اخوان الصفا و المؤید فی الدین شیرازی در این همایش خبر داد.

نخستین همایش «حکمت شیعی و علم و تمدن اسلامی» ۳۰ تیرماه سال جاری در شهر قزوین برگزار می‌شود.

اساسی اندیشه اسلامی در پنج سده میانه، بنیاد حکمت اسلامی صدرا بر آن شد تا برای شناخت تاثیر مکتب شیعی در پیشبرد تمدن، علم و فلسفه و همچنین بررسی مسائلی از جمله تاریخچه، تحولات سیاسی و اجتماعی، ابعاد فکری، اندیشه و نقش مکاتب اسماعیلیه و باطنیه در پیشبرد حکمت شیعی، این همایش را برگزار کند.»

به گفته شهرکی، برخی از موضوعات در نظر گرفته شده برای این همایش عبارتند از: پیشینه قرآنی رویکرد عقلی تشیع و اسماعیلیه، موضوعات توحید و استدلال‌های مکتب شیعه و امامیه، جبر، اختیار و اراده آدمی و عدل الهی در اندیشه تشیع، معاد و جاودانگی نفس و استدلال‌های شیعه، نسبت فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر با اسماعیلیه، خاستگاه اسماعیلیه، تشیع و استدلال‌های کلامی، تشیع و

خانه کتاب منتشر کرد

کتاب مرجع نشر ایران

۱۳۸۹

آخرین اطلاعات ناشران،
کافذ فروشی‌ها، لیوگرافی‌ها، چاپخانه‌ها،
صحافی‌ها، کتابفروشی‌ها، مراکز پختی،
تصویر گران، طراحان گرافیک، ناشران
الکترونیک، نمایندگان ناشران خارجی

جواب: از دیهشت ۱۳۸۹
قیمت: ۱۳۰۰۰۰ ریال ۸۰۰ صفحه، جلد شومیز، همراه با CD

کارنامه نشر ایران

فهرست موضوعی کتاب‌های منتشر شده در
سال ۱۳۸۸
جواب: از دیهشت ۱۳۸۹
قیمت: (دوره سه جلدی) ۴۵۰۰۰۰ ریال
۳۱۰۰ صفحه، جلد شومیز

**مرکز توزیع و فروش: بخ قائم مقام فراهانی،
بخ فجر ساختمان فجر، پلاک ۷ تلفن: ۸۱۳۳۲۹۸۵-۸۱۳۱۸۶۵۳**

هفتمین دوره جشنواره نقد کتاب همزمان با هیجدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد، هفتمین دوره جشنواره نقد کتاب را همزمان با هیجدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می‌کند. لذا از تمامی منتقدان، مدیران مسئول مطبوعات، نشریات، سایت‌های خبری و نیز وبلاگ نویسان دعوت می‌کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده‌اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۹ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین فلسطین و برادران مغفقر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه منفی ۲
تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵
تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸
سایت: www.naghdeketab.ir

خانه کتاب جشنواره نقد کتاب



تبلور مکتوب زجرهای یک دونده!

جعفر باباخانی، عضو سابق تیم ملی دو و میدانی ایران و دونده دوهای نیمه استقامت کشورمان، از جمله ورزشکارانی است که اگر حکایت حضور ۲۷ ساله اش در عرصه ورزش غیرحرفه‌ای (آماتور) و حرفه‌ای در قالب کتاب درآید، داستانی خواندنی خواهد بود؛ داستان پسری خردسال که بدون امکانات و پشتوانه و بهره از راهنمایی یک مربی، گام در راه دور و دراز دوومیدانی گذاشت و به بلندی قاره کهن راه یافت.

خودش هم با این عقیده موافق است و می‌گوید: «از هنگامی که وارد مقطع تحصیلی دبستان شدم، به دوومیدانی رو آوردم. سختی‌های زیادی کشیدم و حوادث تلخ و شیرینی برایم رقم خورد که اگر روزی کتاب شوند، بسیار خواندنی خواهند بود.» او البته حضور در عرصه کتاب را با ترجمه یک اثر خارجی آغاز کرده است. کتاب «راهنمای ورزشکاران جوان (برای موفقیت در رشته‌های مختلف ورزشی)» اثر پی کریسیفیلد و همکاران، اثری است که باباخانی از انگلیسی به زبان فارسی برگردانده و البته دکتر رضا بیات هم در این راه، کمک‌های شایانی به او کرده است.

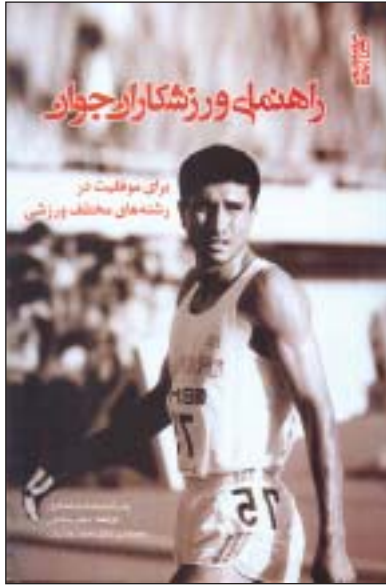
نفر سوم دوومیدانی قاره آسیا که اکنون خودش را برای ورود به مقطع تحصیلی دکتری مدیریت آماده می‌کند، از وجود خلایی در حوزه کتاب‌های ورزشی سخن می‌گوید، همان‌که عامل اصلی ترجمه این کتاب شد؛ «همواره شاهد خلایی در حوزه کتاب‌های ورزشی بودم، خلایی که مانع فهم درست واژه‌ها و مفاهیم دشوار ورزشی، به ویژه در حوزه‌های فیزیولوژی و مدل‌های برنامه‌ریزی می‌شود و مخاطب خاص و عام را با مشکل روبه‌رو می‌کند، لذا تصمیم گرفتم این کتاب را که متن اصلی اش هم روان بود، با قلمی سلیس، ساده و درعین حال کاربردی، به زبان فارسی برگردانم تا هم مورد استفاده دانش‌آموزان علاقه‌مند به ورزش قرار بگیرد و هم یک متخصص حوزه ورزش و تربیت بدنی بتواند از آن لذت ببرد.»

اما این، همه انگیزه باباخانی برای ترجمه این کتاب و ورود به عرصه کتاب نیست. گویا او قصد داشته است آنچه را در طی ۲۷ سال حضور در ورزش دوومیدانی کسب کرده است، بنویسد و ترجمه این کتاب، تنها یک آغاز محسوب می‌شود. او در این باره می‌گوید: «من مربی نداشتم و خودم هم ورزشکار بودم و هم مربی، لذا تجربیات فراوانی به دست آوردم. از آنجا که مجبور بودم خودم مربی، روان‌شناس، پزشک و دکتر تغذیه خودم باشم، اطلاعات و تجربیات زیادی به دست آوردم و تمامی اینها مرا به سمت دنیای کتاب سوق داد.»

باباخانی می‌گوید: «من همواره شیفته تکنیک دویدن دوندگان انگلیسی نظیر استیو کرام و سباستین کوبود. از آنجا که این کتاب از تجربیات این دو دونده نامدار در سطح جهان سودمی برد در دانشگاه‌های انگلستان نیز از آن استفاده می‌شود، پیشنهاد ترجمه آن از سوی دکتر بیات را پذیرفتم. در جریان ترجمه هم متوجه شدم نویسندگان این اثر، راه را به بیراهه نرفته‌اند و حتی در گذاشتن علاماتی نظیر ویرگول نیز درست عمل کرده‌اند. متن آن نیز سلیس و روان است و تمامی این موارد، هماهنگی لازم را بین مطالب کتاب و مخاطب برای درک مفاهیم ایجاد می‌کند.»

قهرمان سابق دوهای نیمه استقامت ایران و نفر سوم قاره کهن سپس از کتابی که سرگرم تالیف آن است سخن می‌گوید: «قبل از ترجمه کتاب راهنمای ورزشکاران جوان، گردآوری تجربیات ۲۷ ساله‌ام را شروع کردم و قصد دارم تمرینات و مسابقاتم را به صورت علمی - کاربردی به رشته تحریر درآورم تا یادگاری از سال‌ها فعالیت و زحمتم به جا بماند. البته این کار، بسیار زمان‌بر است.»

باباخانی هنگامی که به عنوان ورزشکار روی پیست‌های دوومیدانی می‌دوید، تقریباً مانند همه دوومیدانی‌کاران از حمایت نکردن فدراسیون دوومیدانی از دوندگان گله می‌کرد. سوال این است که با توجه به پیشرفتی که دوومیدانی ایران طی سال‌های اخیر داشته، باباخانی همچنان از منتقدان آن به حساب می‌آید یا این که فدراسیون با حمایت از کتاب او، دست کم توانسته است قدری دل او را به دست بیاورد. او در این باره می‌گوید: «حمایت؟ کدام حمایت؟ من می‌توانم نامه‌ای را به شما نشان دهم که ثابت می‌کند همین کتاب برای دو سال در کمیته ملی المپیک معطل ماند و آخر هم کمیته ملی المپیک حاضر نشد آن را چاپ کند و من هم مجبور شدم آن را به ناشر خصوصی بدهم. کمیته ملی المپیک فقط بهانه آورد و کتاب را چاپ نکرد، درحالی که گاهی آثار افرادی که در حوزه ورزش تخصصی هم ندارند، از طریق انتشارات کمیته ملی المپیک منتشر می‌شوند. درباره حمایت فدراسیون دوومیدانی از کتابم هم باید بگویم که وقتی فدراسیون سراغی از خود من که روزگاری قهرمان ایران بودم نمی‌گیرد، معلوم است که کتابم را هم تحویل نمی‌گیرند. آنها زمانی می‌گفتند که من بدون حقوق در فدراسیون مربیگری کنم! آیا چنین اشخاصی از کتاب حمایت می‌کنند؟ فدراسیون هیچ حمایتی از من و کتابم نکرده است و من هم قصد دارم بدون حمایت دیگران، به جامعه علمی ورزش ثابت کنم که ورزشی‌ها، خیلی علمی‌تر از افرادی‌اند که از خارج ورزش دست به قلم می‌زنند و می‌نویسند.» پیش از جعفر باباخانی، عده‌ای دیگر از خانواده



دوومیدانی ایران دست به قلم برده و آثاری را در حوزه تالیف و ترجمه به رشته تحریر درآورده‌اند. آیا باباخانی قصد دارد با جا پای بزرگانی مانند بیژن شادمهر بگذارد؟ پاسخ او به این سوال قدری تامل برانگیز است؛ «فدراسیون دوومیدانی فقط در انحصار افراد خاصی است. از آن موقعی که چشم باز کردیم، آنها در فدراسیون بوده‌اند و هستند. آنها الگویی نیستند. کافی است از نظر محتوا به مقایسه کتاب من با آثار این افراد بپردازید تا متوجه تفاوت آنها بشوید و ببینید کدام یک علمی‌تر و کاربردی‌ترند.»

وی ادامه می‌دهد: «من به دنبال جواب نادانسته‌هایم هستم. وارد دنیای کتاب شده‌ام که بفهمم در دنیای بی‌انتهای علم، ما در چه نقطه‌ای قرار داریم و تا کجا می‌توانیم سطح اطلاعاتمان را بالا ببریم.» نشر ورزش که کتاب «راهنمای ورزشکاران جوان» را منتشر کرده است، در واقع شاخه جدید، اما مستقل نشر بامداد کتاب محسوب می‌شود. این نشر مانند بامداد کتاب تاکنون بارها اقدام به انتشار کتاب‌هایی کرده است که اثر نخست یک نویسنده یا مترجم بوده‌اند.

باباخانی درباره این که چطور شد نشر ورزش اثر او را چاپ کرد می‌گوید: «اگرچه اعتبار من در جامعه ورزشی در این راه به من کمک کرد، اما از عملکرد این نشر نیز راضی و خرسندم. البته هنوز هم اعتقاد دارم که اگر کمیته ملی المپیک یا سازمان تربیت بدنی این کتاب را چاپ می‌کرد بهتر بود.»

صحبت که به اینجا می‌رسد، بار دیگر درددل‌های باباخانی شروع می‌شود: «نمی‌دانم چرا مدیران ورزشی

به این راحتی افرادی مثل مرا کنار می‌گذارند و حتی یک خبر هم از من نمی‌گیرند. مگر می‌شود ورزشکاران مدال آور و تحصیلکرده را کنار گذاشت و آنها را به کار گرفت که ادای علمی بودن درمی‌آورند و اغلب فاقد دانش این کار هستند؟ آیا همین موضوع یکی از مشکلات ساختاری ورزش ایران نیست؟»

بیش از هر چیز، طرح روی جلد کتاب «راهنمای ورزشکاران جوان» نظر مخاطب را به خودش جلب می‌کند؛ تصویری بزرگ از باباخانی بالباس دوومیدانی مربوط به چند سال پیش در بازی‌های آسیایی!

آیا چنین روی جلدی راباید به حساب حرفه‌ای‌گری ناشر برای فروش بیشتر کتاب گذاشت یا این که باباخانی خودش به دنبال مطرح شدن دوباره، آن هم بعد از پایان دوران حرفه‌ای است؟

قهرمان سابق ایران و آسیا می‌گوید: «معلوم است که روی جلد کتاب اصلی، با این عکس فرق داشت. کریسیفیلد از عکس یک دونده گمنام استفاده کرده بود، اما مسوولان نشر ورزش به من پیشنهاد دادند که این تصویر از دوران قهرمانی من روی جلد کتاب کار شود و من هم قبول کردم. می‌دانید؛ این عکس نمایانگر سختی‌ها و زجرهایی است که من سالیان دراز برای پیمودن راه قهرمانی کشیدم.»

شاید این عکس به تنهایی بتواند با نوجوانان و جوانان ارتباط برقرار کند و به آنها بگوید که هرگز نمی‌توان یک شبه ستاره شد، بلکه باید با تمرین و تحمل سختی‌های فراوان به موفقیت رسید.»

وی که سال ۱۹۹۸ توانست مدال برنز دو ۳۰۰۰ متر با مانع آسیا را به گردن بیاورد، بی‌میل نیست حکایت‌های جالب و خواندنی دوران ورزشی اش را به رشته تحریر درآورد؛ «هرگز آن مسابقه را از یاد نخواهم برد. قبل از مسابقه با حمید سجادی (قهرمان سابق ۳۰۰۰ متر با مانع آسیا و نایب رئیس فعلی سازمان تربیت بدنی) قرار گذاشتیم کاری کنیم که مدال طلا و نقره برای ما دو نفر باشد و دونده صاحب نام ژاپنی به مدالی بهتر از برنز دست نیابد، اما حمید هنگام پرش از روی مانع چاله آب، به سختی سقوط کرد و ۵۰ تا ۶۰ متر از ما عقب افتاد که این مسافت در دوومیدانی خیلی زیاد است. لذا من سعی کردم با تاکتیک حرفه‌ای‌گری، جلو دونده ژاپنی را بگیرم. این کار انرژی زیادی از من گرفت و از آنجا که روز قبل هم در مسابقه ۱۰ هزار متر دویده بودم، خیلی کار برایم سخت شد، اما در نهایت باعث شد که حمید به ما برسد، ولی افسوس که مدال طلا را دونده ژاپنی برد و حمید نقره گرفت و من هم سوم شدم. البته رئیس سازمان تربیت بدنی وقت، از این کار من تقدیر کرد. بالاخره یک روز هم این خاطرات را کتاب خواهم کرد.»

نشر آبرنگ

ناشر برگزیده بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

کنکور کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی

زبان شناسی، آزمون ساتی، اصول و روش تدریس، تالیف: امیر هوشنگ اقبال پور

دوره ۳ جلدی به انضمام

سوال‌ات کنکور سراسری تا ۸۹ / ۳۶۰۰۰۰ ریال

مرکز بخش، تهران - انقلاب - ۱۲ فروردین

مجتمع کتاب فروردین - طبقه همکف

۶۶۴۹۴۰۴۶ - ۷

ناشران و فعالان محترم نشر

با کمترین هزینه، انتشارات خود را در

نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت معرفی نمایید.

شرکت اندیشه ورزان آریا با همکاری آژانس فارسیان

مجموعه‌ای از بهترین خدمات نمایشگاهی و سفر به آلمان را تدارک دیده است.

با ما تماس بگیرید:

۴ - ۸۸۲۰۱۴۹۰ - ۰۹۱۲۱۹۸۳۰۰۵

۰۹۱۲۱۰۵۶۳۵۱

خانه کتاب منتشر کرد

خیابان انقلاب بین فلسطین و صیبا جنوبی شماره ۱۱۷۸



کاوه رحمانی

در حالی که چند روز دیگر، دوازدهمین دوره کتاب فصل برگزار می‌شود، کارشناسان بر این باورند که این جایزه فرهنگی جایگاهش را میان کتابخوانان و اهل قلم باز کرده است. خبرگزاری ایبنا به مناسبت برگزاری قریب‌الوقوع این جایزه، مصاحبه‌هایی را با داوران و منتخبان این جایزه داشته است که این گفت‌وگوها می‌توانند سیاست‌گذاری فرهنگی این جایزه را به ما نشان دهد. در ادامه، برخی از این گفت‌وگوها آورده شده است. این شخصیت‌ها، مطرح شدن آثار منتخب، تقدیر از زحمات اهل قلم و رونق انتشار کتاب (به ویژه کتاب‌های شعر) را از بزرگترین دستاوردهای این جایزه می‌دانند. از سویی، افزودن جوایز و برگزاری مداوم آن، آنچنان که تاکنون بوده، از انتظارات این کارشناسان فرهنگی از جایزه کتاب فصل است.

گفت‌وگو با داوران جایزه کتاب فصل

طرح هر چه بیشتر کتاب

که کتابش را به ناشر خصوصی می‌سپارد، حائز اهمیت است، البته نه برای جایزه و مبلغ آن؛ بلکه به آن دلیل که محلی برای دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن آثار نزد مسوولان وجود دارد.»

این نویسنده در پاسخ به این سوال که آیا ارزیابی برخی آثار در کتاب فصل با شتابزدگی توأم است؟ گفت: «واقعیت این است که فرصت خوانش اثر در هر حال محدود است ولی نظر کلی من این است که نظرگاه‌های داوران تنها بر فرم‌ها قرار نگیرد و داوران بیشتر به محتوای اثر توجه داشته باشند.»

این استاد دانشگاه در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه آیا نظری درباره مبلغ جایزه کتاب فصل در مقایسه با جشنواره‌هایی مانند کتاب سال و جلال دارد؟ گفت: «به نظر من مقدار جایزه این جشنواره شاید از وجوهی به اعتبار آن لطمه بزند و شایسته است که توافقی در مبلغ این جشنواره نسبت به جایزه کتاب فصل ایجاد شود.»

دستاورد کتاب فصل

تمایل بیشتر ناشران به چاپ شعر است



قربان ولیئی، شاعر و برگزیده نهمین دوره جایزه کتاب فصل معتقد است ناشران بیش از پیش به چاپ مجموعه شعر توجه نشان می‌دهند و این امر از دستاوردهای جایزه کتاب فصل است.

وی درباره ارزیابی اش از جایزه کتاب فصل گفت: «در یک نگرش کلی، جایزه‌های فرهنگی به ویژه در حوزه نشر و کتاب سبب می‌شوند چراغ مطالعه، ترویج فرهنگ کتابخوانی و عنایت به فرهنگ مکتوب و نوشتاری فروزان بماند که همین موضوع، خود پدیده‌ای فرخنده است.»

وی به دستاوردهای جایزه کتاب فصل اشاره و تصریح کرد: «توجه به حوزه شعر و دیدن این حوزه در جایزه کتاب فصل سبب شد تا در جایزه کتاب سال به عنوان یک پدیده فرهنگی گسترده‌تر نیز به شعر و کتاب‌های این حوزه عنایت بیشتری شود.» این شاعر ادامه داد: «گسترده شدن حوزه داوران و دیده شدن همه کتاب‌ها که ادعای برگزارکنندگان این جایزه بوده و ادعایی مقرون به صحت است، سبب شد تا شعر معاصر و حوزه نشر این آثار که حوزه‌ای پر مخاطره برای ناشران بود و کمتر به آن پرداخته می‌شد، بار دیگر دیده و مورد توجه قرار بگیرد.» وی افزود: «ناشران بیش از پیش به چاپ مجموعه شعر توجه نشان می‌دهند و این امر از دستاوردهای جایزه کتاب فصل است.»

ولیئی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که آیا زمان داوران جایزه کتاب فصل در مقایسه با جایزه‌ها و جشنواره‌ها زمانی ایده‌آل است توضیح داد: «با توجه به این که کتاب‌های هر فصل به طور مشخص در جایزه کتاب فصل بررسی می‌شوند، تعداد این آثار محدودتر است و داوران با تعداد آثار کمتری برای بررسی رویه رو هستند.» وی در پایان یادآور شد: «زمان داوران هر جایزه متناسب با تعداد آثار شرکت‌کننده در آن جایزه است و از این نظر جایزه کتاب فصل در داوران دچار مشکل کمبود وقت یا کاهش دقت داوران نیست.»

قربان ولیئی، شاعر در نهمین دوره جایزه کتاب فصل به عنوان برگزیده بخش شعر برای مجموعه شعر «باید نوشت نام تو را با پرنده‌ها» انتخاب شد.

در آشنایی مخاطب عام با ادبیات حرفه‌ای نیز موثر است.» وی ادامه داد: «البته نباید از یاد برد که جایزه‌های ادبی در مولفان هیجانی را ایجاد می‌کنند و انگیزه‌ای برای ادامه مسیر می‌شوند که این هیجان در مجامع ادبی نیز به وجود می‌آید و مانع سکون در فعالیت‌های ادبی می‌شود.»

برگزیده یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل درباره داوران آثار شرکت‌کننده در این جایزه و زمان داوران این کتاب‌ها گفت: «شاید زمان داوران جایزه کتاب فصل نسبت به دیگر جایزه‌های ادبی به دلیل چهار بار برگزاری آن در طول سال محدودتر باشد، اما برگزارکنندگان در جریان این امر قرار دارند و قطعاً دقت داوران را کاهش نمی‌یابد.» وی یادآور شد: «آنچه در این زمینه اهمیت دارد توجه به استانداردهای پذیر بودن ادبیات است. هر داور، خود مخاطب اثر به حساب می‌آید، در نتیجه طیف وسیعی از نظرها و آراء در کنار هم جمع می‌شوند تا کتاب‌ها را بررسی کنند.»

کامرانی، تمایز در نتایج داوران هر دوره را نشانه وابسته نبودن سلیقه داوران به طیف ویژه‌ای معرفی کرد و افزود: «من جایزه کتاب فصل را جایزه موقفی می‌دانم چراکه فاصله کوتاهی که میان چاپ اثر تا بررسی آن در جایزه وجود دارد، زمینه برخی توفیقات یا تشویق‌ها را برای کتاب‌ها به همراه می‌آورد.»

وی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر این که آیا جایزه کتاب فصل می‌تواند بستری برای جایزه کتاب سال به حساب آید تصریح کرد: «به طور حتم بررسی آثار منتشر شده طی یک سال در هر فصل، میزان دقت بررسی آثار در جایزه کتاب سال را افزایش می‌دهد و می‌تواند زمینه را برای انتخاب‌های دقیق‌تر و شایسته‌تر فراهم کند.» این شاعر در پایان افزود: «در ارتباط با برگزاری جایزه‌های ادبی نباید فراموش کنیم که معرفی برگزیدگان این برنامه‌های فرهنگی می‌تواند به فروش بیشتر اثر و در نتیجه انتفاع ناشر و مولف نیز موثر باشد.» «خطرات بی‌تأولی» دومین مجموعه شعر کامرانی در یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل به عنوان برگزیده بخش شعر معرفی شد.

جشنواره کتاب فصل

ارزش‌گذاری بر زحمت نویسندگان است



حسین آبادیان، داور چند دوره جایزه کتاب فصل، دیدگاه‌های داوران این جایزه را فارغ از هرگونه جریانی توصیف کرد و آن را جشنواره‌ای متعلق به همه اقدشار نویسندگان و حتی پژوهشگران گمنام دانست و گفت: «نگاه سالم حاکم بر این جشنواره برای برگزیدگان محرز است.»

این برگزیده جشنواره کتاب فصل، نخست درباره عملکرد مسوولان برپایی این جایزه توضیح داد: «در جشنواره‌های کتاب فصل، اغلب کتاب‌ها دیده و بررسی می‌شوند. درست است که این جایزه در قالب بخشی از وظایف خانه کتاب تعریف شده، ولی نکته قابل توجه آن است که به گونه‌ای مطلوب و هدفمند برگزار می‌شود.»

وی افزود: «در هر حال این جایزه برای نویسندگان تشویق به حساب می‌آید و این تشویق برای نویسنده‌ای

داوری کتاب سال با گرفتن کتاب فصل بسیار راحت‌تر پیش می‌رود؛ چرا که قبلاً همه کتاب‌هایی که در طول یک سال به چاپ می‌رسید، باید در فاصله زمانی یکی دو ماه بررسی می‌شد ولی با شکل‌گیری کتاب فصل، گروهی از کتاب‌ها در هر فصل، از چرخه داوران خارج می‌شوند.» این پژوهشگر در این باره اضافه کرد: «در هر حال اگر کتابی در این جایزه به دلایلی مانند بی‌اطلاعی ناشر یا مولف به دبیرخانه ارسال نشود، فرصتی هست که در کتاب سال مطرح شوند. در دوره‌های گذشته چند مورد داشتیم که کتاب‌هایی به جشنواره فصل نرسیده بود، ولی به داوران کتاب سال رفت و به مراحل بالا هم راه یافت.»

وی تصریح کرد: «درست است که زمان داوران کتاب فصل محدود است، ولی تعداد کتاب‌های منتشر شده در فاصله یک فصل نیز با این زمان تناسب دارد.»

مهم‌ترین هدف جایزه

معرفی آثار برتر به مخاطبان است



شراره کامرانی، شاعر و برگزیده یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل معتقد است مهم‌ترین هدفی که جایزه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی دنبال می‌کنند معرفی آثار برتر و رونق ادبی معاصر به مخاطبان است که در نهایت منجر به پیوند مخاطبان با کتاب و کتابخوانی می‌شود.

کامرانی در تشریح ویژگی‌های جایزه کتاب فصل گفت: «در سال‌های اخیر شاهد توسعه جشنواره‌ها و جایزه‌های ادبی در کشور بودیم. البته هنوز با بسیاری از کشورها از نظر کمی و کیفی فاصله داریم اما به طور کلی چنین فعالیت‌هایی و برپایی جایزه‌ها و جشنواره‌های ادبی امری مثبت است.»

وی به هدف پنهانی که این جایزه‌ها و جشنواره‌های ادبی دنبال می‌کنند اشاره و تصریح کرد: «معرفی رونق ادبیات معاصر و جریان‌های مختلف ادبی در سطح کشور مهم‌ترین هدف این برنامه‌های فرهنگی است و اگر به بحث‌های حاشیه‌ای این برنامه‌ها توجه شود، منجر به برقراری ارتباط بیشتر میان مردم با کتاب و کتابخوانی می‌شود.» کامرانی در پاسخ به این پرسش که بحث‌های حاشیه‌ای مرتبط با جایزه‌های ادبی چیست توضیح داد: «نباید جایزه کتاب فصل یا هر جایزه دیگری از این دست با انتخاب برگزیدگان به پایان برسد. در عین حال تجدید چاپ کتاب‌های برگزیده و معرفی مولف و کتاب‌های با سواد بالادرسانه‌ها از اساسی‌ترین حمایت‌هایی است که می‌تواند صورت بگیرد.»

وی با تأکید دوباره بر لزوم معرفی برگزیدگان یک جایزه و جشنواره ادبی در رسانه‌های دیداری و شنیداری اظهار داشت: «چنین رسانه‌هایی از مخاطبان بیشتر و گسترده‌تری برخوردارند. آشنایی با برگزیدگان و آثار برتر آنها سبب می‌شود تا مخاطبان سراغ دیگر آثار این افراد نیز بروند. که این به معنای برقراری ارتباط با مخاطب عام است.»

این شاعر از ارتباط با مخاطب به عنوان بهترین جایزه برای مولفان و صاحبان کتاب‌های برتر یاد کرد و افزود: «آثاری که به عنوان کتاب برتر در یک حوزه معرفی می‌شوند مخاطب خاص خود را دارند و با معرفی این آثار، مخاطب عام نیز پیدا می‌کند. از سوی دیگر این امر

توازن در مبلغ جایزه

اعتبار کتاب فصل را بالاتر می‌برد



حکیمه دبیران گفت: «خبر رسانی برپایی جشنواره بسیار مهم است؛ چرا که ممکن است کتاب منتشر شده درخور توجهی را، ناشر یا مولف به دبیرخانه این جایزه ارسال نکرده باشند؛ ضمن آنکه اهمیت جایزه کتاب فصل با

ایجاد تعادل در مبلغ جایزه، نسبت به جشنواره‌های دیگر افزون‌تر می‌شود.»

دبیران، داور متون قدیم زبان فارسی جشنواره کتاب فصل، در پاسخ به این سوال که آیا زمان محدود ارزیابی آثار در این جشنواره، سبب دیده نشدن برخی آثار درخور توجه نیست، گفت: «نکته‌ای که در این باره ضروری می‌دانم این است که خبررسانی مکرر می‌تواند سبب شود کتاب‌های بیشتری به چرخه داوران راه یابند. این در حالی است که مسوولان نیز باید کتاب‌های منتشر شده در هر فصل را به دقت جست‌وجو کنند.» وی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا مبلغ جایزه کتاب فصل در مقایسه با جوایزی مانند جلال، کتاب سال و پروین، آسبیبی برای این جایزه تلقی می‌شود؟ توضیح داد: «به اعتقاد من طبیعی است که توافقی بین مبلغ جوایز به وجود آید و این جایزه نیز در شأنی متناسب برگزار شود.»

دبیران همچنین سوال دیگری را با این مضمون که چرا برخی اوقات نام برگزیدگان جایزه کتاب فصل در فهرست نامزدهای جایزه کتاب سال دیده نمی‌شود، این گونه پاسخ داد: «مسئله آثار در چند مرحله بررسی می‌شوند و تاجایی که من مطلعم، برگزیدگان جشنواره کتاب فصل در فهرست کتاب سال قرار می‌گیرند. این آثار در چند مرحله ارزیابی می‌شوند و با ریزش‌های اولیه، در مقایسه با کتاب‌هایی که در این گروه نیستند، مورد سنجش قرار می‌گیرند و روال پالایش‌ها به شکلی منطقی انجام می‌شود.»

کتاب‌های دیده نشده در کتاب فصل

به داوران کتاب سال می‌روند



عنایت‌الله فاتحی نژاد، داور بخش ادبیات جایزه کتاب فصل گفت: «با تأسیس جایزه کتاب فصل، داوران هر کتاب سال راحت‌تر پیش می‌روند و در صورتی که برخی کتاب‌ها به هر دلیلی به دبیرخانه کتاب فصل راه نیابند، در

مراحل داوران کتاب سال ارزیابی خواهند شد.»

فاتحی نژاد در پاسخ به این سوال که آیا پایین بودن مبلغ جایزه در جشنواره کتاب فصل، در مقایسه با دیگر جشنواره‌های کتاب، آسبیبی برای آن تلقی نمی‌شود؟ گفت: «به نظر من این جشنواره هم باید به لحاظ ارزش مادی جایگاه شایسته خود را داشته باشد. لاف‌های یک چهارم این جایزه می‌تواند به کتاب فصل اختصاص یابد.»

وی در پاسخ به این سوال که آیا داوران جایزه کتاب فصل با وجود محدود بودن زمان داوران با شتابزدگی و دیده نشدن برخی کتاب‌ها همراه نیست؟ گفت: «اتفاقاً



به مناسبت فرارسیدن دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل

سه سالگی جایزه‌ای که سرش شلوغ است

دوازدهمین دوره جشنواره کتاب فصل در حالی در آستانه سه سالگی این جایزه از راه می رسد که نقد و نظر عده‌ای از داوران و برگزیدگان را همراه دارد.

این جشنواره در طول سال، چهار بار برگزار می شود تا هر بار سراغ یک فصل و کتاب های تازه منتشر شده اش برود.

یکی از انگیزه های شکل گیری کتاب فصل، بنا به تعریف دست اندرکارانش، معرفی و ارزیابی آثار شاخص نویسندگان گمنام و کمتر مورد توجه است. در این گزارش، برگزیدگان این جایزه غیر از ارزیابی جایزه کتاب فصل، راهکارهایی را نیز برای برپایی شایسته تر آن ارائه داده اند؛ راهکارهایی که نشان می دهند این جایزه راه درازی را در پیش رو دارد و همچنان که تا به امروز، نظم اجرایی، پر هیز از اشاعه دیدگاه یا نگاهی خاص در گزینش برگزیدگان و توجه به همه حوزه های کتاب، از خصایص آن به شمار می آمده است، مسایلی نظیر اعمال سلیقه داور، توازن در مبلغ جایزه و به وجود آمدن فضای رقابتی در مراحل پایانی داور، از نکاتی اند که داوران و برگزیدگان این جشنواره به عنوان گزینه های قابل اجرا برای هر چه بهتر برپاشدن آن ذکر کرده اند.

ادبیات ملی، نگاه بومی و مخاطب جهانی

شاید یکی از حاشیه برانگیزترین حوزه های جایزه کتاب فصل، حوزه داستان و ادبیات تالیفی باشد. درد دل ها و گله گذاری های برخی داستان نویسان کشورمان درباره رویکرد جشنواره های دولتی یا غیر دولتی هم در ایام برپایی آن ها شنیده و خوانده می شوند.

در این باره، قباد آذرآیین که کتاب «هجوم آفتاب» او برگزیده هشتمین دوره کتاب فصل شده، رویکرد این جایزه را در توجه به ادبیات اقلیمی، مفید می داند. وی می گوید: «بومی نگرایی مانند پلکانی برای جهانی شدن است و استفاده از شاخصه های بومی، همراه با دیدگاه های جهانشمول انسانی، تعریفی از پست مدرنیسم ارائه می دهد.» البته بومی گرایی و پرداختن به ادبیات اقلیمی موضوعی است که از سوی بعضی دیگر از برگزیدگان جایزه داستان دوره های مختلف کتاب فصل نیز مطرح می شود.

امیر محمد اعتمادی، برگزیده یکی از دوره های جایزه داستان کتاب فصل، نگرش بومی در گزینش های این جشنواره را محرز می داند و از نشانه های بومی مطرح شده در کتابش و نیز اهمیت توجه به معیارهای ملی و اقلیمی در ادبیات معاصر سخن می گوید. از سوی دیگر محمدعلی علومی نیز که جایزه هفتمین دوره کتاب فصل را برای کتاب «وقایع نگاری بن لادن» از آن خود کرد، نگاه مسؤولان به حوزه ادبیات بومی و ملی را سبب خشنودی می داند و می گوید: «این نگاه به حوزه ارجمند ادبیات ملی، خوشایند است؛ چرا که پرداختن به مسایل اساسی در هستی بشر مانند مرگ، زندگی، عدالت، عشق و وطن، از اختصاصات این نوع از ادبیات است که مطرح شدن آن در جشنواره ها، بخشی از این نگرش متعالی را به جریان می اندازد.»

وی قائل شدن تفاوت میان طنز آمیخته به تراژدی با فکاهه و هجو را نیز یکی از دلایل احتمالی برگزیده شدن کتابش در این جشنواره می داند.

ادبیات فرمایشی یا غیرفرمایشی؟

گاهی اوقات سیاستگذاری های یک جشنواره از نگاه بعضی از افراد، بر پاره ای حرف و حدیث ها استوار و از جنبه هایی مخدوش می شود که یکی از

دلایل مهم آن، ناآگاهی از روند اجرایی و انگیزه های واقعی یک جشنواره است و شاید هم علت دیگر، کم دانی یا بی اطلاعی عمومی از روند رخدادی فرهنگی باشد.

امیر محمد اعتمادی، برگزیده دوره دوم داستان جشنواره کتاب فصل، پذیرفتن هر نگرش افراط گراییه ای را محصول ادبیات فرمایشی می داند و می گوید: «شرق زدگی و غرب زدگی نتیجه دیدگاه سرسپردگی در مقابل هر جریانی است و من نمونه ای از این دیدگاه را در این جشنواره؛ دست کم درباره خودم و کتابی که آن را با تاثیر از محل زندگی ام نوشته ام؛ پیدا نکردم و به واقع فکر نمی کردم کتابم در جایزه کتاب فصل دیده شود.»

این در حالی است که با تامل بر برخی گفته های اعتمادی، موضوع دیگری نیز به ذهن متبادر می شود و آن، بروز نوعی دودستگی کاذب در دیدگاه های فرهنگی است و این که اساساً صاحبان چنین دیدگاه هایی آیا غیر از رد کردن حریف مقابل، با هم سخن خود در ارزیابی برخی آثار، مواضع هماهنگ دارند یا خیر؟ نتیجه و پاسخ این سوال هر چه باشد، از نگاه هر دو گروه که بر افراط پافشاری می کنند دست کم برای خودشان واضح است. ولی اعتمادی در این باره ارزیابی روشن تری دارد و توضیح می دهد: «برخی نگاه ها این روزها حتی در عرصه نویسندگی به طرز افراط گراییه ای چندپاره شده اند و به نظر من هر کس بخواهد با پذیرفتن هر گونه نگاه افراطی بنویسد، سرسپرده ادبیات فرمایشی است.»

حسین مهکام، برگزیده دیگر حوزه داستان کتاب فصل برای مجموعه داستان «عبور از بودن» درباره نگاه داور در گزینش آثار این جایزه معتقد است که وجود نویسندگانی از طیف های مختلف فکری در میان برگزیدگان، نشان می دهد که تا به حال به لحاظ طرز فکر و دیدگاه در کتاب فصل ممیزی قبل از انتخاب اعمال نشده است.

ضرورت تحلیل آثار برگزیده حوزه هنر

نگاه برگزیدگان حوزه هنر نیز بخش دیگری از این نظرگاه هارادر باره این جشنواره به خود اختصاص می دهد. این در حالی است که داوود کیانیان که کتاب «دریچه ای به تئاتر کودک در ایران» او، در هفتمین دوره جایزه کتاب فصل برگزیده شد، می گوید: «برای نخستین بار بود که تئاتر کودک و نوجوان توجهی شد و کتابی در این حوزه بررسی و در نهایت از آن تقدیر به عمل آمد.»

شاید بتوان گفت برگزیدگان حوزه هنر کمتر به برخی نگرش های مبتنی بر رویکردهای سازمانی جشنواره کتاب فصل اشاراتی دارند و ظاهراً بر هیاهو و حاشیه، کمتر نقدی ابراز می کنند. اهالی هنر در مجموع، نگاه کتاب فصل به بخش هنر را قابل اهمیت می دانند و اغلب بر کیفیت معیار و تحلیل آثار برگزیدگان تاکید می ورزند.

برگزیدگان کتاب فصل هنر، همچنین به اضافه کردن ویژگی هایی دیگر مانند معرفی کتاب های برگزیده به طریقی علمی و نقد گونه تاکید دارند تا جامعه، ارزش آثاری را که برگزیده شده اند به واقع درک و از دستاوردهای علمی آن استفاده کند.

در این باره، حمیدرضا اردلان برگزیده جایزه به خاطر کتاب «مرشدان پرده خوان ایران» می گوید: «برپاکنندگان کتاب فصل باید کاری درونی و کیفی روی آثار منتخب و برگزیده انجام دهند و کتاب ها را نقد و بررسی کنند، چون محققان به بازخوانی



آثارشان بیشتر احتیاج دارند تا جایزه.»

او همچنین معتقد است جایزه کتاب فصل تمثیلی از پیشرفت نگاه به علم است.

نظرگاه های داوران یا فرم های داور؟!

در همه جشنواره های کتاب، آنچه قبل از هر چیز از زبان داوران شنیده می شود، داوران آنان براساس فرم های داور است؛ موضوعی که شاید برای بسیاری افراد گنگ به نظر برسد و در بیشتر موارد، چشم انداز روشنی را از چگونگی دیدگاه ها ارائه نکند.

آنچه مسلم است، در هر جشنواره دیدگاه و نظر ترکیب داور، نقش موثری در شمایل بیرونی آن دارد و هر قدر که ما از فرم های داور سخن بگویم، باز هم نمی توانیم از اعمال سلیقه داوران در گزینش آثار بر حذر باشیم.

آبادیان، یکی از داوران حوزه تاریخ جشنواره کتاب فصل است. او در این باره می گوید: «به نظر من نباید نظرگاه های داور را تنها بر فرم ها قرار بگیرند و داوران باید بیشتر بر محتوای اثر توجه داشته باشند.» وی همچنین معتقد است که تشویق و برگزیده شدن برای نویسنده ای که کتابش رابه ناشر خصوصی می سپارد، حائز اهمیت است و توضیح می دهد: «جایزه و مبلغ آن مهم نیست بلکه این موضوع که محلی برای دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن آثار در نزد مسؤولان دولتی وجود دارد، حائز اهمیت است.»

مسأله رجحان دیدگاه های داوران بر فرم های داور را احمد شاکری، یکی از داوران دوره های پیشین حوزه داستان کتاب فصل نیز مطرح و توضیحاتش را در این باره بیان می کند: «این فرم ها تنها بیانگر گزینه های تعریف شده و آکادمیک اند؛ در حالی که این جشنواره ها باید بیانگر فکر زنده و قابل دفاع باشند. ملاک های فکر و اندیشه نقش موثری را در ارزیابی ها ایفا خواهند کرد.»

وی با تاکید بر دقت در چینش ترکیب تیم داور، اهمیت آن را تار رسیدن به سطح کیفی برگزاری کتاب سال نیز بالایا می برد و می گوید: «کتاب فصل، پیشقراول جشنواره کتاب سال و جایزه جلال است که می توان برای آن توسعه قائل شد و این توسعه در صورتی که در ترکیب داوران و در اهمیت معیارها رخ دهد در نهایت، ورودی کتاب سال هم بالایا می رود و مجموعه سلاقی باورها و اصول هنری قابل دفاع مطرح می شوند.»

فیروز زنونزی جلالی، دیگر داور بخش داستان جایزه کتاب فصل در دوره های گذشته، در پاسخ به سوال کتاب هفته مبنی بر این که اعمال ناگزیر سلیقه داوران نیز بخش مهمی از هر گزینش است. توضیح داد: «شما براساس اسامی برگزیدگان دوره های گذشته این جشنواره، می توانید دیدگاه های داوران را مورد سنجش قرار دهید. برگزیدگان این جایزه را تا به حال اقشار مختلفی از نویسندگان با نگاه های متفاوت تشکیل داده اند و همین موضوع نشان دهنده رعایت انصاف و عدالت در ترکیب داورهای این جشنواره است.»

یک چهارم جایزه جلال برای کتاب فصل!

مبلغ جایزه کتاب فصل نیز موضوع دیگری است که با برخی از داوران و برگزیدگان مطرح می شود. عنایت الله فاتحی نژاد در پاسخ به این سوال که آیا پایین بودن مبلغ جایزه در جشنواره کتاب فصل، در مقایسه با دیگر جشنواره های کتاب مانند جلال و کتاب سال، آسیمی برای آن تلقی نمی شود؟ می گوید: «به نظر من این جشنواره هم باید به لحاظ ارزش مادی، جایگاه شایسته خود را داشته باشد و دست کم یک چهارم جایزه جلال می تواند به کتاب فصل اختصاص یابد.»

داور بخش ادبیات و ادبیات عرب، در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر این که آیا داوران جایزه کتاب فصل با وجود محدود بودن زمان داور، با شتابزدگی و دیده نشدن برخی کتاب ها همراه نیست؟ می گوید: «اتفاقاً داوران کتاب سال با پاکرقتن کتاب فصل بسیار راحت تر پیش می رود؛ چرا که قبلاً همه کتاب هایی که در طول یک سال به چاپ می رسیدند، باید در فاصله زمانی یکی دو ماهه بررسی می شدند ولی با شکل گیری کتاب فصل، گروهی از کتاب ها در هر فصل از چرخه داور خارج می شوند.»

فاتحی نژاد، همچنین این خبر را نیز می دهد که اگر کتابی در این جایزه به دلایلی مانند بی اطلاعی ناشر یا مولف به دبیرخانه ارسال نشود، فرصتی وجود دارد که در کتاب سال مطرح شود. وی می گوید: «در دوره های قبل چند مورد کتاب که به جشنواره فصل راه نیافتند، به داوران کتاب سال رفتند و در مراحل بالای داور مطرح شدند.»

آبادیان نیز درباره مبلغ جایزه کتاب فصل توضیح می دهد: «به نظر من میزان جایزه این جشنواره شاید از طرفی به اعتبار آن لطمه بزند و شایسته است توازنی در مبلغ این جایزه با دیگر جوایز جشنواره های فرهنگی به وجود آید.»

حکیمه دبیران، داور متون قدیم ادبیات فارسی نیز درباره میزان جایزه کتاب فصل می گوید: «به نظر من ایجاد توازن در مبلغ جایزه، سبب خواهد شد این جشنواره فرهنگی در شأنی متناسب برگزار شود.»

ان آزمون و خطا تا افق وسیع

در حالی که تعدادی از برگزیدگان جایزه کتاب فصل و ناشران پیشنهادهایی مانند اطلاع رسانی دبیرخانه برای ارسال به موقع کتاب از سوی ناشر یا مولف را مطرح می کنند، سوالی مبنی بر این که آیا کوتاه بودن زمان داور در این جایزه، دلیلی بر ایجاد نقص و شتابزدگی در کیفیت داور نیست؟ مطرح می شود که تقریباً اغلب داوران و برخی برگزیدگان، با تاکید بر بی نقص بودن داور کتاب فصل در دوره های گذشته، به لحاظ بعد زمانی به آن پاسخ می دهند. در این باره حتی یوسف عالی عباس آباد، برگزیده، «دقت» را شرط اساسی داور بیان کرد؛ نه عامل زمان.



دریاچه‌ای برای همه نهرها و رودها

حوزه ادبیات معاصر نوشته می‌شوند و گاهی به چاپ می‌رسند، اغلب در نظرگاه تئوریک و دوره‌بندی و جریان‌شناسی تابع سه کتاب مذکورند.»

دریاچه‌ای برای همه رودها و نهرها

فتوحی، تاریخ ادبیات را دریاچه‌ای تلقی می‌کند که همه نهرها و رودهای پژوهش ادبی باید در آن سرازیر شوند. اگر از پایان‌نامه یک دانشجوی ادبیات سطرپی‌ی‌پاراگرافی به کار مورخ ادبی نیاید، آن پایان‌نامه وجهتی ندارد. مقاله‌های پراکنده‌ای که درباره نقد و معرفی یک شاعر یا نویسنده نوشته شده نیز وقتی کنار هم قرار می‌گیرند سبک شخصی، یا عمومی یا جریانی را معرفی می‌کنند که آن جریان در کنار جریان‌های دیگر، بخشی از تاریخ ادبیات را می‌سازد. مثلاً وقتی می‌خواهیم ویژگی‌های جریان‌ها و آثار ادبی دهه ۶۰ را بنویسیم، نخست باید آثار ادبی این دوره به طور دقیق به لحاظ سبک‌شناسی بررسی شوند، میزان ابداع و فردیت مؤلف در آنها تبیین شود، روابط بینامتنی و میزان بده‌بستان‌های متون روشن شود و در نهایت پیشگامان، مقلدان و جریان‌سازان ادبی دهه ۶۰ مشخص شوند، آنگاه ویژگی‌ها و شاخص‌های آن دوره را وارد تاریخ ادبیات کنیم. لازمه تحقق این امر آن است که همه متون آن دوره با دقت مورد پژوهش قرار گیرند. متاسفانه محققان ما، به‌ویژه جوان‌ترها سخت‌دل‌بسته تحقیق‌های مکرر و گاه کلیشه‌ای در باب آثار بر جسته و شاهکارهای مشهور معاصرند. به این دلیل بسیاری از متون و البته متون ناشناخته‌ای که گاه لحظه‌های تغییر در تاریخ ادبیات را رقم زده‌اند و به تعبیری دوران‌ساز بوده‌اند، هنوز ناشناخته مانده‌اند. ما نمی‌دانیم چه شد که یک مرتبه رمان اجتماعی فارسی به وجود آمد یا ناگهان نیما بی‌هیچ مقدمه‌ای، طرح شعر نو را در میان انداخت.»

این پژوهشگر حوزه ادبیات همچنین به نکاتی اشاره می‌کند که اغلب مورخان ادبی معاصر در برخورد با متون از آن مغفول مانده‌اند. نخست آن که بعضی متن‌ها در دوره‌ای به دنیا می‌آیند، سر و صدایی می‌کنند و سپس می‌میرند، اما دوباره در دوره دیگری احیا می‌شوند. مثلاً ممکن است رمان «ملکوت» بهرام صادقی یا «سنگر» و «قمقمه‌های خالی او» به چاپ‌های متعدد برسد و صدها نقد درباره‌اش نوشته شود. آنگاه قضاوت مورخ ادبی به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود. نمونه دیگر، کتاب «نادره» است که هفتادسال‌بعد از نگارشش چاپ شد. در تمام طول این هفتادسال، از نویسنده این اثر، جعفر پیشه‌وری، که هم مجموعه داستان کوتاه دارد و هم رمان، در تاریخ ادبیات نامی برده نشد و چه بسا اگر رمان نادره او در زمان نگارشش چاپ می‌شد، قضاوت‌های مادرپاره تاریخ‌رمان‌چیز دیگری می‌بود؛ بنابراین اگر در نگارش تاریخ ادبیات از دیدگاه‌های سنتی فاصله بگیریم، درمی‌یابیم که آنچه طبق دیدگاه هرمنوتیکی اهمیت دارد، تاریخ حیات متن است. به تازگی در مقاله‌ای اشاره شده که حافظ اصلاً در زمان حیاتش دیوانی نداشته و سی سال بعد از مرگش شعرهای پراکنده‌اش جمع‌آوری شده و حدود صد سال بعد از آن به یک متن شیه مقدس تبدیل شد. بنابراین آنچه در تاریخ حافظ‌شناسی به‌طور مرمی‌رسد، فرآیند حیات متن و زایش معنای آن است. شخص حافظ پس از مرگش نقشی در حفظ متن و تعیین قلمروهای معنایی آن نداشته است، اما غزل‌هایش در گذر زمان و در برخورد با ایدئولوژی‌های مختلف توانسته به حیات خود ادامه دهد و حتی در بسیاری از ادوار در مقام متنی شبه مقدس تبلور یابد. شاهکارهای معاصر نیز همین قابلیت را دارند.»

ادامه در صفحه ۹



است؛ به‌یقین داشته و خیلی هم مؤثر بوده‌اند. می‌دانیم که اغلب نویسندگان برجسته در تاریخ ادبیات ما مانند آل‌احمد، مترجم‌های خوبی هم بودند. اکنون هم بسیاری از نویسندگان ما مترجم ادبی نیز هستند.»

این استاد دانشگاه با تأیید این مطلب که «اکنون نیز تاریخ ادبیات معاصر در بخش زندگی‌نامه‌ای، تحلیل جریان‌های ادبی و نقد شعر و داستان نوشته می‌شود» مورخ راموظف می‌داند که قبل از نگارش اثرش حجم و مخاطب آن را مشخص کند؛ زیرا تاریخ ادبیات معاصر با توجه به هدف و مخاطب آن ویژگی‌های متفاوتی دارد. تاریخ ادبیات آموزشی، تاریخ ادبیات تحلیلی یا تاریخ ادبیات مبتنی بر گفت‌وگوهای مسلط بر جامعه، هر یک چارچوب‌های نظری و عملی ویژه‌ای می‌طلبند؛ بنابراین می‌توان تاریخ ادبیات معاصر را از ده‌ها دیدگاه نوشت، اما متاسفانه هنوز بسیاری بر این باورند که باید کتابی نهایی در تاریخ ادبیات معاصر نوشته شود و همه از آن تبعیت کنند، در حالی که هر کس می‌تواند از یک زاویه، تاریخ ادبیات را بنویسد. هر نسلی و هر گرایشی باید بتواند تاریخ ادبیاتی از منظر خود و بر مبنای باورها و نگرش‌های زیبایی‌شناسی خود بنویسد. اگر قرار باشد یک نسل یا یک ذوق خاص برای همگان بنویسد، دچار خطاهای بزرگ خواهد شد. درک دموکراتیک ما از معنا در متون ادبی در سایه نگارش تواریخ ادبی متعدد متبلور می‌شود و گر نه عاقبت فهم و دریافت ادبیات به جمود و تحجر می‌انجامد.»

فتوحی از دیگر سو، تعداد مورخان ادبی که عین متون را خوانده باشند، بسیار کم می‌داند و ابراز می‌کند: «شاید اکنون تنها دو یا سه اثر در حوزه تاریخ ادبیات معاصر داشته باشیم که مؤلفانشان عین آثار ادبی را خوانده‌اند و جریان‌های ادبی را بر اساس اطلاعاتی که از درون متن‌ها به دست آورده‌اند، ترسیم کرده‌اند. نظیر: «از صبا تا نیما» نوشته یحیی آرین‌پور در حوزه شعر مشروطه، «صد سال داستان نویسی» حسن میرعبادینی و در شعر دهه‌های بیست تا پنجاه «از مشروطه تا سقوط سلطنت» دکتر شفیعی کدکنی. اینها از معدود کتاب‌هایی‌اند که محتویاتشان با خواندن عین متون استخراج و نگاشته شده‌اند. بقیه کتاب‌ها در حوزه تاریخ ادبیات معاصر اغلب از روی اینها یا دست‌کم بر اساس قضاوت و درو‌بندی آنها نوشته شده‌اند یا اگر خیلی خوشبینانه نگاه کنیم، نیمی از اطلاعات تحقیقات بعدی، بازگویی مطالب سه کتاب مذکور است؛ به‌ویژه پایان‌نامه‌هایی که اکنون در

ندارند؛ لذا مورخ ادبی باید هر متنی را یک بار بر اساس مناسباتش با خوانندگان زمان آفرینش اثر بررسی کند و یک بار بر اساس همصدایی با ذوق زمان‌های بعد. از این رو برای رسیدن به این هدف، پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات بسیار ضرورت دارد که متاسفانه در پژوهش‌های معاصر توجه چندانی به آن نمی‌شود. به عنوان مثال، باید دید فلان رمان یا فلان مجموعه شعر را که به چاپ می‌رسد و صدم می‌رسد چه کسانی می‌خوانند؟ نسبت محتوا و فرم اثر با سن، طبقه، جنسیت، تحصیلات و ذوق خوانندگان چیست؟ کدام نهادهای دولتی و اجتماعی از آن حمایت می‌کنند؟ و...»

خطایی به نام نخبه‌گرایی

فتوحی نخبه‌گرایی را خطایی دیگر در نگارش تاریخ ادبیات معاصر می‌داند و معتقد است: «باید تاریخ ادبیات را به‌گونه‌ای نوشت که نسل‌های آینده با خواندن آن در فردهای دور با اتفاقات و جریانات عمده ادبی مثلاً در دهه ۸۰ و همچنین با آنچه مردم در این زمان می‌خوانده‌اند آشنا شوند. همان‌طور که امروز ما با دقت تذکره‌ها را بررسی می‌کنیم تا دریابیم که در فاصله سال‌های ۱۰۰ تا ۲۰۰ در هند چه اتفاقات ادبی‌ای افتاده است؟ چه کسانی از ادبیات حمایت می‌کرده‌اند؟ شاعران چه می‌خوانده‌اند؟ متن‌ها با هم چه روابطی دارند؟ عوامل اجتماعی مؤثر بر آفرینش ادبی چه بوده‌اند؟ اگر می‌خواهیم تصویر روشنی از وضعیت ادبیات بدیهیم و تاریخ ادبیات را تنها به‌منزله معرفی فرماندهان هر عصری تعبیر نکنیم، ناگزیریم ظرایفی را بررسی کنیم، چرا که این فرماندهان هم بالاخره سربازهایی داشتند که نقش‌های بزرگی بازی کرده‌اند.»

وی می‌افزاید: «اگر رمان «امداد خممار» به چاپ می‌رسد یا کتاب «۱۵» به چاپ صد و دهم، مورخ تاریخ ادبیات معاصر باید به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی سبب می‌شود تا مخاطب ادبی این دوره سراغ این آثار برود؟ آیا عواملی مثل تبلیغ تلویزیونی، توزیع کتاب در میان دانش‌آموزان، خرید دولتی برای کتابخانه‌ها، هدیه دادن آن در نهادهای دولتی و ... تأثیری بر فروش این کتاب داشته‌اند.»

نویسنده کتاب «نظریه تاریخ ادبیات» همان‌گونه که در اثر خود به تأثیر عوامل سیاسی در شکل‌گیری ادوار ادبی اشاره کرده است، در سخنان خود نیز بر این نکته تأکید می‌کند که «تغییرات سیاسی در جامعه ما تأثیر مستقیمی بر روند جریان‌های ادبی دارند.»

فتوحی انتخاب روش مناسب برای دوره‌بندی را به عنوان مسأله دیگری که مورخ ادبی با آن مواجه است، برمی‌شمارد و می‌گوید: «تعداد نویسندگان و آثار چاپ شده در دوره معاصر خیلی بیشتر از گذشته است، بنابراین باید ویژگی‌های ادوار ادبی را نیز در تقسیمات کوچک‌تری سنجید. تا آن‌جا که این روزها دوره حاکمیت هشت ساله یا چهار ساله هر دولت را می‌توان یک دوره ادبی دانست و حتی ژانرهای ادبی، تابع سیاست‌های دولت‌اند. جریان‌های ادبی شبکه‌های تودرتویی‌اند که برهم تأثیر می‌گذارند و در هم تنیده می‌شوند. مثلاً در رمان نویسی فارسی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، ژانر پاورقی نویسی یعنی رمان نویسی در مطبوعات، تاریخی جداگانه دارد. در همان دوره، ژانر ترجمه آثار ادبی هم حضور دارد و رمان‌تاریخی هم نوشته می‌شود. برخی داستان‌نویسان، روزنامه‌نگار اجتماعی نویس هم هستند، سفرنامه‌نویسی هم جریان دارد و... اینها همه برهم تأثیر می‌گذارند. آیا فرایند ترجمه ادبی - که در تاریخ ادبیات نگاری معاصر خیلی مغفول مانده - نقشی در تکوین سبک نویسندگان و جریان‌های ادبی نداشته

تاریخ ادبیات، شناسنامه، هویت و نمایانگر میراث فرهنگی یک قوم است؛ بنابراین اهمیت و ضرورت تاریخ ادبیات نگاری به مثابه گامی برای بازشناخت این هویت امری روشن و بدیهی است.

در این میان اما نگارش تاریخ ادبیات معاصر با مشکلات و مسائلی روبه‌روست و شاید به این خاطر باشد که سخن گفتن درباره گذشته‌ها و آثار آنها همواره آسان‌تر از نقد معاصران است! البته دشواری تاریخ ادبیات نگاری معاصر تنها به این مسأله ختم نمی‌شود و «هزار نکته باریک‌تر از مو اینجاست.»

دکتر محمود فتوحی، پژوهشگر، نویسنده و دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، بر این باور است که «نخستین نکته‌ای که در نگارش تاریخ ادبیات معاصر باید به آن توجه شود، تفاوت متن معاصر و کلاسیک است. متن کلاسیک بر اساس ماندگاری و جاودانگی‌اش ارزیابی می‌شود و در واقع از جنبه نقد زمان گذشته و داوری‌ها درباره آن تقریباً تهی شده است. برخی منتقدان بزرگ دنیا معتقدند که زمان، قوی‌ترین منتقد است؛ یعنی اگر متنی بتواند قابلیت گفت‌وگو با نسل‌های مختلف را داشته باشد، معیارهای ادبی آن بالاست. فرض کنید متنی مثل سمک عیار به اعتبار توجهی که در تاریخ به آن شده مورد بررسی مورخ ادبیات سنتی قرار می‌گیرد، اما متن معاصر، هنوز در آغاز راه تاریخ است. چگونه می‌توانیم متن‌های امروزی را جاودانه و ماندگار تلقی کنیم؟ دیدگاه چه کسی درباره رمانی که همین امسال منتشر شده صائب‌تر است؟ گذشته از این، چه تضمینی وجود دارد که منتقدان امروزی در قضاوت خود دچار خطا و اشتباه نشوند؟ شاهد این قضیه داوری‌های جوایز ادبی در ایران است. داوران این جوایز اغلب دارای ذوق خاصی‌اند که تفاوت‌های باذوق مخاطبان متوسط جامعه دارد. آنها امتیازاتی برای داستان‌ها و شعرها قائلند که اغلب خیلی فنی است و تکنیک‌هایی که شیفتگان خاصی دارد. آیارمان‌های برگزیده و برنده در ادوار آینده توجه خوانندگان و منتقدان را به خود جلب خواهد کرد؟»

فتوحی تعدد ذوق را مسأله دیگری می‌داند که مورخ ادبی هنگام قضاوت درباره متن ادبی معاصر با آن مواجه است و می‌گوید: «هر قضاوتی درباره ادبیات معاصر داشته باشیم، متناسب با ذوق روزگار ماست. به عنوان مثال، وقتی یک مورخ ادبی بخواهد درباره آثار دهه ۷۰ معاصر با اوست قضاوت کند، چه چیزی را باید ملاک قرار دهد؟ متن‌هایی که در دهه ۶۰ منتشر شدند، به دلایلی به چاپ چندم رسیدند. در آن زمان صاحب آن متن ادعا می‌کرد اثرش جهانی شده است، اما امروز هیچ‌کس آن متن‌ها را نمی‌خواند و حتی نسل جوان امروز اصلاً آن شاعر یا نویسنده را - که مدعی بود کارش جهانی شده - نمی‌شناسد. حال مورخ ادبی چطور باید درباره این متون تصمیم بگیرد؟»

نویسنده کتاب «نظریه تاریخ ادبیات» تأکید می‌کند: «نویسنده تاریخ ادبیات معاصر، باید جریان‌های ادبی معطوف به زمان خودش را بررسی کند و در واقع، پیش از آن که درباره متن جاودانه قضاوت کند، نیازمند یک نوع جامعه‌شناسی ادبی است.»

این استاد دانشگاه همچنین با انتقاد از این روند که «معیار ما برای نوشتن تاریخ ادبیات همواره این بوده که متن جاودانه را در رده نخست قرار دهیم و آن را شاخص بیندازیم» ادامه می‌دهد: «در برهه‌ای از دوران معاصر، ادواری داریم که در آن ذوق خاصی حاکم است و متن‌هایی به لحاظ همسویی با ایدئولوژی و نظام ارزش‌های مسلط بر آن دوره، مقبولیت فراوان پیدا می‌کنند، اما بلافاصله در دوره بعد که ایدئولوژی و نظام ارزش‌ها تغییر می‌کند، آن متن‌ها دیگر خواننده



بستری مغفول از ظرفیت های غنی فرهنگی

وایسین روزهای سال ۸۸ مصادف با زمان برپایی سومین نمایشگاه کتاب عراق در نجف اشرف بود که تعدادی از ناشران ایرانی نیز توفیق حضور در جوار حرم مطهر حضرت علی (ع) و همچنین شرکت در این نمایشگاه و ارائه آثار و تالیفات ایرانی را که اغلب در حوزه های دینی و به زبان عربی بودند، یافتند.

یکی از این ناشران، محمدتقی انصاریان، مدیرمسئول انتشارات انصاریان است که برای آرایه آثار و دستاورد های ایرانی در سرزمینی که شیعیان در آن فراوانند، به عراق رفته بود.

او در این گزارشی که نوشته و زاویه نگاه یک ناشر و مسؤول ایرانی را بر گزیده، ما را با خاطرات خود همگام می کند تا از جریان این حضور فرهنگی و نحوه ارائه آثار ایرانیان در عراق باخبر شویم.

وی در ابتدای این گزارش نقل می کند که چگونه شرایط مسافرتش از طریق دعوتنامه ای که از سوی مرکز عقاید اسلامی وابسته به موسسه آل البیت (ع) فرستاده شده بود فراهم شد و این که با دفتر نمایشگاه در نجف اشرف تماس گرفت متوجه شد این نمایشگاه را بخش فرهنگی حرم امیرالمومنین امام علی (ع) برگزار می کند.

انصاریان در بخشی از این گزارش سفرنامه گونه، به نحوه هماهنگی با انتشارات انصاریان اشاره دارد و این که از این طریق موفق می شود حدود ۲۰۰ کارتن کتاب را که اغلب عربی بودند، همراه آثاری از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم به نجف اشرف ارسال کند و از آنجا که این نمایشگاه ۲۱ اسفندماه آغاز می شد و تا دوم فروردین ماه ادامه داشت، او همراه عده ای از مسؤولان ۱۷ اسفندماه راهی نجف اشرف شدند.

در بخشی از این گزارش آمده است:

تقریباً اوایل شب رسیدیم و در هتلی مستقر شدیم. محمد حسین انصاریان و سید مرتضی فاضل زاده از سوی انتشارات «لئیل ما» نیز همراه من آمده بودند. ساعتی بعد به حرم مشرف شدیم، دو روز بعد آغاز نمایشگاه بود. کتاب ها را از انبار به نمایشگاه و غرفه ها منتقل و آنها را مرتب کردیم.

ادامه از صفحه ۸

وی معتقد است: «مسأله دیگر که نباید از نظر مورخ ادبی معاصر مغفول بماند، جریان های ادبی خارج از کشور در بیست سال اخیر است. یعنی ما شاعران و نویسندگانی داریم که دوره ای از زندگی شان را در ایران گذرانده اند و در درون گفتنمان ایدئولوژیک خاصی آثاری را خلق کرده اند و سپس بعد از مهاجرت آثاری با ایدئولوژی ای کاملاً متفاوت نوشته اند. مورخ ادبی این هنرمند را در کدام جریان بررسی کند؟ مسأله دیگر آن است که برخی از نویسندگان یا شاعران مدتی طولانی عمر کرده اند و باید در چندین دوره نام و آثارشان بیاید. مثلاً جمال زاده یک قرن زندگی کرده است که هشتادسال از عمرش را به نویسندگی گذرانده و با نسل های مختلف زیسته است. چنین نویسنده ای در بررسی ادوار تاریخ ادبی چگونه باید مطرح شود؟ آیا در دوره هایی فراموش نمی شود؟»

فتوحی در پایان سخنانش همه نکات مذکور را تنها بخشی از مسایل و موانع نگارش تاریخ ادبیات معاصر می داند و می افزاید: «هرچه تنوع سبک ها و صداها بیشتر شود، نوشتن تاریخ ادبیات دشوارتر است، حال اگر ذهنیت من این باشد که قلم بردارم و به تنهایی تاریخ ادبیاتی بنویسم که جامع و مانع باشد و در آن همه جریان ها را جمع بندی و ارزیابی کنم، به یقین به خطا خواهم رفت. البته ممکن است یک مورخ ادبی گزارش های کلی از همه جریانات و آثار ادبی بدهد، اما این گزارش کلی اکنون چندان قابل اعتماد نیست؛

نمایشگاه در ابتدای خیابان طوسی کنار مسجد و مقبره شیخ طوسی قرار داشت، مکانی که به سقف حیدری معروف است و در کنار حرم با آن صفای دلنشینش قرار دارد.

در غرفه، با وجود آن که هزینه کتاب ها بسیار سنگین بود و نیاز مبرم داشتیم اما قیمت ها را بر اساس بهای تمام شده آثار محاسبه کردیم و در اختیار مخاطبان و علاقه مندان قرار دادیم. شور و شعف بازدیدکنندگان نمایشگاه وصف ناشدنی بود. آنها علاقه زیادی به ویژه به کتاب های چاپ ایران داشتند و توجه فراوانی نسبت به آثار، تالیفات و ترجمه هایی که اخیراً در ایران انجام شده بود، نشان می دادند.

روز نخست این همایش فرهنگی که در حقیقت مراسم افتتاحیه به شمار می آمد با حضور آیت الله بحر العلوم و همراهانشان عجبین شد. حاج احمد باجی مسؤولیت این نمایشگاه را بر عهده داشت و بر کار خود مسلط بود. تمامی نمایشگاه و غرفه ها مفروش و کارگران در حال تمیز کردن محیط بودند. علاوه بر مردم، طلاب، دانشجویان، محققان، مدرسان و عده ای هم از کتابخانه های مختلف شهرستان آمده بودند و سوالات متعددی درباره مسائل گوناگونی داشتند و جای غرفه ای از ایران که به زبان عربی پاسخگویی سوالات مراجعان باشد، خالی به نظر می رسید.

کتابفروشی های مختلف از شهرستان های دور از نجف اشرف مانند کوت، نعمانیه، اربیل، عماره، سماوه و حله آمدند و کتاب های فراوانی خریدند. ما هم آثار را با بهای کمی می فروختیم و قسمشان می دادیم که آنها نیز کتاب ها را با بهای اندکی به دست مخاطبان برسانند و جنبه معنوی آن را بیشتر مدنظر داشته باشند.

با وجود تهاجمات گوناگون فرهنگی که تمامی مردم این کشور را تهدید می کرد، موسسات و تشکیلات دولتی و غیردولتی خوبی نیز تشکیل شده و فعالیت هایی نیز به ویژه در حوزه دین انجام می دادند.

در این نمایشگاه نمایندگان از موسسات و ناشران ایرانی حضور داشتند که از آن میان می توان به انتشارات دلیل ما، مجمع تقریب مذاهب، موسسه آل البیت، الغدیر

زیرا هنوز همه جوانب تاریخی و اجتماعی و متنی در ادبیات معاصر کاویده نشده است. یک جریان تک صدایی بر تحقیقات ادبی معاصر حاکم است. در این جریان تک صدایی که بخشی از آن ناشی از رونویسی و تبعیت از تواریخ ادبی مسلط است، بخشی از جریان ها حذف می شوند، نویسندگانی برچسب های خاص می خورند و به حاشیه رانده می شوند. پس برای نگارش تاریخ ادبیات معاصر ابتدا باید متون مختلف از ژانرهای گوناگون نظیر فیلمنامه، نمایشنامه، رمان تاریخی و... مطالعه و بررسی شوند. تاکید من بر دو مسأله اساسی است؛ یکی مطالعه عین متون از همه ژانرها و نه گزارش های کلی از آنها و دوم، بررسی های جامعه شناختی در ادبیات معاصر.»

قله های ادبی از دل سایه روشن ها بیرون می آیند

گذشته از بحث نظری درباره چالش های تاریخ ادبیات نگاری معاصر، گروه ادبیات معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی به ریاست استاد سمیعی گیلانی، شیوه نامه ای برای نگارش تاریخ ادبیات معاصر ایران تدوین کرده است.

حسن میرعبادینی که کتاب «صد سال داستان نویسی» را نوشته، از اعضای این گروه است. وی یکی از راه های معرفی ارزش های ادبیات معاصر را نگارش تاریخ آن می داند و تصریح می کند: «نوشتن تاریخ ادبیات حاصل یک پرسش و احساس نیاز در جامعه است و به نظر می رسد به مرحله تازه ای در



و... اشاره کرد.

انصاریان این گونه گزارشش را ادامه می دهد: در این میان جای فعالیت گسترده دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت (ع) که خدمات فراوانی را در سایر نمایشگاه های بین المللی نظیر نمایشگاه فرانکفورت ارایه می دهند، خالی بود.

در یکی از روزهای این سفر و در خارج از فضای نمایشگاه موفق به دیدار آیت الله سیستانی شدیم. دو روز بعد تعدادی کتاب عربی، انگلیسی و فرانسه برای ایشان و بیتشان فرستادیم چرا که گفته بودند مراجعات زیادی دارند و برای خارجی ها کتاب می خواهند. از میان سخنان این مرجع تقلید فهمیده می شد که از نشر کتاب های سطحی که مطالب و مباحث را بدون مبنایی دقیق می نویسند، نگران بودند و فرموده بودند اینها متأسفانه به زبان عربی هم ترجمه شده اند.

باید از مسیر رسالت و امامت خارج نشویم به عنوان مثال شما که در کار ترجمه کتاب ها به زبان های مختلف هستید، سعی کنید هر مطلبی ترجمه نشود و ترجمه ها نیز صحیح و خوب باشند و دیگر این که کسانی که با

تاریخ ادبیات نگاری زبان فارسی رسیده ایم و آن، درک ضرورت تألیف تاریخ جامع ادبیات معاصر است. هر چند رسم معمول، حتی در دانشکده های ادبیات ما، نادیده گرفتن این بخش از ادبیات فارسی بوده است.» میرعبادینی در ادامه به اقداماتی که باید برای تألیف تاریخ ادبیات معاصر انجام داد اشاره می کند و می گوید: «ابتدا باید منابع اطلاعات خود را تدوین کنیم تا از حد و حدود تحقیقات انجام شده، مطلع شویم. برداشتن این گام محققان را برای طی طریق در مسیر سخت نوشتن تاریخ ادبیات معاصر آماده می کند. از آنجا که برای هر پژوهشی مرور پیشینه تحقیق امری ضروری است، این گروه بر آن شده تا گزارش هایی درباره کتاب ها و مقالاتی که موضوع آنها تاریخ ادبیات معاصر است، تهیه و چاپ کند که دفتر نخست آن را با عنوان «مروری بر تاریخ نگاری ادبیات معاصر» به عنوان ضمیمه شماره ۳۷ «نامه فرهنگستان» در سال ۱۳۸۸ به چاپ رساندیم. البته گزارش های مربوط به مقالات و کتاب های تاریخ ادبیات امروز ایران در چهار دفتر به صورت ضمیمه نامه فرهنگستان به چاپ خواهد رسید. مطالب هر دفتر به ترتیب تاریخی مرتب شده اند تا سیر تحول نگاه به ادبیات امروز در پیش روی خوانندگان قرار گیرد. دفترهای نخست و دوم حاوی نوشته هایی در تاریخ ادبیات معاصر فارسی اند که تا آستانه سال ۱۳۴۰ پدید آمده و به صورت کتاب یا مقاله زیر نظر استاد احمد سمیعی گیلانی منتشر شده اند.»

خارج و خارجی ها در تماسند و مسافرت می روند، در تمام مراحل با رفتار، کردار و گفتار خوب، مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان را به سوی اسلام بکشانند.

انصاریان درباره حضور در سامرا و کاظمین نیز ادامه می دهد: در کاظمین موفق شدیم یکی از مترجمان و مولفان که حدود ۱۰ کتاب خوب را از وی منتشر کرده بودیم، ملاقات کنیم. وی ۳۰ سال در آمریکا زندگی کرده و اکنون برای خدمت به وطنش به عراق بازگشته بود. به زبان عربی و انگلیسی به خوبی سخن می گفت. چند مشورت کاری با یکدیگر داشتیم.

یکی از نتایج خوبی که شاهد آن بودیم فعال شدن کتابخانه ها، ناشران، کتابفروشان، مولفان و... در عراق بود که با برپایی این نمایشگاه چرخه کتاب نیز جانی دوباره یافته بود. از سوی کتابخانه مرحوم کاشف الغطاء اشخاصی از نوادگان و کارمندان به غرفه ما آمدند و تا حدی به تبیین وضعیت و موقعیت کتابخانه شان پرداختند و خواستار کتاب شدند. البته از سوی کتابخانه میثم تمار که به جوانان، کودکان، محصلان مدارس حوزوی و غیرحوزوی اختصاص دارد، مراجعات و درخواست هایی برای کتاب داشتیم و همچنین مراجعاتی از کتابخانه های دیگر و تا آنجا که در توانمان بود، کمک کردیم به ویژه از کتاب هایی که اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قم در اختیارمان قرار داده بود.

ناشران نجف اشرف و سایر شهرستان ها تقاضای همکاری می کردند که برای تعاملات بیشتر، از آنها برای حضور در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران دعوت کردیم.

گسترش دایره تعامل ناشران ایرانی با ناشران خارجی، موضوعی است که انصاریان بر آن تاکید فراوان دارد، همان گونه که مولفان، ناشران و سایر عناصر عرصه تولید و توزیع کتاب در ایران توانمندی های گوناگون و ارزشمندی دارند، باید از اندوخته هایشان استفاده کرد این تجارب و ظرفیت های بالقوه و به ویژه در حوزه همکاری تولید گران و فعالان عرصه کتاب سایر کشورها، به ویژه کشور عراق که از همسایگان ایران است و مشترکات فرهنگی متعددی با آنها داریم، دیده می شود.

میرعبادینی با اشاره به این که در کشورهای پیشرفته دانشگاه ها متصدی نگارش تاریخ ادبیاتشان هستند، از بی توجهی دانشگاه های ما به ادبیات معاصر اظهار تاسف می کند و می افزاید: «ضعف علمی تاریخی ما، نداشتن کرسی های نظریه پردازی ادبی و دربی آن عدم رشد نقد ادبی در ایران، از موانع جدی بر سر راه نگارش تاریخ ادبیات معاصر بوده و هست. وقتی نقد ما به دلایل عدیده ضعیف مانده و تحمل شنیدن انتقاد را نداریم، برون متنی و نبود منابع کافی در حوزه ادبیات معاصر یا در دسترس نبودن آنها را نیز مزید بر این علل کنیم، در خواهیم یافت که چرا تاکنون تاریخ ادبیات معاصر به شیوه ای علمی به صورتی که همه جریان ها و ذوق های ادبی در آن منعکس شود، نوشته نشده است.»

میرعبادینی نیز نخبه گرایی و پرداختن صرف به فرماندهان ادوار ادبی را از آفات نگارش تاریخ ادبیات معاصر می داند و معتقد است: «آنچه فضای ادبی را می سازد، سایه روشن ها هستند و قله های ادبی در واقع از دل آنها بیرون می آیند. اگر تاریخ ادبیات تنها به نخبه ها پردازد، ناقص است.»

مسائلی که صاحب نظران در حوزه نگارش تاریخ ادبیات معاصر مطرح می کنند، نشان دهنده این نکته است که نوشتن اثری در این حوزه فراتر از توانایی های یک شخص و نیازمند عزمی گروهی است تا در سایه آن بتوان با مطالعه متون معاصر در ژانرهای مختلف و کشف جریان های ادبی جامعه، اثری قابل قبول نگاشت.



سجاد صاحبان زند

فلسفه و فرهنگ، دو همسایه دیوار به دیوار همد که به گفته بسیاری، نمی توان آنها را جدای از هم تصور کرد. دکتر کریم مجتهدی، فیلسوف و استاد دانشگاه در آخرین کتابش که مجموعه ای از گفتارها و مقالات اوست، این مبحث را مورد توجه قرار داده است. دکتر کریم مجتهدی سال ۱۳۰۹ در تبریز به دنیا آمد. او تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه سوربن نزد استادانی چون ژال وال، بیرو، گندیاک و ژان پیاژه آغاز کرد و دوره مقدماتی و دوره لیسانس را در مدت چهار سال و نیم به پایان رساند و برای دوره فوق لیسانس رساله ای با عنوان تحلیل استعلایی در فلسفه نظری کانت با راهنمایی ژان وال برگزید و پس از آن رساله دکتری خود را با عنوان ترجمه فرانسه دو رساله از افضل الدین کاشانی به نام مدارک الکمال و جاودان نامه همراه با پژوهشی پیرامون زندگی و اندیشه های او با راهنمایی و مشاورت گندیاک، هانری کربن و ژان وال آغاز کرد و پس از گذشت حدود دو سال و نیم از این رساله دفاع کرد و به درجه دکترا در رشته فلسفه نایل آمد. او که هم اکنون، عضو انجمن حکمت و فلسفه و مدیر گروه غرب شناسی پژوهشگاه علوم انسانی است، در نخستین همایش چهره های ماندگار (سال ۱۳۸۰) به عنوان یکی از چهره های ماندگار در عرصه فلسفه برگزیده شده است. از جمله آثار مجتهدی می توان به «سیدجمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید»، «درباره هگل و فلسفه او»، «پدیدارشناسی روح بر حسب نظر هگل»، «منطق از نظر گاه هگل»، «آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب»، «مدارس و دانشگاه های اسلامی و غربی در قرون وسطی»، «فلسفه و غرب» و «دکارت و فلسفه او» اشاره کرد.*

گفت و گو با دکتر کریم مجتهدی، استاد دانشگاه و نویسنده آثار فلسفی

فلسفه باید ما را به خودباوری برساند

بگویم، به میانه های بحث بیاورم. من نزدیک به ۵۰ سال معلمی کرده ام و از این رو همواره خود را یک معلم می دانم؛ به همین دلیل است که سخنرانی هایم را با توجه به شرایط جلسه، کمی تغییر می دهم تا اینکه به عین یک مطلب را تکرار کنم. هدف من همواره رساندن فحوای کلام به مخاطبانم بوده است. در مورد مصاحبه هانیز در اکثر مواقع، به سوالاتی توجه می کنم که مصاحبه کننده مطرح می کند.

اما موضوعی که همواره مورد توجه من است و به آقای محمد منصور هاشمی نیز گوشزد کردم و ایشان هم این نکته را در مورد من می دانستند، این نکته مورد پسند من نیست که گفتارهای من با لحنی شفاهی و نزدیک به گفتار روزمره منتشر شود. حتی در مصاحبه هایم نیز همواره از فرد مصاحبه کننده می خواهم که لحنی نوشتاری به سخنانم بدهد و لحن خودمانی و روزمره را از آن سلب کند. از سوی دیگر همه تلاش من این است که در گفتارم از کلمات خارجی استفاده نکنم، چرا که فکر می کنم زمان آن رسیده که ما تعصبی در زبانمان نشان دهیم و از زبان فارسی برای بیان اندیشه بهره بگیریم. به گمان من، این نکته کافی نیست که شخص تنها به فلسفه ورزشی مشغول باشد، بی آنکه به زبان فارسی بیندیشد. ما نمی توانیم اصطلاحاتی خارجی را در زبان فلسفی مورد استفاده قرار دهیم که برای دیگران مفهوم نیست. برخی در شرایط فعلی، بسیاری از واژگان رایج را نیز به زبان لغت خارجی استفاده می کنند. به گمان من، به کارگیری این لغات، نشان دهنده نوعی تظاهر به فضل و دانش است و در نهایت هم هیچ سودی برای دانش ندارد و به جز فهم بد، بهره ای برای ما ندارد. من نیز همواره می گویم تا حد مقدور از این الفاظ کمتر استفاده کنم، با این که این لفظ ها گاهی به ذهن من نیز می آید. به هر حال من تحصیل کرده فرانسه هستم و ۱۲ سال در این کشور بوده ام اما همواره می گویم تا جایی که ممکن است از الفاظ فارسی استفاده کنم. من تنها فردی هستم که در دوره لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در رشته فلسفه و در خارج از کشور درس خوانده ام یعنی در واقع رشته دیگری به جز فلسفه نخوانده ام...

شما مباحثی را در کتاب مورد توجه قرار داده اید که هر چند پیش از شما مطرح بوده، اما شما نگاهی متفاوت به آن داشته اید. مثلا در گفتاری به مساله «فلسفه و سینما» پرداخته اید. شما در این بحث از آرای دکارت تا نظریه های سارتر را مطرح کرده اید اما به هر حال، این گفتار بسیار کوتاه است. چقدر ممکن است روی مباحثی از این دست بیشتر کار کنید؟

آنچنان که می دانم در دانشگاه های فرانسه و بسیاری از کشورهای دیگر به دانشجویان پیشنهاد می کنند تا در کنار درس فلسفه، دانشی دیگر را نیز دنبال کنند. این مساله این روزها در دانشگاه های ما نیز وجود دارد. مثلا به دانشجویان پیشنهاد می شود که در ادبیات، تاریخ، سینما و هنر اطلاعاتی را جذب کنند. به همین منظور سخنرانی هایی برگزار می شود که در ظاهر ارتباط زیادی با مسائل درسی ندارند. این سخنرانی ها بعد از کلاس های درسی برگزار می شود



یعنی بر خلاف اندیشمندانی مانند ریچارد رورتی که از اهمیت موضوعاتی چون دموکراسی بر فلسفه نوشته اند، شما فلسفه را دارای اولویت می دانید. درست است؟

این نکته یک اعتقاد شخصی است و من کاری به عقاید و نظرات متفکران دیگر و به ویژه متفکران غربی ندارم. به گمان من فلسفه می تواند به نوعی موضع، نگاه و رفتار باشد. یعنی شما اساس زندگی خود را می توانید بر پایه های فلسفه بگذارید...

بستگی به نگاهی دارد که ما به فلسفه داریم... بله. دقیقا. نگاه ما اگر به فلسفه، بنیادی و عمیق باشد، فلسفه را با تامل و تفکر خواهیم دید و این بنیاد کار است. ما باید تعریف درستی از فلسفه و فرهنگ داشته باشیم و این نکته ای است که من همواره و البته در کتاب اخیرم به آن توجه داشته ام. **گفتید که سخنرانی و مقالات این کتاب را مورد بازنگری قرار داده اید. چنانچه می دانیم شما سخنرانی های خود را نیز مکتوب می کنید. این مقالات و سخنرانی ها برای انتشار در کتاب تا چه اندازه ویرایش شده اند؟**

من این مقالات را بازنگری کرده ام، اما نه به این معنا که آنها را تغییر بدهم. من مقالات را خوانده ام و بیشترین وقتی که برای ویرایش آن گذاشتم، صرف یکدست کردن متون آنها شد و این تغییرات نیز بیشتر به اصلاحاتی کوچکی مربوط می شد که در جمله ها و واژه ها داده ام. به طور کلی، تغییرات و ویرایشم برای انتشار این کتاب چندان گسترده نبوده است.

در مورد سخنرانی هایم آنچنان که شما هم به آن اشاره کردید، من همواره با متنی مکتوب پشت تریبون می روم، اما این نکته به آن معنی نیست که برای انجام سخنرانی، از روی یک متن بخوانم. شیوه سخنرانی من به این گونه است که از متن مکتوب استفاده می کنم، اما با توجه به جوی که در جلسه وجود دارد، ممکن است از مثال ها یا رجاعات متفاوتی بهره بگیرم. گاهی نیز ممکن است نحوه ارائه اطلاعات را جابه جا کنم. مثلا مطلبی را که می خواستم در انتهای سخنرانی

است. اما چه در مورد ترتیب مقالات و چه در مورد عنوان، آقای هاشمی نظر بنده را جویا شد و من نیز مخالفتی نداشتم، چرا که اغلب کتاب های من، لفظ «فلسفه» (مثل «فلسفه در آلمان»، «فلسفه و تجدد»، «فلسفه در غرب و...») را در عنوان هایشان دارند. لفظ «فلسفه» همواره برای من اولویت دارد، چرا که همیشه در تلاش بوده ام تا از موضعی فلسفی به مسائل بپردازم و رشته اصلی من نیز فلسفه است. براین اساس من با لفظ فلسفه مشکلی نداشتم و آوردن عنوان «فرهنگ» در کنار آن، به نوعی معنی ای عام تر به آن داده است. به نظر من، فلسفه ذات فرهنگ است و آوردن این دو در کنار هم دیگر چنان است که گویی نام فلسفه دو بار تکرار شده باشد. من نمی توانم فرهنگی را تصور کنم بدون این که فلسفه ای پشتش باشد...

و شاید بتوان از آن سو، فرهنگ را ذات فلسفه دانست...

شاید نتوان این گونه بحث کرد و موضوع را تعمیم داد که هیچ فرهنگی بدون فلسفه، وجودی ممکن است، حال آن که شاید برعکسش ممکن نباشد.

یعنی فلسفه مقامی بالاتر دارد؟

به عبارتی فلسفه، نوعی اولویت دارد. فلسفه را نمی توان یکی از تجلیات ابتدایی فرهنگ دانست. فلسفه نسبت به فرهنگ همیشه نقشی متاخر داشته است. بشر از روزگاری که خود را شناخته همواره با فلسفه درگیر بوده و به تبادل اندیشه پرداخته است. این تامل در عرصه فرهنگ، علم و دین همواره وجود داشته است. تامل درباره اسطوره تنها با فلسفه ورزشی میسر است. یعنی شما وارد هر مسیری بشوید، فلسفه را در پیش روی خواهید داشت. به این ترتیب فلسفه همواره متاخر است، البته فلسفه به معنای خاص کلمه. وقتی فرهنگ، ذات نهایی و تبلور خود را در فلسفه می بیند، آن وقت است که این دو، یعنی فلسفه و فرهنگ همراه می شوند. در اینجا است که بحث تقدم و تاخر اهمیت چندانی ندارد و در مرتبه دوم قرار می گیرد. البته به همه این مسایل، فلسفه برای من دارای اولویت است.

ابتدا به آخرین کتابی بپردازیم که از شما منتشر شده است. مقالات و سخنرانی های این کتاب تا چه اندازه با مشورت شما انجام شده؟ و سوال دیگر اینکه چرا عنوان «فلسفه و فرهنگ» را انتخاب کردید، با توجه به این که برخی مقالات کتاب، مسائلی عمومی تر را در برمی گیرد؟

هنگامی که این مقالات و سخنرانی ها را در فرصت های گوناگون آماده می کردم هرگز به این نمی اندیشیدم که ممکن است زمانی بخواهم آنها را در قالب کتابی مستقل منتشر کنم. یعنی این مقالات و سخنرانی ها به ضرورت زمان آماده شده اند از همین روست که مسائلی متنوعی در کتاب مورد توجه قرار گرفته، از مقالاتی که در مورد اصفهان در عصر صفوی نوشته شده تا نوشته هایی درباره نهضت مشروطه در ایران، نهضت مشروطیت و فلاسفه غربی و ...

شکل گیری این کتاب به این ترتیب بود که من گمان می کردم برخی از مقالات و سخنرانی هایی که قبلا انجام داده بودم، هنوز قابل طرح است. به گونه ای که بعد از خواندن برخی از آنها گمان می کردم آنها را به تازگی نوشته ام. یعنی حس می کردم می توان آنها را در قالب کتاب منتشر کرد اما کار به دلیل گرفتاری هایی که من داشتم متوقف ماند تا موضوع را با آقای منصور هاشمی در میان گذاشتم که این مقالات به صورت کتاب منتشر شود. من سابقه کاری طولانی با ایشان داشتم که یکی از این همکاری ها به رساله کارشناسی ارشد ایشان برمی گردد که با مقدمه من منتشر شد. او همچنین در تهیه کتاب «درس فلسفه و درد فلسفه» که دانشجویان در مورد من منتشر کردند، بسیار فعال بود. من همواره او را فردی صاحب ذوق دانسته ام و معتقدم شناخت خوبی نسبت به کار دارد. او پذیرفت که این مقالات و سخنرانی ها را به سرانجام برساند.

کاری که آقای منصور هاشمی انجام داد، دقیقا چه بود؟

بعد از مشورت هایی که با هم داشتیم، تعدادی از مقالات و سخنرانی ها برای انتشار آماده شد. سپس من به ویرایش آنها پرداختم، چرا که به هر حال، مقالات برای انتشار در نشریات آماده شده بود و برای انتشار در کتاب باید تغییراتی می یافت. آقای هاشمی مقالات را بازخوانی کرد و سپس ترتیب آنها در کتاب را مشخص کرد. من ابتدا مقالات را بر حسب انتشار زمانی آن قرار داده بودم، اما آقای هاشمی آن را بر حسب ترتیب موضوعات در نظر گرفت. شیوه کار آقای هاشمی به این ترتیب بود که مقالات و سخنرانی هایی که حاوی مطالب کلی تر و بنیادی تری بودند در ابتدای کتاب آمدند و هر چه کتاب جلو تر می رفت، مطالبی با اطلاعات جزئی تر آمد و از کلیت بحث ها کاسته شد و مباحث جنبه اختصاصی تری پیدا کرد تا به بحث های مقایسه ای انتهای کتاب رسیده است. در انتهای کتاب بحث هایی در عرصه تاریخ و زیبایی شناسی با محوریت اصفهان در عصر صفوی مطرح شده است که نگاهی اختصاصی است به یک مقوله تاریخی، حال آن که در ابتدای کتاب، فلسفه دکارت و مسائلی از این دست مورد توجه قرار گرفته است. عنوان کتاب را نیز ایشان انتخاب کرده

ثروت داشته باشیم بلکه مهم این است که از شأن تفکر دفاع کنیم. باید این حق را به ما بدهند که از شأن تفکر دفاع کنیم.

مثلا وقتی حدود ۴۵ سال پیش در دانشگاه مورد کانت حرف می زدم، آن توجیهی را که دانشجویان داشتند، با توجیهی که دانشجویان امروز دارند، قابل مقایسه نبود. این نکات روشن را نباید دست کم گرفت. هر کسی هویتش از دست بدهد نابود است. از طرفی این هویت که باید به آن وابسته باشیم و آن را حفظ کنیم نباید در آن محبوس شد بلکه هر هویتی مستلزم یک شخصیت است. وقتی شخصیت انکار شود هویت هم انکار می شود. هویت حافظه ماست. شخصیت هم اراده ماست. حافظه بدون اراده و تعقل به جایی نمی رسد.

به نظر شما دانشگاه‌های ما در این زمینه عملکرد بهتری داشته‌اند؟

فلسفه روح دانش است و اگر دانشگاهی به این روح وفادار نباشد فقط به علم تظاهر دارد. وقتی چیزی را یاد بگیرید، فقط شغف به شما دست می دهد. به طور کلی هر که در این عالم به چیزی دست باید به شغف می رسد. مثل فریاد معروف ارشمیدس که از نهایت شغف او ناشی می شود. فیلسوف واقعی اخمو نیست بلکه همیشه در شغف است. در فلسفه است که عقل انسان احساس نیاز می کند که این احساس نیاز به عبارت مفهوم معروف هگل پیروزی عقل است. **سه مقاله آخر کتاب، شاهدی بر این حرف شماست. شما در این مقالات، به جای مطرح کردن موضوعات فلسفی، مخاطب را به اندیشه فلسفی دعوت می کنید.**

این موضوع‌ها چگونه را برگزیدید؟

بیان این نکته از سوی شما، برای من بسیار خوشحال کننده است. من در این مقالات خیلی نخواستم ام تفکر فلسفی را وارد بحث کنم، اما به طور ناخودآگاه چنین شده است. من گاهی از این مقالات می نویسم، گاهی اسناد و مدارکی به دستم می رسد که شاید به دست دیگران نرسد. این اسناد سبب می شود مطالبی را بنویسم که البته بن مایه فلسفی دارند. مثلا در حال حاضر در حال نوشتن مطلبی در مورد خلیج فارس هستم. قرار است در پاییز اسامال در مورد خلیج فارس و رانده شدن برتغالی ها، در دانشگاه بندرعباس سخنرانی کنم. مطالب زیادی دارم که می توان در آنجا بیان کنم.

برخی به ساده کردن مفاهیم فلسفی روی می آورند تا بتوانند این موضوعات را به جامعه انتقال دهند. آیا در روند این انتقال آسیبی به مفاهیم وارد می شود؟

به ناچار وقتی بحث های فلسفی از چارچوب کتاب های دانشگاهی و تخصصی بیرون می آیند و در روزنامه ها منتشر می شوند، از صلاحبتشان کاسته می شود. اینجا مساله آموزش دادن مطرح می شود و شخصی که چنین کاری می کند باید استعداد آموزگار بودن را داشته باشد. شخصی که این گزارش را می دهد تمام مسوولیت گزارشش هم به گردن خودش می افتد. من دانستن صرف راناکافی می دانم؛ همواره می بایست شرایط یادگیری را فراهم کرد. اگر بتوان راهی را یافت که در آن مطالعه همراه با یادگیری رواج یابد، چنین کاری می تواند ایجاد عطش کند. این ایجاد عطش بسیار مهم است و آبرسانی تنها موثر نیست. تفکر ذاتا موثر به نظر می رسد و با اینکه هیچ گاه به عینه تحقق نمی پذیرد ولی همین به لزوم مستمر آن بیش از پیش تاکید دارد زیرا تفکر همیشه نشان از آینده دارد.

در حال حاضر چه کتابی را برای انتشار آماده می کنید؟

کتابی با عنوان «افکار هگل» آماده انتشار کرده ام که مفصل و پر حجم است و رویکردی مشابه کتاب «افکار کانت» دارد که چندی پیش منتشر کردم. این کتاب مراحل ویراستاری را طی می کند و امیدوارم تا پاییز منتشر شود. همچنین در حال نوشتن مقاله هایی در مورد لایب نیتس هستم. فعلا در صدد نیستم که این مقالات را به کتاب بدل کنم اما اگر مقالات به جایی برسند، شاید آنها را در قالب کتاب نیز منتشر کنم.

* مقدمه گفتگو برگرفته از کتاب نام آوران است که توسط موسسه خانه کتاب منتشر شده است.

«هگلی» و نه «کانتی» می دانم. یکی از دانشجویان قدیمی من که بسیار با استعداد بود و حالا خود در کسوت استادی قرار دارد، روزی به دیدن من آمد و جمله ای به من گفت که برابم بسیار تامل برانگیز بود. او به من گفت که «شما اخلاقا کانتی و به لحاظ فلسفی، هگلی هستی.» این جمله برای خود من خیلی عجیب بود؛ اخلاق کانتی و تفکر هگلی یعنی چه؟

اما شاید بتوان نکته ای را در این گفته دوستان دید. بنده پیرو تام هیچ یک از فلاسفه غربی نیستم، اما تصور می کنم فلسفه و به ویژه فیلسوف های بزرگ قابل تاملند و می توانند در اعتلای یک قوم سهم بزرگی داشته باشند. البته این حرف به آن معنا نیست که همه حرف های آنها را باید بپذیریم. حتی نمی خواهم خودمان را مدیون این فلاسفه بزرگ بدانیم، اما تامل روی اندیشه های آنان نوعی تمرین فکری است. این تمرین می تواند ما را به سوی فکر کردن و نگاه فلسفی داشتن سوق دهد. از طرفی تامل روی اندیشه های بزرگ و فیلسوفان مطرح می تواند ما را از سطحی اندیشی دور کند.

فلسفه برای من، مبارزه با سطحی اندیشی است. فلسفه برای من، دعوت به تامل بیشتر است. واقعیت این است. اگر نگاهی این گونه به فلسفه داشته باشید، می بینید که زمانی می توانید این کار را با دکارت بهتر انجام دهید. یعنی درمی یابید که دکارت شما را بهتر و بیشتر به فلسفه ورزی دعوت می کند. زمانی درمی یابید که افلاطون دیدی بهتر به شما می دهد...

یعنی کار شما روی فلاسفه مختلف، به نوعی دعوت کردن به اندیشیدن است...

صد در صد. فلسفه به رونق اندیشه کمک می کند. شما نیازی نیست خود را به یک جریان فکری یا فلسفی خاص وابسته کنید. به همین دلیل است که شما با افلاطون و آنچه در یونان باستان رخ داده هم می توانید این کار را انجام دهید، گرچه سقراط هم می تواند چنین بینشی را در شما ایجاد کند. او مدام در تلاش بود تا اندیشه های سوفسطاییان را به چالش بکشد. از این رو گمان نمی کنم که هدف کاربردی فلسفه از زمان سقراط تا به امروز چندان تفاوتی کرده باشد. یعنی برای فهم و درک فلسفی درست کافی است خیلی خوب روی افلاطون کار کنید. فلسفه افلاطون چیز ساده ای نیست و جنبه های کار فراوانی دارد. این فلسفه همواره می تواند مورد توجه قرار گیرد، چرا که موضوعات را خیلی عمیق بررسی کرده است. فلسفه افلاطون در عین آن که آموزش می دهد و نگاهی آموزشی دارد، از تلقین خودداری می کند. این فلسفه، شما را در پذیرفتن یاد کردن مختار می گذارد. به این ترتیب می توانیم که فلسفه افلاطون، عشق به دانایی را بیشتر از دانستن مواردی معین معرفی می کند. عشق به دانایی می تواند غایت و هدف اندیشیدن فلسفی باشد و همه تلاشم در این سال ها این بوده که جوانان ما بتوانند با بهره گیری از تفکر فلسفی، به خودباوری برسند و بر اساس تفکر و باور خودشان، برپایه دردها و مشکلات خودشان و در نهایت بر اساس درد فلسفی خودشان رفتار کنند. گمان من این است که این روند باید در درازمدت انجام شود و خوشبختانه حرکت هایی هم برای رسیدن به این نقاط آغاز کرده ایم. یعنی با اینکه جا افتادن تفکر فلسفی نیاز به زمان دارد، اما ما حرکت های خوبی را در این عرصه شروع کرده ایم. فلسفه که روح و عمق فرهنگ، علم، تمدن، ادبیات و حتی دین ماست حدود ۲۰۰ سال و کمی بیشتر و کمتر مهجور مانده است. مهم نیست که ما مقام و

ملاصدرا مظهر هویت فرهنگی ماست زیرا فلسفه، عرفان، کلام و همه سنت های شیعی در اوست. به واقع تاریخ و هویت ما در اوست و او به هویت ما وحدت می دهد

بود که درباره داستایفسکی ساخته شده بود و از اینها مهم تر برای دانشجویان رشته فلسفه، در درس های مربوط به فلسفه اخلاق تقریبا ۸۰ درصد از مثال ها از کتاب های داستایفسکی زده می شد. مثلا آیا هدف وسیله را توجیه می کند؟ اگر من هدف بزرگی داشته باشم آیا با جنایت یا خیانت هدف من توجیه می شود؟ در چنین بحثی که از یک طرف، ماکباول قرار داشت و از طرف دیگر شاید داستایفسکی را قرار می دادند مثال راسکولینکف زده می شد از رمان «جنایت و مکافات» راسکولینکف روحا فرد پاکی است. یعنی واقعا مظهري است از یک نوجوان خوش نیت. برای اینکه بعضی از مظالم را در جامعه نمی پذیرد و خودش به تنهایی می خواهد اقدام کند و در جریان کار با تمام اهداف درستی که دارد نه فقط به یک جنایت بلکه به دو جنایت دست می زند؛ یکی کشتن زن رباخوار و دومی یک دختر معصوم؛ دختری که محروم از عقل و ساده لوح و احمق است. با این حال راسکولینکف او را می کشد و تمام کتاب، مکافات این جنایاتی است که او مرتکب شده است. این مکافات در ازای هدف بسیار پاکی است که او داشته است اما عملی که او انجام داده توجیه نمی شود. او از پولی که به دست آورده استفاده نمی کند و فقط سرگردانی نصیبش می شود.



من اینها را گفتم تا شما بدانید چرا دانشجویی که رشته فلسفه می خواند و به رشته اش علاقه خیلی زیادی داشت و حالا هم که سن من بالا رفته و علاقه ام دو چندان شده است، به داستایفسکی پرداخته است. یکی دیگر از دلایل پر داختن من به داستایفسکی این است که من به فلسفه، به عنوان مجموعه ای از اصطلاحات صوری و انتزاعی نگاه نمی کنم. شاید فیلسوف واقعی از هر کس دیگر بیشتر کوشش می کند که حقایق انضمامی و ملموس واقعی زندگی را دریابد. اما حتما روش فیلسوف با روش رمان نویس فرق می کند، ولی دلیل نمی شود که یک متفکر درباره رمان نویسی مثل داستایفسکی فکر نکند. داستایفسکی بزرگترین رمان نویس عالم است. اگر در روسیه، تولستوی را بزرگ می دانند، اگر تورگنیف را بزرگ می دانند یا نویسندگان دیگری را بزرگ می دانند، به حق داستایفسکی از همه شان بزرگتر است. برای این که او در واقع به یک معنا رمان نویس نیست. آنچه که در آثار داستایفسکی رخ می دهد هجوم خود این قهرمان هاست. قهرمان های آثار داستایفسکی واقعا زنده هستند. اصلا شما احساس می کنید رمان نویس دارد رنج می برد و اسیر یک مشت اجنه شده است که او را محصور کرده اند و نمی تواند آنها را ببیند.

شما در راه شناساندن فلاسفه غربی سهم بزرگی به گردن فلسفه در ایران دارید. در میان این فلاسفه، کاری که شما روی هگل کرده اید، سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است. در این کتاب اما شما روی امانوئل کانت و فلسفه اسلامی بیشتر کار کرده اید. چرا هگل در این کتاب غایب است؟

از شما بابت این سوال بسیار سپاسگزارم، چرا که سوال خیلی خوبی را مطرح کردید. من خود را نه

و بابت آن پول اندکی از دانشجو گرفته می شود البته در دوران ما به طور رایگان بود. دانشجویان هم در این سخنرانی ها شرکت می کنند. چنین مراسم ها و برنامه های جنبی سبب می شد تا دانشجو در زمینه های دیگر به غیر از رشته خودش (مثلا در مورد ما؛ فلسفه) اطلاعات کسب کند. این فعالیت دائمی در دانشگاه های خارجی جدی گرفته می شود. کتابخانه ها تا ساعت ۱۰ شب باز هستند تا علاقه مندان از آنها استفاده کنند. در این فضا دانشجو نمی تواند خود را در حاشیه قرار دهد. شما به واسطه شناختی که در این مسائل جانبی پیدا می کنید، شناخت خوبی نسبت به امور پیدا می کند که قطعا در رشته اصلی شما هم تاثیر گذار است...

حالا این محبت (فلسفه و سینما) تا چه اندازه می تواند مورد توجه بیشتر از سوی مخاطبان قرار بگیرد؟

من برای انجام این سخنرانی به موزه هنرهای معاصر دعوت شدم. پس از نمایش یک فیلم، از من خواستند تا سخنانی درباره آن بگویم. من پیش از آن که به این مراسم بروم، خیلی در این مورد فکر نکرده بودم اما اگر مشاهده کرده باشید، محبتی را خیلی دوستانه و البته خلاصه عنوان کردم. من در آنجا کمی به دوران دانشجویی ام برگشتم که اطلاعاتی درباره سینما کسب کرده بودم و فیلسوفانی را به یاد آوردم که نمایشنامه نوشته بودند، مثل ژان پل سارتر. سارتر دو نمایشنامه و حتی فیلمنامه نوشته است...

مثل «چرخ دنده»...

بله. او فیلمنامه ای هم در مورد فریود نوشته بود. همچنین گفت وگوهای برخی از فیلمنامه های دیگر را هم تنظیم کرده بود. من این مسائل را شاهد بودم. از همین رو در آن سخنرانی از سارتر و نقش فلسفی او در سینما یاد کردم. چهره هایی مانند سارتر با سینما و فنون سینمایی کاری نداشتند، اما از راه نوشتن فیلمنامه، افکار فلسفی خود را در سینما بیان می کردند. در آنجا فرصت نشد تا از فیلسوف های دیگر هم اسم ببرم. خیلی های دیگر بوده اند که سینما را رسانه مناسبی برای افکار فلسفی خود می دانستند...

ژان پل سارتر توجه خود به سینما را در کتاب (کلمات) هم نشان داده است. اما این نکته را نگفتید که «فلسفه و سینما» تا چه اندازه می تواند محور تحقیق های شما یا دانشجویان شما باشد...

من در اینجا می خواهم بگویم که از سینما استفاده نشده، بلکه خوراکی برای سینما فراهم شده است. اما از سوی دیگر به ماهیت سینما برگردیم. ماهیت سینما «نور» است. می توان در مورد این «نور» و «سایه ها» بسیار کار کرد. این بازی نور و سایه می تواند تمهیدی برای بیان از مسائل اشرافی باشد. شاید زمانی بیاید که بتوانیم بعضی از بحث های اشرافی را به وسیله همین بیان «نور» و «سایه» مفهوم تر کنیم. مثلا شما اندیشمندی بزرگ همچون سهروردی را در نظر بگیرید...

یا ملاصدرا که شما چند مقاله در موردش در همین کتاب دارید...

بر اساس همین «سایه» و «روشن ها» می توان به بیان تفکر پرداخت. یعنی ما می توانیم فراتر از یک فیلمنامه که بیان فلسفی دارد به سینما نگاه کنیم. چنانچه گفتم گاه حتی می توان از صنعت سینما برای بیان فلسفی استفاده کرد.

در آن سخنرانی کوتاه من به این مسائل و همچنین فیلم های سوررئالیست اشاره کردم، که نوعی خیال پردازی و بازی با نور را روی پرده می انداخت. آنها نمی خواستند مسائل معنوی را به بازپچه بدل کنند، بلکه نوعی فلسفیدن را روی صحنه تمرین می کردند. کسی که می خواهد از راه سینما فلسفیدن را تجربه کند، باید به طور دقیق این مسائل را بفهمد. یعنی نمی شود تنها با خواندن بیٹی از مولوی در یک فیلم، آن را دارای نگاهی عرفانی دانست. فلسفیدن در سینما راه و روش خود را دارد.

پس علاقه شما به ادبیات هم ریشه در همان کلاس های جنبی دوره دانشجویی تان دارد؟

من در همان دوره که در فرانسه محصل بودم، همه دانشجویان داستایفسکی می خواندند. اگر در کلاس کانت تدریس می شد، خارج از کلاس بین جوانان بحث از داستایفسکی بود و همچنین چند فیلم فرانسوی

گمنامی شهدای ترور در جهان کتاب



نام و مشخصات هر شهیدی که شنیده یا خوانده می شود، ناخودآگاه نخستین کنجکاوی این است که او در کجا و بر اثر چه اتفاقی به شهادت رسیده است؟ با این سوال و براساس محل و نحوه شهادت، گروهی مشخص می شوند که بیشتر در محیط های شهری و با گلوله ها و انفجارهای ناشی از کینه دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسیده اند؛ این گروه در سال های اخیر قربانیان ترور نام گرفته اند.

مروارید تقویم تاریخ انقلاب اسلامی و وقایع آن نشان می دهد که روزهایی به یاد این شهیدان ثبت شده، اما حاصل این یادنگاری، چنان که درباره شهیدان دفاع مقدس دیده می شود، فراگیر نشده است و همین نکته باعث جست و جوی فعالیت ها در این زمینه شد.

روح الله لطیفی، مدیر پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور می گوید: «این مجموعه در سال ۱۳۷۶ و با نام پایگاه اطلاع رسانی شهدای ترور و باهدف نشان دادن مظلومیت ایران در حوادث تروریستی و دو شعار «اسلام، دین صلح» و «جهان بدون ترور» فعالیت خود را آغاز کرد.»

صفحه اینترنتی این پایگاه تا سال ۱۳۸۵ تنها به ارائه اطلاعات محدودی درباره حوادثی مانند هفتم تیر ۱۳۶۰ و شهادت گروهی از مسولان نظام جمهوری اسلامی ایران به دو زبان فارسی و انگلیسی می پرداخت. مدیر پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور ادامه می دهد: «در همان سال، از ما درخواست شد که وقایع تروریستی سراسر جهان را به ویژه پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ پوشش دهیم، چون مبارزه با تروریسم در آن دوران، گفتمان غالب در روابط بین الملل بود. این رویکرد، با همکاری خانواده شهیدان آیت الله دکتر محمد منتح، سپهد علی صیاد شیرازی، حاج مهدی عراقی، صادق گنجی و دیگر شهدای ترور ادامه پیدا کرد و در کنار آنان، گروهی متشکل از متخصصان دانشگاهی در حوزه های سیاسی، حقوقی، علمی و اطلاع رسانی، آغاز به کار کردند و بنیاد شهید و امور ایثارگران هم حامی پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور شد.»

در حال حاضر، حدود ۳۰ خبر به صورت روزانه، از حوادث تروریستی جهان در پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور منعکس و به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی و اردو منتشر می شوند. در بخش مقالات این سایت تخصصی نیز نزدیک به ۶۰۰ عنوان اثر مرتبط با ترور و دیدگاه اسلام نسبت به این حرکت غیرانسانی درج شده که بخشی از آنها به قلم اندیشمندان خارجی، نوشته شده اند. همچنین چکیده جدیدترین پایان نامه های با موضوع ترور و تروریسم در بخش دیگری از پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور منعکس شده که تاکنون به صد عنوان رسیده اند.»

روح الله لطیفی با این توضیح و در ادامه، به معرفی بخش کتاب پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور می پردازد و می گوید: «معرفی حدود ۳۶۰ عنوان از تازه ترین کتاب های منتشر شده در حوزه تروریسم، در این سایت جای داده شده اند. در برخی از کشورها براساس منافع و نیازهای داخلی، به نگارش کتاب درباره تروریسم پرداخته اند که در این میان، کشور آمریکا، بیشترین آثار را از آن خود کرده و این اقدام، با هدف توجیه سیاست های خارجی و تسلط بر مناطق مورد نظر این کشور صورت می گیرد.»

مدیر پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور، تاکید می کند: «این پایگاه تنها کتاب های همسو با دو شعار «اسلام، دین صلح» و «جهان بدون ترور» را در سایت

خود معرفی می کند و استثنائاً کتاب های آمریکایی که به نوعی، به همکاری در ترورها اعتراف کرده اند نیز معرفی خواهند شد.»

وی با اشاره به گران قیمت بودن کتاب های خارجی و دشواری دسترسی به این آثار، می گوید: «برای کسب اطلاعات مربوط به این گونه آثار، از ظرفیت و امکان موجود برای دانشجویان ایرانی خارج از کشور بهره می بریم.»

تعداد شهدا و قربانیان ترور در ایران را روح الله لطیفی این گونه گزارش می کند: «۱۶ هزار نفر از سی ام خرداد سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۸۰ در ایران، به دست گروهک های تروریستی به شهادت رسیده اند که از این میان، ۱۲ هزار نفر توسط منافقین شهید شده اند و براین اساس، ایران تا سال ۲۰۰۳ در رتبه اول، از نظر تعداد قربانیان ترور قرار داشت که پس از حمله آمریکا به افغانستان، این کشور جای ایران را گرفت.»

موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی در گزارشی با عنوان «زمینه ها و بسترهای شورش «مسلحانه منافقین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰» یادآور شده که پس از تصویب بررسی طرح عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور وقت در مجلس شورای اسلامی، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که می پنداشت بهانه و فرصت مناسبی برای اعلام شورش علیه امام (ره) و نظام جمهوری اسلامی به دست آورده است، به سرعت به تدارک و آماده سازی یک حرکت مسلحانه وسیع و گسترده پرداخت. ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ روزی بود که طرح عدم کفایت رئیس جمهور در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی به بحث و رأی گیری گذاشته شد. عصر آن روز درگیری های وسیع و گسترده ای توسط دسته های مسلح سازماندهی شده هواداران منافقین در سطح شهر تهران رخ داد و در برخی شهرستان ها نیز اقدامات مشابهی از سوی عوامل سازمان انجام و از آن تاریخ رسماً وارد جنگ مسلحانه و قتل و کشتار مردم وفادار و علاقه مند به نظام جمهوری اسلامی شدند. پس از این روز، موج ترورهای گسترده در نقاط مختلف

پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور کتاب های همسو با دو شعار «اسلام، دین صلح» و «جهان بدون ترور» را در سایت خود معرفی می کند

کشور، افشار گوناگون مردم اعم از پیر و جوان و کسبه جزء، کارمند، کارگر، جهادگر، سپاهی، نمازگزاران مساجد، نیروهای بسیجی و نوجوانان و جوانان اعضای انجمن های اسلامی دانش آموزی و دانشجویی و نظایر آنها را آماج حمله های خود قرار داد.»

۱۳ سال بعد در ساعت ۱۴ و ۲۶ دقیقه سی ام خرداد سال ۱۳۷۳ همزمان با روز عاشورای حسینی و در حالی که رواق ها و صحن های اطراف حرم امام هشتم (ع) از جمعیت موج می زد مردم غرق عزاداری و نوحه سرایی بودند، بمبی در قسمت بالای سر ضریح مبارک حرم رضوی منفجر و ۲۷ نفر شهید و بیش از ۳۰۰ تن زخمی شدند که این حادثه هم به دست تروریست های سازمان مجاهدین خلق (منافقین) روی داد.

مدیر پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور خاطر نشان می کند: «حتی کوچک ترین قربانی ترور، به اندازه شهیدان برجسته ای چون آیت الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی و محمدعلی رجایی، برای پایگاه اطلاع رسانی قربانیان ترور اهمیت دارند و مشخصات آنها در این سایت، قابل دسترسی اند.» اما به عقیده روح الله لطیفی، اطلاع رسانی در فضای مجازی، کارکرد خاص خود را دارد و جایگاه اثر مکتوب و کتاب نسبت به آن، محکم تر است زیرا پایگاه های اطلاع رسانی برای کسب حداقل اطلاعات در سریع ترین زمان، کاربرد دارند.»

غلامعلی رجایی که درباره زندگی و شخصیت شهدای ترور و از جمله آیت الله بهشتی و محمدعلی رجایی کتاب دارد، معتقد است: «در نخستین سال های پس از پیروزی انقلاب، گروهک های ضد انقلاب، پی درپی دست به ترور شخصیت های محوری و عامه مردم می زدند. گروه اول جزو نخبگان جامعه و شخصیت های شناخته شده و اکثر از قشر روحانی بودند و خطری برای تفکرات ضد انقلاب محسوب می شدند به همین سبب، آماج ترور قرار می گرفتند و گروه دوم، رزمندگان، فرماندهان، پاسداران و خانواده هایی بودند که در سرنوشت دفاع از میهن در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نقش داشتند.»

این نویسنده در سبک نگارش آثار خود درباره شهدای ترور، «سیره نویسی» را برگزیده و می گوید: «در این شیوه، شرح حال شهدا در قالب روایت دیگران مطرح و دربرگیرنده پیام و درس و با تاریخ شفاهی متفاوت است زیرا تنها حالات فردی، ویژگی ها و فضایل اخلاقی شهدا ذکر می شوند.»

وی حجم برنامه های معرفی شهدای ترور در خارج از کشور را که وظیفه متولیان ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و نهادهایی مانند ریزی های فرهنگی

خارج از کشور در سالگرد وقوع ترورهاست، کافی نمی داند و البته به ترجمه بخشی از کتاب خود با عنوان «آیت کمال» درباره شهید رجایی، به عنوان یکی از شهدای ترور اشاره می کند. این کتاب به همت نشر شاهد به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است. غلامعلی رجایی امیدوار است ترجمه این آثار تداوم پیدا کند چراکه توجه به ترجمه آثار این موضوع در سایه دغدغه انتقال سرگذشت انقلاب اسلامی ایران و شهیدان آن، به زبان های دیگر پررنگ شده است. غلامحسین متو، مسوول طرح تحقیقاتی شهدای جهان اسلام و مترجم و محقق کشمیری که تاکنون ۱۲ عنوان کتاب با محوریت سرگذشت شهیدان و بعضی از شهدای ترور مانند آیت الله مرتضی مطهری، محمدعلی رجایی و آیت الله محمد حسینی بهشتی از محصولات نشر شاهد را به زبان اردو، ترجمه و در کشورهای هند، پاکستان و کشمیر منتشر کرده، می گوید: «۱۰ عنوان اثر دیگر درباره شهیدان در دست ترجمه و چاپ اند و قصد داریم توزیع آنها را در کشورهای اروپایی نیز آغاز کنیم چون اغلب این کتاب ها درباره شهدای ترورند.»

محمد میر کاظمی، رئیس اداره تالیف و انتشار نشر شاهد، این رویکرد را محصول شناخت بین المللی از برخی شهدای ترور در ایران و گرایش های مذهبی و فرهنگی تعدادی از کشورها به این سرزمین می داند و معتقد است: «ارزش معنوی و مقام تمام شهدای ترور یکسان است اما شهدای شاخص این وقایع، از نظر سابقه مبارزاتی بیشتر دیده شده اند و اطلاعات متعدد از زندگی شان، باعث شناخت بیشتری از آنان شده است.»

وی تعریف مفاهیم اجتماعی، دینی، فقهی، حقوقی و بین المللی این موضوع را ضروری دانسته و تاکید می کند: «اگر تولید کتاب درباره قربانیان ترور، به سطح مناسبی برسد، اما مفاهیم کلیدی ایثار و شهادت، تفهیم و القا نشوند، شاهد تاثیر گذاری خاصی نخواهیم بود. واژه هایی چون «شهید» و «جانناز» عینا در آثار ترجمه شده منعکس می شوند و این نظر و توصیه نیز مطرح است که باید این مفاهیم متناسب با ذهنیت مخاطبان خارجی و حاشیه هایی که معمولاً برای آنها ایجاد شده، تعریف شوند تا مفهوم اصلی را درک کنند.»

نمایی از وضعیت امروز، نشانگر توجه به شهدای ترور است و در این میان، همچنان جای آثاری که این شهیدان را فارغ از مقام و موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنها معرفی کنند، خالی است که با توجه به تعداد این شهیدان و تجربه های فراوان در زمینه معرفی شهیدان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، فراهم آوردن چنین آثاری کار دشواری به نظر نمی رسد.



از چهارشنبه تا سه شنبه با سرای اهل قلم خانه کتاب

ادیان از صلح گفتند و شعر از مشروطه

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست‌های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت‌وگو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا کند. در نشست‌هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه شعر، دین و ادبیات در جلساتی جداگانه به بحث و گفت‌وگو نشستند.

برگردانی از دوران مشروطه

نشست نقد و بررسی کتاب «نغمه آزادی» (پژوهشی در شعر عصر مشروطه) با حضور میثم موحدر، مولف کتاب، احمد ابو حمزه، کارشناس تاریخ و دبیر نشست و علی تهرانبند، منتقد و کارشناس تاریخ و دیگر علاقه‌مندان این حوزه در سرای اهل قلم برگزار شد. میثم موحدر، مولف کتاب: دلیل انتخاب نمونه شعرهایی در باب آزادی خواهی و دوران مشروطه، تأثیرگذاری و شورانگیزی این سروده‌ها بودند. البته چندبعدی بودن چهره‌های این دوران که گروهی، شاعران سرشناس و سیاستمدار و گروه دیگر، سیاستمداران سرشناس و شاعر بوده‌اند هم از دشواری‌های تدوین کتاب به شمار می‌آیند. در این کتاب تلاش کرده‌ام تا نقش مردم و شاعران در نهضت آزادی خواهی را نشان دهم. بر همین اساس شعر و موسیقی آن دوران مبنای بررسی قرار گرفت و حاصل این پژوهش در کتاب «نغمه آزادی» و لوح فشرده‌ای از سروده‌ها و نغمه‌های دوران مشروطه گنجانده شد.

در کتاب از بزرگان یاد شده که سابقه مبارزاتی خوبی داشته‌اند و علاوه بر شاعری در سایر زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نیز فعال بوده‌اند. این افراد با خواست مردم همگام شده‌اند. شعرهای کتاب نیز بر اساس خاستگاه‌های آزادی خواهی و تأثیرگذاری‌های آنها انتخاب شده‌اند.

درباره علت حذف ارجاعات هم باید بگویم که گاهی در استنادهای تاریخی با تردید روبه‌رو بودم بر همین اساس این ارجاعات و منابع حذف شدند. از سوی دیگر نباید به این کتاب به عنوان یک اثر تاریخی نگاه کرد؛ چراکه یک اثر مناسبی است. همچنین بسیاری از منابع استفاده شده در آن، نشریات موجود در گنجینه کاخ گلستانند.

احمد ابو حمزه: «نغمه آزادی» باب جدیدی را در تاریخ معاصر باز کرده و وارد شدن به بحث تحقیقات میان رشته‌ای از ویژگی‌های این کتاب است. از سوی دیگر طراحی جلد کتاب، صفحه‌آرایی، قطع و انتخاب تصاویر، بسیار مناسب صورت گرفته و تمامی عوامل دوران مشروطه را برای مخاطب تداعی می‌کند.

تهران‌بند، منتقد: بررسی فرهنگ جامعه ایرانی و مشکلاتی که بر سر راه آزادی خواهی وجود داشته و نویسندگان و شاعران دوران مشروطه با آن مواجه بوده‌اند نقش این افراد را نمایان تر می‌کند و نشان می‌دهد که شاعران و نویسندگان چگونه و در چه شرایطی رسالت خود را انجام داده‌اند.

کتاب با خطی زیبا و طراحی مناسب تهیه شده و با گاهشمار تاریخی همراه است که به خوبی زمینه‌های مشروطه را برای خوانندگان تداعی می‌کند.

در این کتاب به دو گروه از شاعران پرداخته شده است؛ یک گروه شاعرانی مانند میرزا آقاخان کرمانی که فعالیت خود را پیش از مشروطه و تقریباً از زمان ناصرالدین شاه آغاز کرده‌اند و در حقیقت آغازگر شعر مشروطه و آزادی خواهی بوده‌اند.

گروه دیگر شاعرانی که مبارزات خود را در اختیار تحولات مشروطه قرار داده‌اند که از این میان می‌توان به علی اکبر دهخدا، نسیم شمال و میرزاده عشقی اشاره کرد. این شاعران، آزادی مد نظر را به طور کامل در آثارشان بازگو کرده‌اند البته شاید علت این امر تجربه کردن محیط خارج از ایران بوده است.

روایتی از روزمرگی و ملال

نشست تقدیرمان «هیچکس مقصر نیست» با حضور فرحناز علیزاده و علی الله سلیمی در سرای اهل قلم خانه کتاب برپا شد.

علی الله سلیمی، منتقد: شخصیت‌های این داستان می‌خواهند به گونه‌ای مستقل باشند؛ درحالی که نمی‌توانند از گذشته خودشان فاصله بگیرند.

نویسنده در این کتاب بر شخصیت «اهورا» تمرکز کرده که در این صورت، این شخصیت باید وجه تمایزی با دیگر شخصیت‌ها داشته باشد، ولی در واقع متفاوت خاصی میان شخصیت او با دیگران نمی‌بینیم. شخصیت‌های این داستان با وجود تلاش‌هایشان نمی‌توانند رابطه‌شان را با گذشته قطع کنند و نیرویی در درون قهرمانان این داستان نهفته است که نمی‌گذارد آن طور که دوست دارند، جلو بروند و گویی جوهره اصلی داستان بر این قرار گرفته و می‌خواهد بگوید منشأ دل‌تنگی آدم‌ها نامعلوم است.

رمان «هیچ کس مقصر نیست» رمانی واقع‌گراست. در این رمان همه ویژگی‌های داستان رئالیستی رعایت



شده، ولی قطعا برای نوشتن این نوع از داستان، به سرفصل‌های دیگری نیز نیاز داریم. در این راستا باید گفت اهورا که مرکز ثقل داستان است، اصلا در صدد نیست تا سر و سامانی بگیرد و به آرامشی در زندگی خانوادگی دست یابد. در حقیقت اغلب آدم‌های این کتاب از آنچه رنگ و بوی دوران‌اندیشی دارد، دوری می‌کنند و این با منطبق درونی داستان واقع‌گرا سازگاری ندارد؛ به طوری که خواننده احساس می‌کند چنین ژست‌هایی فقط در فضای داستان اتفاق می‌افتد.

علیزاده، منتقد: تنها چیزی که وجه تمایز میان

برنامه‌های این هفته سرای اهل قلم

برنامه سرای دائمی اهل قلم در این هفته از سوی خانه کتاب اعلام شد.

شنبه ۲۹ خرداد: نقد و بررسی کتاب «سینما و روانپزشکی» با حضور دکتر ماهیار آذر، دکتر فرید حسینی و دکتر حسین اسکندری از ساعت ۱۷ تا ۱۹.

یکشنبه: نقد و بررسی کتاب «ریشه‌های رمانتیسم» نوشته آیزایا برلین با حضور عبدالله کوثری، احسان عباسلو و رضا نجفی از ساعت ۱۷ تا ۱۹.

دوشنبه: کارگاه داستان‌نویسی با حضور فیروز نوزی جلالی از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۶:۳۰.

چهارشنبه: نشست اول؛ شعرخوانی با حضور علی اکبر میرجعفری از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰. نشست دوم؛ نقد و بررسی کتاب «شهر و زلزله» در حوزه جامعه‌شناسی شهری (بررسی دو کتاب «شهر و زمین لرزه» و «پژوهشی در درس‌های زمین لرزه») با حضور گیتی اعتماد، کمال اطهاری و دکتر شریف مطوف از ساعت ۱۷ تا ۱۹.

سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، پلاک ۲ قرار دارد و حضور در این جلسات برای عموم آزاد است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر درباره برنامه‌های این سرا می‌توانند با شماره ۶۶۹۶۶۱۵۶ تماس بگیرند.

صلح، اساس تفکر اسلامی

نشست نقد و بررسی کتاب «آرامش در ادیان ابراهیمی» ویراسته و ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی با حضور دکتر بخشعلی قنبری و دکتر عبدالحسین طریقی، از استادان دانشگاه و نویسندگان حوزه ادیان، در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

دکتر قنبری: موضوع این کتاب، صلح و دوستی در ادیان ابراهیمی است و چهار دین را دربرمی‌گیرد که البته تنها از سه دین ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام، مقالاتی در آن وجود دارند. این مقالات در سال ۱۳۸۴ در موسسه بین‌المللی صلح نروژ ارائه شده‌اند و موضوعات تمامی مقالات برای ایجاد وحدت اسلامی است.

اگر به ترجمه این اثر قانع باشیم، کتاب خوب و مفیدی در نوع خودش است. به‌ویژه مقالات اول و دوم این اثر بسیار قابل توجه‌اند.

صلح در واقع بازگشت به آرامش اسطوره‌ای پیشین است و جنگ بازگشت به آشفتگی پیش از آرامش خلقت. در این جا اصطلاح سومی به وجود می‌آید با عنوان «جنگ عادلانه» که در این کتاب نیز به آن اشاره شده است. تمامی ادیان به قبول این جنگ

اصرار دارند، اما باید در نظر داشت که این جنگ تنها با هدف بازگرداندن صلح جایز است.

جاداشت در مقدمه این کتاب، فلسفه گفت‌وگو و ادیان و لزوم آن شرح داده می‌شد، اما دکتر گواهی مقدمه اندکی بر این اثر نوشته که برخی نکات در آن ناپیدا است.

درباره ضعف‌های این کتاب باید گفت که ساختار کتاب منسجم نیست و چینش مقالات سنجیده به نظر نمی‌رسد. همواره انتظاری رود مجموعه مقالاتی که در قالب کتاب منتشر می‌شوند، به دلیل پراکندگی موضوع، مقدمه‌ای جامع داشته باشد که خواننده را در جریان امور قرار دهد، اما مقدمه این اثر چنین ویژگی‌هایی ندارد. عنوان کتاب نیز در عین ارزشمندی چندان مناسب نیست، زیرا موضوع تمام مقالات صلح و دوستی در ادیان ابراهیمی نیست.

درباره مقاله نخست کتاب با عنوان «جنگ و صلح در ادیان» که از سوی یک خاخام نوشته شده است هم باید گفت که نویسنده این مقاله برخلاف نص تورات و سایر کتاب‌های عهد عتیق که غلبه جنگ در آنها دیده می‌شود، بر صلح تأکید می‌کند که البته جای سپاس دارد. صلح دوستی در میان یهودیان کم نیست و اگر یهودیان جنگ طلب به ویژه صهیونیست‌ها پیام

آدم‌های زمان حال و گذشته داستان این کتاب است، ساختار شکنی اهوراست، در حالی که شخصیت عصیانگر و به‌سخره گرفتن قراردادهای جامعه سنتی، از نشانه‌های جامعه مدرن است. البته در میان شخصیت‌های زن این داستان نیز روح عصیانگری را می‌بینیم. ماندانا که داستان را روایت می‌کند، زنی مستقل بوده، ولی بعد از مدتی به یک زن خانه‌نشین و تک‌افتاده می‌رسیم که با وجود آنکه یأس تمام وجودش را گرفته، در یادداشت‌هایش عصیانگری خود را نشان می‌دهد.

ماندانا زنی است که برخلاف مادر و مادرزبرگش، تصمیم به طلاق می‌گیرد و پس از اهورا از پوریا هم جدا می‌شود؛ چرا که احساس می‌کند عشق او ناپایده گرفته شده است. اهورا نیز نمی‌تواند عشق را در زندگی درک کند؛ چون در خانواده‌ای زندگی کرده که گاهی پدر به مادر خیانت می‌کند و هیچ‌گونه روابط عاطفی، به‌رغم ظاهر و تجملات زندگی‌شان، حتی میان پدر و فرزند دیده نمی‌شود. درست است که رمان مدرن، رمان ملال و بیان روزمرگی است، ولی وجود نداشتن هسته مرکزی و نبودن تعلیق مناسب به بخش‌هایی از این رمان آسیب زده است. این در حالی است که شرح ملال و روزمرگی با یادداشت‌های روزانه قهرمانان به گزارش نویسی تبدیل شده؛ در حالی که بهتر است رمان مدرن با دیالوگ نویسی پیش برود چون دیالوگ نویسی در داستان کنش ایجاد می‌کند.

حسن زاده، نویسنده: این قصه درباره انسان‌هایی است که به عواطف دیگران بی‌توجهند؛ چون از عواطف خودشان غافلند یا احساساتشان را از یاد برده‌اند و همواره در پی گمگشته‌ای نامعلوم می‌گردند و در نتیجه با خودشان و زندگی کنار نمی‌آیند. شخصیت‌ها در این اثر از سوی دیگر با گذشته‌شان نیز نتوانسته‌اند ارتباطی منطقی پیدا کنند و حاصل چنین نگرشی در این داستان آن است که باخته و در مانده‌اند. رمان «هیچکس مقصر نیست» سال گذشته (۸۸) از سوی انتشارات هیلا و ققنوس روانه بازار کتاب شد.

صلح دوستی این نویسنده را که برگرفته از تورات است بشنوند، شاید مفید واقع شود.

دکتر طریقی: گردآمدن الهی دانان از سه دین و ارائه مقالات، یکی از امتیازات کتاب است. گوش دادن این افراد به نظرات یکدیگر نشان می‌دهد که حرف‌های بسیاری برای شنیدن وجود دارند.

البته تنوع مباحث سبب شده است تا مطالب از سطح به عمق نفوذ نکنند. اگر مقالات موضوع واحدی داشتند، این مشکل تا اندازه زیادی مرتفع می‌شد. نکته دیگر این که مقالات از سوی افرادی ارائه شده‌اند که از منابع محدودی بهره جسته‌اند و این موضوع نیز یکی دیگر از نقاط ضعف کتاب به شمار می‌آید.

جهان اساسا بر مبنای عدل، نظم و صلح است که از این میان، صلح محور جهان به شمار می‌آید اما جنگ زائده بیرونی و ناهماهنگ با جهان است.

در اسطوره‌های ایران باستان، اهریمن پس از آن که اهورامزدا از جهان روشنی‌به جهان تاریکی رسید، به جهان حمله کرد. با این توضیحات درمی‌یابیم که در تفکر زرتشتی، جنگ، امری اهریمنی است.

این صلح طلبی را می‌توان از قرآن، سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) و همچنین عالمان بر جسته دینی فهمید.



شانزدهمین رمان دان دلیلو، که به تازگی منتشر شده، «نقطه امگا» نام دارد و این موضوع را محور قرار داده است که زمان، انهدام و نابودی، شکست و اینکه آیا هنر می تواند معنایی به این نیروها بخشد یا نه. در سال های اخیر آقای دلیلو دیگر کمتر به سمت کارهای طولانی تر مانند «صدای سفید»، «لیبرا» و «زیرجهان» رفته است و حتی اثر اخیر او رمان کوتاه ۱۱۷ صفحه ای است که البته خود او از این موضوع رضایت کامل دارد. تعداد کمی از رمان های او مرکزیت داستان را بر مسائل روانشناختی و متفاوتی قرار داده است تا بر درونمایه های اجتماعی و تاریخی، در حالی که رمان اخیر او از این قاعده پیروی می کند. او در مصاحبه ای حضوری با آلکساندر آلتز، که در روزنامه وال استریت ژورنال به چاپ رسیده است، در مورد منابع الهامات، روش نوشتار و نظرات او در مورد زمان و انهدام و اینکه چطور یک فیلم موضوع کتاب جدیدش را رقم زد، به گفت و گو نشست است.

خود آگاهی استعلایی در بیابان زمان

کتاب چگونه شکل گرفت؟

ایده اولیه داستان دقیقاً همان جا شکل گرفت که داستان شروع شد. طبقه ششم موزه هنرهای معاصر و درست همان زمان داستان در ذهنم شکل گرفت، در تابستان سال ۲۰۰۶. در موزه هنرهای معاصر قدم می زدم که ناگهان چشمم به فیلم «۲۴ ساعت روانی» خورد که به نظرم بسیار جالب آمد. بعد از آن هم چند بار دیگر به آنجا رفتم و بار سوم بود که احساس کردم خیلی دوست دارم در مورد آن بنویسم. ایده زمان و حرکت و حس خود آگاهی، این که همه چیز در روندی بسیار کند رخ می داد و این که تصویر پردازی و صور خیال خود بسیار شبیه یک فیلم است. کم کم داشتم به این فکر می کردم که ما چیزهای اینچنینی را چگونه می بینیم و اصلاً چه می بینیم و موقع دیدن آنها، چه چیزهای دیگری را از قلم می اندازیم. بالاخره تصمیم گرفتم. از ابتدا قصد نداشتم ریسک کنم و ادبیات غیر داستانی بنویسم، چون من نه فیلسوفم نه فیزیکدان و نمی توانم «زمان» را به عنوان موضوعی که به نظر مجاز و حتی موجه به نظر می رسد، مطالعه کنم.

در مورد دو شخصیت اصلی داستان چطور؟ آنها را از کجا و از چه کسانی الهام گرفتید؟

به نکته بسیار جالبی اشاره کردید. آن دو شخصیت هم دقیقاً دو شخصیتی بودند که در آن گالری حضور داشتند. البته نه حضوری کاملاً واقعی بلکه بیشتر در تخیل من، همین. وقتی مقدمه داستانم را تمام کردم دقیقاً نمی دانستم بعدش چه چیزی رخ خواهد داد، چون راستش را بخواهید دیگر تخیلم تا آنجاها پیش نرفته بود. من فقط تا همان جا را که نوشته بودم تخیل کرده بودم. در ضمن این را هم می دانستم که قرار نیست داستان کوتاه بنویسم. دوست داشتم رمان باشد. همان زمان بود که احساس کردم معجزه ای رخ داد یا چیزی مثل یک الهام بر من نازل شد و آن هم همان دو مرد بودند؛ یک مرد جوان و مردی مسن تر که در گالری حضور داشتند، یکی دو دقیقه بیشتر هم آنجا نماندند، اما در تخیل من پا گرفتند و همان ها شدند شخصیت های اصلی داستان من.

ایده «نقطه امگا» از جایی که کتاب شما عنوانش را وام گرفته، از سوی پروفیسور ریچارد الستر این چنین توصیف می شود: بیرون پریدن از زیست شناسی وجودی مان، که به نوعی می توان آن را خود آگاهی استعلایی تعبیر کرد. چطور شد که درگیر این موضوع شدید؟

وقتی پروفیسور الستر در بیابان است، شروع می کند به اندیشیدن به زمان با روشی کاملاً متفاوت. این



رمان های اخیر شما نسبت به رمان های پیشینتان، مثل «لیبرا» و «زیرجهان» بسیار مختصر و مفید و کوتاه تر هستند و به شدت حول محور موضوعات می گردند که اکثراً موضوع های اجتماعی و تاریخی اند. چه شد که در این مسیر متفاوت وارد شدید؟

همان طور که قبلاً هم گفتم هر کتابی خودش موضوعش را پیدا می کند و انتخاب روند نگارش دست من نیست، در واقع اتفاقی است که خودش رخ می دهد.

برخی از نقدهایی که در مورد این کتاب شده، شما را به طرز حیرت آوری پیشگوی حوادثی مانند اغتشاشات اجتماعی و تروریسم خوانده است و همین طوراذهان نیروی تاثیرگذار رسانه های جمعی و تکنولوژی. نظر خودتان در این مورد چیست؟

فکر نمی کنم بتوان به آنها پیشگویی گفت. در واقع بعضی از نویسندگان سعی می کنند خیلی از چیزها را پیش تر از بقیه مردم ببینند. اتفاقاتی که به واقع وجود دارند اما همه قادر نیستند آنها را طوری ببینند که یک نویسنده آن را می بیند، همین. مطمئناً من هیچ وقت سعی نکرده ام آینده را پیش بینی کنم، چون به نظرم تلاش بی فایده ای است، چرا که در حقیقت این مردم هستند که غیر قابل پیش بینی اند. اما در عین حال چیزهای واقعی تری هم وجود دارند که مردم نمی خواهند به آنها توجهی کنند. در این

اندیشه های او وسعت پیدا می کنند. دیگر «زمان» تبدیل به «زمان زمین شناختی» و باعث می شود که او به تحول و انهدام بیندیشد که این قضیه یادآور نوشته ای از متفکری به نام ژسویت می شود. ایده «نقطه امگا» هم وارد تفکرات او می شود و قسمتی از کتاب را از آن خود می کند؛ این تصور ممکن، که خود آگاهی انسان رو به فرسودگی و از پا در آمدن میل می کند و اینکه اتفاق بعدی ممکن است یک طغیان باشد یا چیزی که بی نهایت حیرت انگیز و اعجاب آور است.

رمان «نقطه امگا» فقط ۱۱۷ صفحه است؛ بیشتر شبیه به یک رمان کوتاه. آیا شما به عمد بعضی موضوعات را از رمان برداشتید تا به قول بعضی، آن را پراکنده نشان دهید یا از همان ابتدا به آن به دید یک کار کوتاه نگاه می کردید؟

در واقع می خواستم کار مختصرتری نسبت به کارهای دیگرم باشد. دوست داشتم به جای اینکه بنشینم و در مورد آنها کنکاش کنم، چیزهایی را توصیف کنم. می دانستم که قرار است رمان کوتاهی باشد ولی دوست نداشتم عدم تناسب بین ایده ها و گفت و گوها باشد و در تقابل با یکدیگر قرار بگیرند. خود داستان من به من گفت باید کوتاه باشد. شاید به نظر شما عجیب بیاید اما در مورد من همیشه همین طور بوده است. رمان خودش ساختار خودش را می سازد و احساس می کنم فقط من از آنها پیروی می کنم و به دنبال آنها روانه می شوم.

شهر، در دهه ۷۰ عملیات تروریستی اتفاق افتاده بود و همه، مطمئناً همان موقع از آن باخبر شدند، اما بعد از مدتی گذشت. من هم مثل دیگر افراد تمام آن را دیدم، اما تفاوت دید من با آنها این بود که من آنها را به دیده داستان دیدم و آنها را در داستان هایم گنجاندم. مثلاً در مورد برج های دوقلو هم من این حادثه را در داستان هایم قرار داده ام، حالا تصور کنید که در آینده ای نه چندان دور هم اگر این اتفاق باز رخ دهد همه این تصور را می کنند که من آن را پیشگویی کرده ام در حالی که من فقط آن را ثبت کرده ام؛ کاری که همه افراد نمی کنند.

شما قبلاً هم در جایی گفته بودید که نویسنده شدن در دهه ۶۰ اتفاقی رقم خورده است و با قرار دادن نظم خاصی در برنامه نگارستان به «طبیعت دوم» خود، یعنی همان نوشتن، رسیدید. الان چطور؟ آیا این طبیعت دوم در شما تغییر کرده است؟

بله، دقیقاً نوشتن طبیعت دوم من است. من هیچ وقت درگیر نظم و انضباط نبوده ام. فقط وقتم را برای انجام بعضی کارها تنظیم می کنم. گاهی وقت ها ایده ای به ذهنم می رسد و بقیه چیزها بدون هیچ انتظار تشویقی رخ می دهند. یک اتفاق خودکار که رخ دادنش در زمان به معنای بی هیجان بودنش نیست. موضوع اصلی به دست آوردن ایده نوشتن است. در ضمن من همیشه و همه جا سعی می کنم مداد و کاغذی با خود داشته باشم تا بتوانم یادداشت کنم. حالا هنوز نمی دانم می توان نام این روند را نظم و انضباط گذاشت یا نه.

مختصری بر زندگی دان دلیلو

دان دلیلو، نویسنده و نماینده نویسنده آمریکایی بیستم نوامبر سال ۱۹۲۶ به دنیا آمد. او در زمره نویسندگان پست مدرن قرار می گیرد و در داستان هایش زندگی آمریکایی اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم را تصویر می کند و آثارش درست مثل بوم نقاشی است که صحنه هایی از زندگی روزمره را در آن نقش کرده باشند. داستان های او اکثراً گرد مسائلی از قبیل تاثیرات رسانه های جمعی بر ذهن مردم، جنگ های هسته ای، رقابت و ... می گردند و پیچیدگی های زبانی، هنرهای تجسمی و حتی ریاضیات و عصر دیجیتال هم در آثار او به چشم می آیند. از جمله آثار او می توان به «صدای سفید»، «لیبرا»، «زیرجهان» و «مرد رو به زوال» اشاره کرد هر چند داستان های کوتاه و بسیار زیادی هم از او در بیشتر مجلات ادبی معتبر دنیا به چاپ رسیده اند.

ناشران محترم!

از این پس می توانید برای تبلیغ کتاب های خود

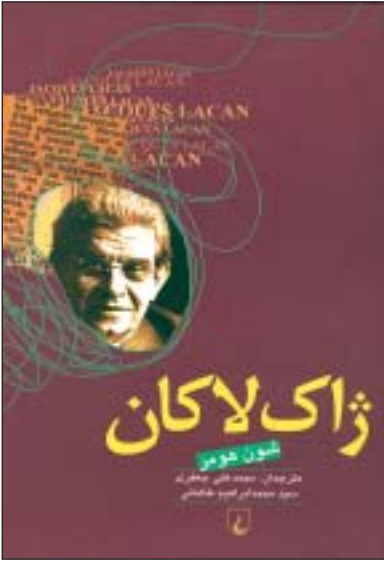
در بخش تازه های نشر

با شماره ۰۲۱۶۶۹۶۶ تماس بگیرید

تبلیغ کتاب

درباره آخرین اثر منتشر شده درباره لاکان

«ژاک لاکان»؛ کتابی که نبود



نمونه در کتاب «ناخودآگاه» آنتونی ایستوب، طی صفحات ۱۴۸ تا ۱۵۵ به آنها پرداخته شده، در این کتاب غایبند. نویسنده دلیل پرداخته نشدن به آنها را حضور کمترشان در نظریه مطالعات فرهنگی و نظریه ادبیات و نظریه فیلم ذکر کرده است؛ ولی مساله آنجاست که هستند کارشناسانی که فهم نظریات لاکان را بدون توجه کافی به این نمودارها، بسیار دشوار و حتی ناممکن می دانند. نمودارها از نظر اهمیت در نظریات لاکان، در زمره موادی چون «متم ها: mathemes» یا «چهار گفتمان: four discourses» نیستند و نقش بسیار پررنگ تری در متن نظریات لاکان دارند.

با تمام اینها، اهمیت این کتاب در آموزش شاخه ای از شاخه های روانکاوی قرن بیستم به خوانندگانی که این یکی از نخستین برخوردهایشان با آرای لاکان باشد، تردیدناپذیر است. «ژاک لاکان» به قلم شون هومر با برگردان محمدعلی جعفری و محمدابراهیم طاهایی از سوی نشر ققنوس منتشر شده است. شمارگان این کتاب ۱۶۵۰ نسخه و قیمت آن ۳۸۰۰ تومان است.

و نیز در نظریه سیاسی و اجتماعی بحث کند. بخش نخست به پنج فصل تقسیم شده است. امر خیالی، امر نمادین، عقده اودیپ و... سوژه ناخودآگاه، امر واقع، تفاوت جنسی. ولی با تمام رویکرد مثبت این مطلب به کتاب «ژاک لاکان»، جای چند پرسش باقی است. یکی از مهم ترین گره هایی که خوانندگان لاکان با آن برخورد می کنند، فهم نوع ارتباطی است که لاکان میان ناخودآگاه و زبان برقرار می کند. لاکان برای ناخودآگاه ساختاری زبانی در نظر می گیرد و به ویژه در توضیح نظرش از اصطلاحات سوسور (در زبان شناسی ساختارگرا) و اشتروس (در قوم شناسی ساختارگرا) بهره می برد. نظرات لاکان در این باره عموماً ذیل بحثش درباره «امر نمادین» که یکی از سه ساحتی است که او به رسمیت می شناسد (امر خیالی، امر نمادین و امر واقعی) مطرح می شود. ولی بخش «امر نمادین» کتاب شون هومر، در ۲۰ صفحه، مختصرتر از آن است که بتواند همه ریزه کاری های استفاده لاکان و حتی مهم ترین موارد آن را تبیین کند. در این بخش، تاکید اصلی بر آرای سوسور و یاکوبسن است. در حالی که آرای اشتروس و تأثیری که بر نظریات لاکان گذاشت، تقریباً ناگفته مانده است و تأثیر مهم اشتروس بر لاکان در زمینه مطالعات فرهنگی به اعتبار آرای او در حوزه مردم شناسی و قوم شناسی تردیدناپذیر است. همچنین نمودارهای معروف لاکان که برای

واجد نیست. آن سه ضمیمه ای که در کتاب درج شده اند، «منابعی برای مطالعه بیشتر»، «آثار مورد استناد» و نمایه است و آن ضمیمه که نیست، فهرست برابر نهادهای مترجمان است. اگر چه از آنجا که تقریباً در همه جای کتاب هنگام ذکر یک اصطلاح تخصصی، اصل انگلیسی یا فرانسوی آن ذیل همان صفحه درج شده، این ضعف تا حدی پوشانده می شود. نمایه پایانی کتاب هم قدری زیاد مختصر است و اصولاً فهرست اعلام (نام افراد) است و جز اصطلاحاتی اساسی چون «زنجره دلالت»، «رانه جزئی»، «رانه مرگ»، «روان نزدی»، «عقده اودیپ»، «غلط پنداری»، «استعاره»، «چهار کلام»، «کمتر نقش کاربردی دارد، ولی این ضعف ها را می توان به راحتی در چاپ های بعدی کتاب برطرف کرد. دیگر ویژگی کتاب این است که در پایان هر فصل یک بخش «چکیده» آمده که در چند سطر، لب لباب مطالب آن فصل را فشرده می کند. باید از حروفچینی و نیز ویرایش کتاب یاد کرد که بسیار دقیق است؛ متن افتادگی ندارد و از اغلب اشکالات ویرایشی متن های مشابه (حتی کتاب باارزشی چون «ناخودآگاه» نشر مرکز) خالی است.

مقدمه نویسنده با عنوان «چرا لاکان؟» به ویژه برای مخاطب فارسی زبان ارزش خاص دارد. هومر در این مقدمه به چند پرسش مهم پاسخ می دهد؛ چرا لاکان مهم است؟ لاکان در کجا و کجا مهم است؟ مهم ترین اشکالاتی که منتقدان بر آرای لاکان ایراد کرده اند، چیست؟ سختی کار «لاکان خوانی» کجاست؟ لاکان را چطور و با چه رویکردی بخوانیم تا بیشترین بهره را ببریم؟ مهم ترین سرچشمه های افکار لاکان در آرای کدام یک از اندیشمندان بوده است؟ تأثیرگذاری لاکان بیشتر در کدام حوزه هاست؟ لاکان امروز در کدام حوزه هایش تر جدی گرفته می شود و در نهایت این که، نقاط عطف زندگی لاکان چه ارتباطی به نظریات او دارد؟ مشخص است که هومر به همه این پرسش ها در یک متن کوتاه و بسیار موجز و فشرده ۱۵ صفحه ای می پردازد؛ ولی مخاطبی که همین پانزده صفحه را خوانده باشد، هنر موجز نویسی «شون هومر» را باور خواهد کرد. همچنین از آنجا که کتاب، اثری است که با وجود حفظ شاخصه های تالیف دانشگاهی و آکادمیک برای معرفی نظریه لاکان به نوآموزان نظریات او نوشته شده، جنبه کاربردی خود را حفظ کرده است. بدین معنا که نویسنده در تشریح مهم ترین اصطلاحات نظریه لاکان، تاکید را روی آن دسته از اصطلاحات و پایه ها می گذارد که امروز هنوز در نظریه فرهنگی یا نظریه فیلم و ادبیات کاربرد داشته باشند. در نتیجه به عمد و بر اساس منطق تالیف، اصطلاحات دیگری از قبیل «متم ها: mathemes» و «چهار گفتمان: four discourses» از قلم افتاده است.

کتاب به دو بخش تقسیم شده است؛ بخش نخست، به نوشته نویسنده، «بسیاری از آن اصطلاحات اصلی را که امروزه در روانکاوی به کار می روند در بر می گیرد؛ اما تاکنون بیشتر بر ایده هایی است که به طور گسترده در ادبیات و مطالعات فرهنگی به کار رفته اند؛ از جمله امر خیالی، امر نمادین و امر واقع، مرحله آینه ای، سوژه ناخودآگاه، ناخودآگاه ساختاری مشابه زبان دارد، ... فانتزی، ژوئیسانس و تفاوت جنسی». هر فصل این بخش با مثالی درباره چگونگی کاربرد این ایده ها در ادبیات، نظریه فیلم یا نظریه اجتماعی به پایان می رسد، اما بخش دوم کتاب، با عنوان «پس از لاکان»، «دامنه این مثال ها را گسترش می دهد تا درباره شیوه های مختلف رایج کاربرد آرای لاکان در تحلیل فیلم و متن

«لاکان، دریدا، کریستوا» اثر مایکل پین با ترجمه پیام یزدانجو، نخستین کتابی بود که به زبان فارسی درباره لاکان منتشر شد. پیش از آن، همه آنچه درباره لاکان می دانستیم و از متون فارسی اخذ کرده بودیم، در حوزه مقالات و آن هم بسیار به اجمال و ذیل مطالب و محورهای دیگر جز حوزه روانکاوی لکانی بود. بنابراین شناخت ما درباره لاکان، به تاریخ هجری شمسی، مربوط به دهه هشتاد است. ما، لاکان را پس از یونگ، فروید، آلتوسر، باختین، باتای، هورکهایمر، هابرماس، اشتروس، بارت، دریدا و بسیاری دیگر از اندیشمندان دهه بیست اروپا شناختیم، اما در همین چند سال، چندین کتاب درباره لاکان منتشر شده است که به دلیل کم تعداد بودنشان، ذکر آنها مجال چندانی نمی طلبد. «لاکان، دریدا، کریستوا» اثر مایکل پین با ترجمه پیام یزدانجو (نشر مرکز/ ۱۳۸۰)، «مکتب لاکان: روانکاوی در قرن بیست و یکم» نوشته میترا کدیور (اطلاعات/ ۱۳۸۱)، «مبانی روانکاوی فروید لاکان» نوشته کرامت موللی (نشر نی/ ۱۳۸۴)، «فروید در مقام فیلسوف: فراروان شناسی پس از لاکان» اثر ریچارد بوتبی؛ ترجمه سهیل سمی (نشر ققنوس/ ۱۳۸۴)، «واژگان لاکان» اثر ژان پیر کلو و با ترجمه کرامت موللی (نشر نی/ ۱۳۸۵)، «لاکان هیچکاک» ویراستار انگلیسی او گردآورنده اسلاوی ژیتک، ویراستار فارسی مازیار اسلامی (نشر ققنوس/ ۱۳۸۵)، «آنچه همیشه می خواستید درباره لاکان بدانید اما می ترسیدید از هیچکاک بپرسید» ویراستار اسلاوی ژیتک؛ ویراستار ترجمه مهدی پارسا (نشر گام نو/ ۱۳۸۵)، «فرهنگ مقدماتی اصطلاحات روان کاوی لکانی» به قلم دیلن اونز؛ مترجمان مهدی پارسا و مهدی رفیع (انتشارات گام نو/ ۱۳۸۶)، «لاکان: بررسی شخصیت، اندیشه و آثار» اثر دریا لیدر، جودی گروز به ترجمه محمدرضا پرهیزگار (چاپ و نشر نظر/ ۱۳۸۷)، «مقدماتی بر روانکاوی لاکان: منطق و توپولوژی» ترجمه و تالیف کرامت موللی (نشر دانژه/ ۱۳۸۸) و در نهایت، کتابی که این مطلب به آن اختصاص دارد: «ژاک لاکان» اثر شون هومر؛ ترجمه محمدعلی جعفری و محمدابراهیم طاهایی (نشر ققنوس/ ۱۳۸۸). به این ۱۲ اثر، می شد دو، سه کتاب دیگر را نیز افزود که به لاکان اختصاص ندارند؛ ولی طی بحث های خود به روانکاوی لکانی نظر می کنند. مهم ترین اثر از این نظر و در این میان، «ناخودآگاه» اثر آنتونی ایستوب است که با ترجمه شیوا رویگریان در سال ۸۲ از سوی نشر مرکز منتشر شد و طی چند سالی که از انتشار آن می گذرد، با وجود برخی ایرادهای کوچک ویرایشی، هنوز از مهم ترین منابع شناخت روانکاوی فرویدی - لکانی با نگاهی انتقادی و علمی است که به نقاط ضعف هم می پردازد. کتابی که متأسفانه تجدید چاپ نشده است و همان سه هزار نسخه چاپ اول آن هنوز گاه گاه در بازار دیده می شود.

«ژاک لاکان»، اثر شون هومر

پس از چندین سال که از شناسایی این روانکاو فرانسوی در ایران می گذرد، قطعاً انتظار می رود سرانجام کتابی بالینی که اختصاصاً به نظریه یا نظریات او بپردازد، با برگردانی خوب منتشر شود. این کتاب، «ژاک لاکان» اثر شون هومر با برگردان محمدعلی جعفری و محمدابراهیم طاهایی است. نشر ققنوس این کتاب را در شمایی مناسب، صفحه بندی و ویراست و کاغذ خوب عرضه کرده است. کتاب حاوی سه ضمیمه مهم و عمومی است که برای چنین کتابی انتظار می رود و در عوض، یک ضمیمه مهم را نیز

باسمه تعالی

فراخوان سیزدهمین دوره جایزه کتاب فصل

دبیرخانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مؤلفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، سیزدهمین دوره جایزه کتاب فصل (بهار ۱۳۸۹) را برگزار می کند. از ناشران، مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می شود آثار خود را که برای نخستین بار در بهار ۱۳۸۹ منتشر شده است، به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

مهلت ارسال آثار: بیستم تیر ۱۳۸۹

نشانی دبیرخانه: خیابان انقلاب اسلامی، بین خ برادران مظفر و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲-۲

دبیر خانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۶۶۹۶۶۳۱۹

تلفکس: ۶۶۹۶۶۳۱۸



نبرد کتاب ایرانی با توپ‌های روسی و غارتگران انگلیسی



ایجاد کتابخانه مجلس یا ایده‌هایی برای تاسیس آن، از موضوعاتی به شمار می‌آید که همواره از سوی محققان و مورخان شائبه‌ها و ابهاماتی درباره‌اش وجود داشته و دارد. در این زمینه، اسناد، مدارک و خاطراتی که از نمایندگان و گذشتگان بر جای مانده‌اند، هریک بخش‌هایی از این پازل تاریخی را شکل می‌دهند که آگاهی از آنها خالی از لطف نیست.

دوم تیر ماه که یادآور به توپ بسته شدن مجلس به دستور محمدعلی شاه قاجار است، انگیزه‌ای شد تا در گزارشی، به روند شکل‌گیری کتابخانه مجلس پرداخته شود.

طبق آنچه در اسناد و تاریخچه کتابخانه مجلس ثبت شده، طرح پیشنهادی تاسیس کتابخانه مجلس در اوایل مجلس دوم، سال ۱۳۲۷ هجری قمری به تصویب مجلس رسید و افتتاح رسمی آن هم در ساختمان قدیمی مجلس صورت گرفت. این گزارش با بررسی اسناد و میراثی که در کتاب‌ها و آثار مکتوب بر جای مانده‌اند، می‌خواهد از ابهامات این حوزه پرده بگشاید. بر اساس مستندات تاریخی در ماده ۱۳۵ نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مصوب ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ هجری قمری، مبحث ایجاد دایره کتابخانه پیش‌بینی شد که بر اساس آن، کتابخانه یکی از دوایر شعبه اداری مجلس باشد.

بعدها «ارباب کیخسرو» نخستین رییس کتابخانه مجلس که در آن زمان یکی از نمایندگان تهران بود، در مقدمه مجموعه کتاب‌های فرانسوی که به این کتابخانه اهدا کرد، توضیح مفصلي در این باره ارائه داد.

علی‌طبری رییس مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پژوهشگر و مدرس تاریخ معاصر، در این باره می‌گوید: «تصور می‌کنم بحث تاسیس کتابخانه در مجلس از دوره اول مطرح شد، اما تا حد زیادی مغفول ماند، یعنی تاریخ‌نگاران و محققان توجه زیادی به آن نکردند.»

تفقیح و صحیح قوانین مجلس در سایه کتابخانه

طبری مهم‌ترین سند در این زمینه را مصوبات جلسه ۱۴ شوال ۱۳۲۵ می‌داند و توضیح می‌دهد: «در آن زمان دکتر ولی‌خان نصر» یکی از نمایندگان تهران، برای نخستین بار بحث تاسیس کتابخانه را در کنار پارلمان مطرح می‌کند و ادله‌ای هم که در آنجا می‌آورد جالب است؛ «در هر جایی در دنیا که پارلمان هست، یک کتابخانه خصوصی هم در کنار آن وجود دارد که در آنجا نمایندگان از تمام معاهدات، قانون‌های تصویب شده و کتاب‌های منتشر شده آگاهی می‌یابند.» او به طور مشخص به کتاب‌های فقهی نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر این کتابخانه فراهم نشود، قانون‌ها به درستی تفقیح نخواهند شد.»

دبیر شورای ارزیابی اسناد کتابخانه مجلس ادامه می‌دهد: «در این زمان یکی دیگر از نمایندگان تجار نیز اشاره می‌کند، کتابخانه‌ای که دکتر ولی‌خان نصر بیان می‌کند، باید همراه با قرائتخانه‌ای برای مطالعه نمایندگان وجود داشته باشد تا در چنین فضایی به مطالعه آنچه در اختیارشان می‌گذارند، بپردازند.»

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد بحث تاسیس کتابخانه از همان ابتدای مجلس و مشروطه در دوره نخست مطرح بوده‌اند، هر چند که در ذیل تمام این منابع اشاره شده که برای نخستین بار و به شکل رسمی، این کتابخانه در دوره دوم مجلس شورای ملی شکل گرفت، اما بر اساس اسناد و خاطراتی که درباره آنها وجود دارد، باید این تاریخ را قدری تغییر دهیم.

طبری معتقد است: در کتاب خاطرات احتشام السلطنه نیز می‌توان تکمله‌ای بر این موضوع یافت. او در فرازی از عملکرد مجلس اول در خاطراتش

به این موضوع اشاره دارد و در بخشی که مربوط به خدمات مجلس نخست است می‌نویسد؛ تشکیل کتابخانه مجلس با واگذاری تعدادی کتاب نفیس خطی و چاپی از کتابخانه شخصی ام‌پایه‌گذاری شد. وی این موضوع را زیرمجموعه خدمات دوره اول مجلس می‌داند و اشاره‌ای به این موضوع ندارد که این آثار را بعدها به این مرکز داده است. همچنین در خاطرات مخبر السلطنه هدایت نیز اشاره شده است که مایه‌گذاری کتابخانه مجلس را با همین کتاب‌های احتشام السلطنه آغاز کردیم.

لزوم بازنگری و بازگشت به عمق تاریخ

درباره تاریخ مجلس، کتابخانه مجلس، پارلمان و بحث تاریخ قانون‌گذاری در کشورمان باید یک بار دیگر به عقب بازگشت و آنها را باز نویسی کرد. طبری نیز یکی از نمونه‌های بارز آن را بحث تشکیل کتابخانه می‌داند و اظهار می‌کند: «با به توپ بسته شدن مجلس در ۲۳ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۶ هجری قمری به دستور محمدعلی شاه قاجار و توسط کلنل لیاخوف روسی که در آن زمان صاحب منصب قزاق بود، هر آنچه در بایگانی مجلس وجود داشت؛ اعم از اسناد، مدارک، مصوبات و کتاب‌ها، همه از بین رفتند. هر چند مستشارالدوله در بخشی از خاطراتش اشاره دارد که به صدیق حضرت - که در آن زمان یکی از نمایندگان و رئیس اداره مجلس بود - گفتم برخی از اسناد را از مجلس خارج کند.» در آنجا نامی از «کتاب» عنوان نشده است. تنها در بخشی از این کتاب اشاره شده است که «۱۰۹۱ جلد کتابی که از کتابخانه شخصی خودم که اغلب از نسخ خطی بودند، جهت تاسیس کتابخانه به مجلس اهدا کردم.»

همان‌گونه که در منابع تاریخی نیز آمده است احتشام السلطنه علامیر دومین رییس مجلس دوره اول، پس از استعفا از ریاست، این مجموعه از کتاب‌ها را برای تاسیس کتابخانه به مخبر السلطنه هدایت سپرد، اما مشخص نیست آیا این کتاب‌ها در همان دوره در ساختمان مجلس نگهداری می‌شدند یا خیر؟

طبری که اکنون در حال پژوهش در حوزه اسناد است، به نتایج جدیدی دست یافته که احتمال وجود کتابخانه مجلس، پیش از به توپ بسته شدن آن را تا حدی تقویت کند. وی در این باره می‌گوید: «به طور قطع نمی‌توان گفت که کتاب‌های احتشام السلطنه یا مجموعه دیگر به صورت کتابخانه در دور اول تشکیل مجلس وجود داشته‌اند، چرا که بر اساس همان خاطرات و مستندات که وجود دارند، پس از به توپ بسته شدن مجلس، حتی پرده‌ها، فرش‌ها و چارچوب‌های درهای مجلس هم ریخته شدند.»

نگهبانان سفارت انگلیس و غارت مجلس

سید حسن تقی‌زاده از نمایندگان مجلس دوره نخست، در خاطراتش درباره به توپ بسته شدن مجلس بیان کرده است: «زمانی که پناهنده شدیم، بعد از ظهر همان روز ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶، وقتی به سفارت انگلیس [که در آن زمان نیز در چهارراه استانبول قرار داشت] رسیدیم، دیدیم که حتی نگهبانان سفارت هم که ایرانی بودند، از آنجا مطلع بودند که مجلس در حال غارت شدن است و حراست را رها کرده و به غارت مجلس رفته بودند.»

با وجود فاصله‌ای دو تا سه کیلومتری، مردم از این واقعه باخبر بودند و در روز به توپ بسته شدن مجلس نیز علاوه بر مستبدان، ارادل و اوباشی که قزاق‌ها و قشون شاهی به همراه داشتند، مردم عادی نیز در این غارت و حمله سهم بردند؛ موضوعی که در آثار و کتاب‌ها کمتر به آن توجه شده است.

بر اساس آمار، نزدیک به ۴۰۰ گلوله توپ به مجلس و مسجد سپهسالار برخورد کرد و در این میان، علاوه بر سقف و دیوارهای عمارت مجلس که خراب شدند، هر چه داخل این ساختمان بود نیز به غارت رفت! از این رو، اگر کتابی هم در آن زمان وجود داشته، به غارت رفته است؛ به گونه‌ای که «الدرد» از دیپلمات‌های آن دوره انگلستان، مقداری از این اسناد را با خود به انگلستان برد و در ملاقاتی که با سید حسن تقی‌زاده داشت، آنها را به او داد تا به ایران بازگرداند. یعنی در آن وضعیت حتی این اسناد از کشورهای دیگر نیز سرور آوردند!

دبیر شورای ارزیابی اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی در این باره می‌گوید: «طبق نخستین دفترهای ثبتی که در کتابخانه مجلس وجود دارند، مشخص است که برای نخستین بار دکتر ولی‌خان نصر پیشنهاد تاسیس کتابخانه مجلس را داد و بعدها ارباب کیخسرو از نمایندگان تهران از این پیشنهاد استقبال و مجموعه‌ای از کتاب‌های خود را برای احداث این مرکز اهدا کرد. پس از او یوسف خان احتشام‌الملک پدر پروین اعتصامی و دومین رییس کتابخانه مجلس این کتابخانه را سامان بخشید و بعدها آثار پراکنده‌ای نیز از طرف نمایندگان ادوار گوناگون که اغلب مسافرت‌هایی نیز به سایر سرزمین‌ها داشتند، کتاب‌هایی به این کتابخانه اهدا شدند که به طور دقیق آمار این آثار اهدایی پراکنده به ثبت نرسیده‌اند.» نخستین خرید کتاب در این کتابخانه متعلق به ابوالحسن جلوه است و نخستین مجموعه اهدایی به احتشام السلطنه اختصاص دارد.

علاوه بر خاطرات در اسناد داخلی و خارجی و همچنین مآخذ (تالیفات و پژوهش‌هایی که در سال‌های

اخیر صورت گرفته‌اند) به شکل مبسوطی به این موضوع پرداخته شده است. در آن زمان مامنتوف، خبرنگار روس، گزارش‌های مبسوطی از به توپ بسته شدن مجلس ارائه کرد که در خاطراتش جزئیاتی از این واقعه قابل مشاهده‌اند.

رییس مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی با اشاره به این که «از دیگر اطلاعات و اسنادی که در این زمینه وجود دارند، می‌توان خاطرات داخلی نظیر خاطراتی از نمایندگان مجلس و گواهان آن حادثه را نام برد» ادامه می‌دهد: «مستشارالدوله، مخبر السلطنه هدایت، احتشام السلطنه، سید حسن تقی‌زاده، کاتوزیان، کسروی، ملک‌زاده و... از جمله افرادی‌اند که مطالبی را در این باره عنوان داشته‌اند، همچنین در برخی از نشریات این دوره هم سرخ‌های مناسبی را می‌توان از این دوران یافت.

در خاطرات خارجی‌ان نیز اطلاعاتی از آن زمان وجود دارد. انگلیسی‌ها تا حدی برای مجلس ارزش قائل بودند که علاوه بر خبرنگاران، گاهی کاردار سفارت را نیز برای حضور در این جلسات و آگاهی از وقایع می‌فرستادند و در بسیاری از این جلسات، چرچیل که در آن دوران کاردار انگلستان بود، می‌آمد و مذاکرات مجلس را ضبط می‌کرد. این موضوعات اکنون در اسناد بریتانیا موجودند و شامل گزارش‌هایی هستند که برای وزارت امور خارجه انگلستان ارسال می‌شدند و کتابخانه مجلس اکنون در حال بازگرداندن تصویری آنها به این مرکز است. طبری عنوان می‌کند: «دسته دیگری از اسناد که از آن رویداد تاریخی ایران یاد می‌کنند، به خاطرات و اسناد نمایندگان و افرادی بازمی‌گردند که در دوره‌های بعدی با به واسطه افرادی که در آن جریان حضور داشتند، از آن رخداد مطلع شدند و آنها را به ثبت رساندند. این اطلاعات درباره نحوه به توپ بسته شدن مجلس و موضوعاتی درباره آزادی خواهان و مشروطه‌طلبانند.

ارباب کیخسرو

نخستین پایه‌گذار کتابخانه مجلس

دکتر غلامرضا فدایی، از روسای اسبق کتابخانه مجلس و استاد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران، افتتاح رسمی کتابخانه مجلس را به دوره پس از به توپ بسته شدن مجلس به دستور محمدعلی شاه می‌داند و معتقد است: «ارباب کیخسرو و شاه‌رخ نخستین کسی بود که این کتابخانه را با اهدای حدود ۲۵۰۰ جلد کتاب پایه‌گذاری کرد.»

او اضافه می‌کند: «آنها می‌خواستند با به توپ بستن مجلس، از اساس مجلسی در ایران نباشد، به همین دلیل به نظر شاید بررسی سیر تکامل کتابخانه مجلس و به توپ بسته شدن مجلس ارتباط کم‌رنگی با یکدیگر داشته باشند. در آن دوره و با وجود وقایعی که انجام شد، عده‌ای از روشنفکران و افراد خاص به فکر ایجاد کتابخانه افتادند آن را ابزاری در خدمت نمایندگان می‌دانستند. در نخستین گام، کتابخانه مجلس مخزنی برای نگهداری از کتاب‌ها و آثار بود، همراه با حوضخانه‌ای که پس از آن ایجاد شد و بخشی که اکنون کتابخانه شماره دو کتابخانه مجلس شورای اسلامی نام دارد. در آثاری نظیر کتاب‌های تاریخ مشروطه و تاریخ اواخر دوره قاجار، اطلاعات بیشتری می‌توان در این باره دست آورد.» بر اساس این داده‌های تاریخی و آرای که صاحب‌نظران این حوزه دارند، می‌توان به این نتیجه رسید که ایده تاسیس کتابخانه و حتی معدودی آثار قبل از به توپ بسته شدن مجلس وجود داشتند، اما این طرح در دوره دوم قوت یافت و کتابخانه مجلس توسط ارباب کیخسرو با مجموعه‌های اهدایی و خریدهایی که پس از آن شکل گرفت، برای استفاده نمایندگان جانی تازه یافت.



مریم مجبی

یکی از جنبه‌های آثار و کتاب‌های شریعتی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، ترجمه‌های او در عرصه علوم اجتماعی است. شریعتی، در طول دوران فعالیتش چند کتاب در این عرصه منتشر کرد که می‌توان نقش آنها را بسیار جدی دانست، چرا که در طول سال‌های پیش از انقلاب، توجه بسیار کمی به این کتاب‌ها انجام می‌شد. در متنی که در ادامه آمده با دکتر ابراهیم موحدی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و از دانش پژوهان آثار و اندیشه دکتر علی شریعتی به گفت‌وگو نشستیم.

ترجمه‌های علوم اجتماعی شریعتی در گفت‌وگو با دکتر ابراهیم موحدی

علوم اجتماعی؛ بخش در سایه اندیشه‌های شریعتی



علوم اجتماعی، به نوعی مغفول و مهجور مانده‌اند. با توجه به دو عرصه‌ای که ذکر کردید دلیل اینکه دانشگاه و حوزه از پرداختن به اندیشه‌های دکتر شریعتی اجتناب می‌کنند چیست؟

زیرا بیش از آن که تفکر شریعتی مورد تعریف و تحلیل قرار گیرد، یا اسم او مورد سوءاستفاده واقع شده یا با او مخالفت شده و مورد نقد قرار گرفته چرا که وی در جبهه دانشگاهی، علم را با دین مخلوط کرده و در جبهه حوزوی نیز اندیشه‌هایش اعتبار کلاسیک مذهبی را ندارد.

به سوال ابتدایی باز می‌گردیم. از فعالیت‌هایی که دکتر شریعتی در زمینه جامعه‌شناسی غربی انجام داده‌اند برای ما بگویید.

از فعالیت‌های او در این زمینه می‌توان به ترجمه برخی آثار غربی مانند: مغلوبین زمین (فرانسیس فانون فرانسوی)، سلمان پاک (لوئی ماسینیون)، کتاب نیایش (الکسیس کارل) و آگزستان‌نسیالیسم (ژان پل سارتر) اشاره کرد. او در کتاب «کویر» می‌گوید: «من را در فرانسه گوروچ شناس معرفی می‌کردند». گوروچ جامعه‌شناسی است که تئوری او بسیار پیچیده و برای جامعه‌شناسان ایرانی هنوز ناشناخته است. همچنین در جای دیگر می‌گوید: «من از گوروچ زیاد آموختم ولی لوئی ماسینیون به من نگرش و نوع نگاه کردن را آموخت.» دکتر شریعتی همچنین درباره مارکس اطلاعات وسیع و خوبی داشت و هنوز می‌توان در آثار او دنبال حرف‌های جدید و تازه‌ای درباره مارکس

به نظر شما آیا می‌توان گفت فعالیت‌هایی که دکتر شریعتی در حوزه کتاب‌های علوم اجتماعی انجام داده، مثل ترجمه‌هایی که از کتب جامعه‌شناسی غربی منتشر کرده، تاثیر خاص و چشمگیری بر جامعه‌شناسی در ایران داشته است؟

اگر منظور، آنچه که به صورت آکادمیک در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود باشد، نمی‌توان گفت که شریعتی در تحول علوم اجتماعی تأثیری داشته یا اگر هم این گونه بوده این تأثیر خیلی محسوس و ملموس است. زیرا اصولاً دانشگاه یا صاحب‌نظران به طور جدی و به صورت آکادمیک اندیشه‌های ایشان نپرداخته‌اند. در این زمینه تنها می‌توان به دانشجویانی که در نوشتن رساله خود از اندیشه‌ها یا جهات فکری دکتر شریعتی بهره برده‌اند اشاره کرد که ارتباط و تلاقی خط فکری وی را با الگوهای علوم اجتماعی آکادمیک مورد بررسی قرار داده‌اند. در این باره همچنین می‌توان به افرادی اشاره کرد که اندیشه‌های شریعتی را برای بررسی لایه‌های داخلی جامعه و ابعاد سیاسی آن مورد استفاده قرار دادند. به طور کلی این سوال هنوز به شکل یک مسأله بدون پاسخ باقی مانده و توضیح روشنی در فرآیندهای فعلی دانشگاه‌ها برای آن نمی‌بینیم.

با توجه به توضیحات شما در کدام بخش از کتاب‌های علوم اجتماعی (به طور اعم) باید به دنبال ردپای فکری دکتر شریعتی بگردیم؟

کتاب‌های دکتر شریعتی بیشتر در حوزه نظریه‌پردازی مسائل اجتماعی و سیاسی در عرصه جامعه تأثیر داشته که در اینجا نیز تقابلی از امواج مختلف به چشم می‌خورد. برخی با عمق آثار شریعتی آشنایی ندارند و او را تنها به عنوان یک روشنفکر مذهبی مورد تعریف و تمجید قرار می‌دهند، یا کسانی که او را مقبول ندانسته و به جهت ملاحظات مذهبی سیاسی نظریات ایشان را برای فضای جامعه نامناسب می‌انگارند. به همین دلیل متأسفانه افکار شریعتی در جامعه ما در غربت به سر می‌برد و محدودیت‌ها به اقتضای زمان‌های مختلف مانع از این شده است که تفکرات او توسط محققان علوم اجتماعی مورد بررسی علمی قرار گیرد، به طوری که نهایتاً مانند نظریات بسیاری از نظریه‌پردازان غربی که با کمک تحقیق و بررسی برخی دیگر، به یک مکتب فکری تبدیل شده، برای نظریات شریعتی نیز چنین اتفاقی نیافتاده است. به عبارت دیگر، آثار و کتاب‌های دکتر شریعتی در

مروری بر چاپ و انتشار آثار دکتر شریعتی

پس از گذشت سی و سه سال از درگذشت دکتر علی شریعتی، سری به کتابخانه‌های نسبتاً شلوغ و بنام شهر زدیم تا به دنبال پاسخی برای این سوال باشیم که «آیا هنوز تکرار اندیشه‌ها و خط فکری دکتر شریعتی را در قفسه‌ها و روی پیشخوان کتابفروشی‌ها می‌توان یافت؟»

در ابتدای اکثر این کتاب‌ها نام «انتشارات قلم» وابسته به بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی به چشم می‌خورد. از جمله آثاری که انتشارات قلم تاکنون از دکتر شریعتی به چاپ رسانده می‌توان به کتاب «تاریخ تمدن» (۲ جلد) اشاره کرد. چاپ نهم این کتاب در سال ۱۳۸۹ و ۱۵۰۰ نسخه منتشر شده است.

«اسلام‌شناسی» (۳ جلد) دیگر کتابی است که چاپ هفتم آن در ۲۲۰۰ نسخه در سال ۱۳۸۸ منتشر شد. این کتاب دربرگیرنده بخشی از درس‌های دکتر شریعتی است که در سال‌های ۵۰ و ۵۱ تحت عنوان «اسلام‌شناسی» در حسینیه ارشاد ارائه شده. همچنین چاپ نهم کتاب «ما و اقبال» که در سال ۱۳۸۴ منتشر شده بر پیشخوان کتابفروشی‌ها به چشم می‌خورد. چاپ اول این کتاب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شده بود.

دو کتاب نیز از شریعتی منتشر شده است؛ «تفسیر سوره روم» (پیام امید به روشنفکران مسئول) که سال گذشته در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه منتشر شد و کتاب

گشت. او اشراف عمیقی به نظریه مارکس داشت؛ اگرچه برخی او را یکی از برجسته‌ترین منتقدان مارکس می‌دانند.

با این که بسیاری دکتر شریعتی را به عنوان یکی از جامعه‌شناسان برجسته و نامی کشورمان می‌شناسند، چرا از وی هیچ نظریه اجتماعی دقیق و واضحی به صورت مکتوب در دسترس نیست؟

باید بدانیم که شریعتی برآیند شرایط تاریخی خودش بوده و در آن زمان بستری به آن شکل فراهم نبوده است که وی در فراغ بال، آزادی و آرامش کامل به پردازش یک نظریه اجتماعی جامع و مشخص بپردازد. باید بدانیم که شریعتی یک متفکر محض و خالص نیست، بلکه فردی است که به نیاز زمان خودش پاسخ داده و نیاز زمان او نظریه‌پردازی نبوده است. شرایطی که شریعتی در آن می‌زیسته صد و هشتاد درجه با امروز متفاوت بوده و او به عنوان یک جامعه‌شناس نمی‌توانسته انرژی خودش را تمام و کمال در خدمت جامعه قرار دهد. شریعتی در جایی می‌گوید: «بعضی از روشنفکران چپ به من پیام داده‌اند که اگر از مذهب دست برداری تبدیل به بت متفکرین جهان سوم می‌شوی!» حال آنکه نیاز آن روز، کنشگران یا پیامبرانی بوده که بتوانند راهگشای بن بست‌های اجتماعی باشند و شریعتی هم به اقتضای آن دوران و نیاز جامعه که خارج شدن از بن بست استبداد و اختناق و رسیدن به نوعی آزادی و آزادگی بوده، پاسخ داده است.

شما دلیل شهرت دکتر شریعتی را در چه می‌دانید؟

قالب زبان شریعتی، قالب محض علمی نیست، بلکه عامه‌گراست و به همین دلیل برای افشار مختلف مردم قابل فهم بوده است.

به نظر شما اگر دکتر شریعتی امروز در میان ما بود، آیا همچنان بر تفکرات و اندیشه‌های خود پافشاری می‌کرد؟

رسالت قلم و فکر و هنر روشنفکر این است که بن بست نمی‌شناسد. از نظر شریعتی علم، نور است و هر چه بر اطراف این نور حصار بسازیم، سرانجام از یک روزنه‌ای به بیرون می‌تابد و راهش را برای نفوذ باز می‌کند. کسانی که از بن بست و ناامیدی فکری سخن می‌گویند، بیش‌های عمیقی از دانش به دست نیاورده‌اند. شریعتی معتقد است اگر روشنفکر را از در بیرون کنی از پنجره وارد می‌شود! لیکن کیفیت فضا در ایجاد فرصت قابل انکار نیست.

«نامه‌ها» که در ۱۳۸۶ برای نخستین بار به بازار آمد. این کتاب در مدتی کوتاه به چاپ دهم رسید. «نامه‌ها» شامل نامه‌هایی است که دکتر شریعتی خطاب به خویشاوندان و آشنایان دور و نزدیک یا شخصیت‌های مذهبی در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۶ نوشته‌اند که برخی از آنها تحت همین عنوان (نامه‌ها) در اروپا به چاپ رسیده است.

«ابوذر» نیز از سوی انتشارات الهام در سال ۱۳۶۱ برای نخستین بار منتشر شد و چاپ چهاردهم آن در سال ۱۳۸۸ انتشار یافته است. این کتاب در دو دفتر، یکی شامل ابوذر غفاری که نخستین بار در سال ۱۳۳۴ منتشر و پس از آن مرتباً تجدید چاپ شد و دیگری مقدمه‌ای بر نمایش «یک بار دیگر ابوذر» (اجرا شده در سال ۵۱ مکان: حسینیه ارشاد) و سخنرانی قبل از شروع نمایش است.

کتاب «انسان» نیز توسط انتشارات الهام منتشر شده است. این کتاب که اکنون به چاپ دوازدهم رسیده، در سال ۱۳۶۲ برای نخستین بار منتشر شد. انتشارات چاپخش نیز دو کتاب «آثار جوانی» و «با مخاطب‌های آشنا» را منتشر کرده است. «آثار جوانی»، مجموعه ۳۶ اثر است که در سال ۸۶ برای دومین بار در ۳۱۰۰ نسخه تجدید چاپ شد.

بدین ترتیب، بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی توسط سه ناشر نامبرده (قلم، الهام و چاپخش) به تجدید چاپ و تکثیر آثار این معلم بزرگ مشغول بوده و سال‌هاست که در این زمینه فعالیت می‌کند.

یادداشت

مینو مرتاضی لنگرودی



ادامه دهنده راه سید جمال

شریعتی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار است که در تغییر و تحول نگرش سنتی به مدرن چند نسل از مردم و به ویژه زنان ایرانی نقش ویژه‌ای داشته است. مهم‌ترین ویژگی او، شخصیت دینامیک و گستردگی ابعاد وجودی او است. مسلماً پیش از شریعتی بسیاری از علما و روشنفکران مسلمان در ضدیت با سلطه استعمارگرانه و تحقیر آمیز غرب بر جهان اسلام، نظریاتی ارائه کرده و توانسته بودند تا حدودی مردم را علیه سلطه غرب بشورانند اما این شورش‌ها بیشتر از جنبه ضدیت سنتی با بیگانه صورت می‌گرفت تا این که معلول تفکر، اندیشه و اراده خود آگاهان مسلمان برای تغییر وضعیت تحقیرآمیز خویش باشد.

شریعتی بعد از سید جمال‌الدین اسدآبادی و باروشی متفاوت از او به بیدارگری، آگاهی بخشی، اصلاح و احیای اندیشه دینی در ایران پرداخت. تفاوت روش شریعتی با سید جمال در نهضت بیدارگری مسلمانان، در نوع عرصه‌ای بود که هر یک انتخاب کرده بودند.

سید جمال بیدارگری را از عرصه خصوصی و قدرت سیاسی و از بالا انتخاب کرده بود، در حالی که شریعتی عرصه عمومی را برای بیدارگری و احیای تفکر و اندیشه ایرانیان برگزیده بود. شریعتی معتقد بود نوسازی و توسعه در ایران از طریق تقلید و گرت به برداری کور از غرب امکان‌پذیر نخواهد بود و زمانی نوسازی محقق خواهد شد که مردم در درجه نخست به خودآگاهی انسانی و سپس خودآگاهی دینی، تاریخی و فرهنگی خود دست یابند و تنها پس از آن است که می‌توان از مردم توقع داشت طالب آزادی و حقوق انسانی خویش باشند. منظور شریعتی از خودآگاهی انسانی، شناخت عزت نفس و کرامت انسان بود و راهکارش برای دستیابی به این شناخت، بازگشت به خویشستن انسانی خویش است. همان خویشستن انسانی که ضعف فرهنگی استعماری غرب آن را نشانه رفته بود و سعی می‌کرد با رنگ و لعاب و مد و موسیقی و سینما و تئاتر غربی به عنوان نشانه‌های تجدد و تمدن مدرن آن را مضمحل کند و ایرانیان را از فرهنگ، باور و اعتقادات و تمدن و تاریخ زیست بومشان بیگانه سازد.

شریعتی استدلال می‌کرد، انسان خودباخته‌ای که خویشستن خویش را فراموش کرده یا از آن بیگانه شده باشد، مطلوب استعمارگران است. و چنین زن یا مردی را سرمایه داری غارتگر غربی بهتر و راحت‌تر شکار می‌کند و ثروت و سرمایه‌های فردی و ملی اش را به غارت می‌برد. به نظر من شریعتی نخستین نوآندیش دینی در دوران معاصر است که درباره زنان نقش آنان در تحولات اجتماعی دوران خویش سخن گفته است. او انسان را فارغ از جنسیتش شایسته آزادی و آگاهی می‌دانست و خودآگاهی انسانی، دینی و ... را مختص مردان نمی‌دید.

شریعتی را باید به حق از پیشگامان نوآوری و نوسازی فرهنگی در ایران بدانیم. به گونه‌ای که تأثیر آرای او بر افشار مختلف جامعه چندان بود که در فرآیند شکل‌گیری جنبش انقلابی سال ۵۷ مردم وی را یکی از معلمان انقلاب می‌خواندند. علاوه بر دانشجوین که مخاطبان اصلی شریعتی بودند، بسیاری از روشنفکران، روحانیون، بازاریان و تکنوکرات‌ها و هنرمندان تحت تأثیر شریعتی بودند و او را معلم خود می‌دانستند. در سی و سومین سالگرد شهادت شریعتی، یادش را گرامی می‌داریم.



هنری جوان و نیازمند پژوهش و تألیف

در دهه ۳۰ سر در سینماها و خیابان های تهران، رنگ ها و نورهای تند نتون رانمایش می دادند و لاله زار مرکز تجمع این بازی های نوری بود؛ از ساده ترین نقش های هندسی متحرک گرفته تا نمایش صحنه های کامل تر. اما در دهه چهل که شروع واقعی نقاشی متحرک در ایران است، نقاشی به جای این که بر کاغذ و طلق نقش ببندد، بر بوم های فلزی می نشیند و قلم و رنگ نیز همان لامپ های جیوه و تنگستن و نتون می شوند.

مرتضی ممیز در صدر پیشکسوتان گرافیک و تبلیغات و نقاشی متحرک قرار می گیرد. سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ در اداره کل فرهنگ و هنرهای زیبا، دفتری متشکل از اسفندیار احمدیه، جعفر تجارتچی، پرویز اوصالو، پطروس پالیان، اسدالله کفافی و... تاسیس شد که بخش انیمیشن را به وجود آوردند نخستین فیلم های کارتونی ایران را بنیان گذاشتند. فیلم «ملانصرالدین» در سال ۱۳۳۶ توسط اسفندیار احمدیه و نخستین فیلم رنگی نقاشی متحرک با نام «موش و گربه» توسط پرویز اوصالو از جمله این کارها به حساب می آیند.

سال ۱۳۴۴ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، جشنواره بین المللی فیلم های انیمیشن را برگزار کرد و در سال ۱۳۵۴ مرکز تجربیات نقاشی متحرک پایه گذاری شد.

سال ۱۳۵۶ رشته نقاشی متحرک در دانشگاه فارابی شکل گرفت که اکنون نیز دانشگاه های صدا و سیما و هنر، در مقاطع کاردانی و کارشناسی ارشد، این رشته را آموزش می دهند. با این حال در پرداختن به تالیفات در این حوزه از سوی نویسندگان و پژوهشگران ایرانی کمتر کار شده است.

از کتاب هایی که با این موضوع تاکنون به چاپ رسیده اند، می توان به «تاریخچه انیمیشن در ایران» اثر مهین جواهریان، «انیمیشن از نخستین گام ها تا اعتلا» اثر بهروز غریب پور، «انیمیشن دیجیتال و طراحی سه بعدی» اثر امید پرتو و «فیلمنامه نویسی برای انیمیشن» اثر میرعلیرضا دریایی اشاره کرد و بقیه آثار و منابع مکتوب در این حوزه، ترجمه شده اند، هرچند پژوهشگرانی نظیر نورالدین زرین کلک، سعید توکلیان، اردشیر کشاورزی، سارا سعیدان، شهرزاد اکرمی، محمد مهدی ضوابطی و... در این حوزه مقاله نوشته یا ترجمه کرده اند.

تاریخچه انیمیشن

انیمیشن در لغت یعنی زنده کردن، جان دادن و حرکت بخشیدن و در اصطلاح سینمایی، به فیلمی اطلاق می شود که به صورت تک فریم (قاب به قاب) گرفته می شود. هنر انیمیشن که به هنر هشتم نیز موسوم است، در آغاز قرن بیستم توسط امیل کول در فرانسه ابداع و طی دو دهه در اروپا و آمریکا متداول شد و در طول نیم قرن به بلوغ و تکامل رسید.

انایم یا انیمه که به مفهوم متحرک سازی ژاپنی است، از نصف کردن کلمه انیمیشن گرفته شده و به دنبال تکنولوژی متحرک سازی در فرانسه، آلمان، آمریکا و روسیه به وجود آمد. قدیمی ترین انیمه در سال ۱۹۱۷ شکل گرفت. نخستین فیلم بلند موجود در تاریخ انیمیشن فیلم ۶۵ دقیقه ای به اسم «ماجراهای شاهزاده احمد» در سال ۱۹۲۶ ساخته گوته رینگر، فیلمساز آلمانی است و سپس معروف ترین کمپانی سازنده فیلم های انیمیشن یعنی والت دیزنی در سال ۱۹۳۷ این هنر را با کارتون های «سفید برفی» و «هفت کوتوله» به اوج رساند.

فیلمنامه نویسی برای انیمیشن

کتاب «فیلمنامه نویسی برای انیمیشن، درس گفتارهایی مقدماتی» تألیف میرعلیرضا دریایی

اسفندماه ۱۳۸۸ توسط نشر افراز منتشر شد. این کتاب که جزو معدود کتاب های تالیفی در حوزه انیمیشن محسوب می شود، مجموعه ای است از پژوهش ها و چکیده سخنرانی های نویسنده آن در دومین و سومین جشنواره و نمایشگاه بین المللی رسانه های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که برای درس - واحدهای «آشنایی با تصویر متحرک» و «فیلمنامه انیمیشن» کارآمد است. کتاب «فیلمنامه نویسی برای انیمیشن» در پنج فصل و شامل؛ درآمدی بر انیمیشن، تکنیک های انیمیشن، مقایسه تکنیک های انیمیشن، ساختارهای فیلمنامه مصور و تکنیک های لایبراتورای تدوین، به نگارش درآمده است.

ویژگی های هنر هشتم

هر نوشتاری که بخواهد از قالب رخدادهای داستانی از شکل توصیفی به شکل تصویری تبدیل شود، به پیش طرحی تخیلی نیاز دارد که به چنین تابلویی از تصاویر، داستان مصور می گویند. داستان مصور می تواند بر اساس تجربیات دراماتیک در سینما به فیلمنامه مصور یا استوری برد (story board) تبدیل شود.

فیلمنامه مصور می تواند مانند داستان مصور کمیک استریپ (comic strip) گویای ریزه کاری های داستان باشد و به کمک جملات بیاید، با این تفاوت که توضیح حرکت چهره های نمایش و نماها، اشاره به موسیقی متن و اثرات صوتی و همچنین ترفندهای ویژه بخشی از گفتارها را حذف کند.

فیلمنامه مصور، سلسله نقاشی هایی است که نشان می دهد لحظه ها یا نماهای اصلی همراه با شکل خام پس زمینه ها و موقعیت شخصیت ها باید چگونه باشند. حتی می توان اندکی رنگ به فیلمنامه مصور اضافه کرد یا زیر صحنه ها نوشت که رنگ را چگونه باید دید. زیر هر صحنه، مدت، زمان بندی، گفت و گو، موسیقی و اثرات صوتی یادداشت می شوند که این امر موجب صرفه جویی در کار خواهد شد.

از ویژگی های انیمیشن؛ اغراق، تاخیر و تاکید است که سه اصل عمده در ایده، حرکت و صدا به شمار می رود که ضمن تأمین تفاوت کلی انیمیشن با فیلم زنده، ارزش های ویژه ای به وجود می آورد.

با توجه به دستاوردهای علوم و تکنولوژی مدرن، انیمیشن به شیوه های بی شماری تولید می شود، اما به طور کلی قالب های رایج آن که از هنرهای دیگر سود می جوید، عبارتند از انیمیشن دوبعدی (محدود، کامل)، انیمیشن سه بعدی (اجسام یا عروسک ها)، تکنیک های تلفیقی (زنده، انیمیشن و...) و انیمیشن کامپیوتری که با شیوه های متفاوت قابل اجرا هستند.

گونه های مختلف انیمیشن در ایران به چهار شکل اجرا می شوند؛ انیمیشن های تلویزیونی (کوتاه، بلند و سریال)، جشنواره ای، تبلیغاتی و سینمایی که بیشترین رشد را از نظر کمی و تا حدی هم کیفی، انیمیشن های تلویزیونی و تبلیغاتی داشته اند. از سال ۱۳۷۰ که رایانه ها به کمک تولید انیمیشن آمدند، تولید نیز بیشتر شد، اما هنوز به لحاظ کیفی در قیاس با آثار خارجی در سطح پایین تری قرار دارد.

در بخش آثار تبلیغاتی، کارها به مراتب قوی تر و با کیفیت بهتری تولید می شوند؛ در انیمیشن های جشنواره ای هم بیشترین پیشرفت از نظر موضوعی و تکنیکی صورت گرفته که اگر چه مخاطب عام ندارد، اما در دنیا، انیمیشن ایرانی را با این نام می شناسند و در این راستا هر دو سال جشنواره دوسالانه بین المللی انیمیشن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می شود.

در بخش سینمایی هم تنها دو فیلم «خورشید مصر» و «جمشید و خورشید» ساخته برداران یغمائیان و یکی



دو فیلم دیگر وجود دارند که هنوز نتوانسته اند مخاطبان زیادی را به سینماها بکشانند.

هنری جوان و نیازمند پژوهش و تألیف

در این باره نظر میرعلیرضا دریایی، مدرس و پژوهشگر حوزه انیمیشن را درباره کتاب «فیلمنامه نویسی برای انیمیشن» و روند کنونی پژوهش در این حوزه و همچنین علت کم شمار بودن تعداد تألیف و پژوهش در این حوزه جویا می شوم دریایی که کتاب های «موسیقی در انیمیشن» و «جلوه های ویژه در انیمیشن» را به تازگی به نگارش درآورده و برای چاپ آماده کرده است، تفاوت فیلمنامه انیمیشن را با فیلمنامه سینمایی چنین بیان می کند: «فیلمنامه برخلاف نمایشنامه که ارزش ادبی دارد، بر اساس هنر صنعت سینما برای فیلمبرداری نوشته می شود، به نحوی که انگار تقطیع و دکوپاژ در صحنه صورت گرفته است. این امر به گونه ای است که بر مبنای یک طرح برای کارگردان و تهیه کننده نوشته و چندین بار ویراستاری، تقطیع و صحنه بندی و در نهایت به فیلم تبدیل می شود که ممکن است بعد از مونتاژ نهایی با آخرین نسخه تصحیحی نیز تفاوت اساسی داشته باشد. فیلمنامه سینمایی در پیش تولید تهیه و لوکیشن بر اساس آن انتخاب می شود در صورتی که در تئاتر، نمایشنامه الزاما به معنای به صحنه بردن و اجرا کردن نیست، چنان که در نمایشنامه های کلازات (خواندنی) وجود دارد، اما در انیمیشن بر اساس یک طرح داستانی مشخص، ابتدا باید سبک و تکنیک ساختمان را انتخاب کرد و سپس بر اساس قالب های رایج برای آن یک فیلمنامه مصور نوشت. برخلاف سینما که عمل تدوین بعد از روی نسخه های راش انجام و ادیت می شود، در انیمیشن هنگام آماده سازی استوری برد، عمل تدوین به عنوان کارگردانی صورت می گیرد، چراکه تمامی جلوه های لایبراتورای انتقال دوپلان به همدیگر را غیر از کات (برش) باید فریم به فریم طراحی و اجرا کرد. به عنوان نمونه، برای یک دیالوگ سه ثانیه ای بین دو پلان می بایست هفتاد و دو فریم در برگیره استوری برد مشخص شود. حتی سرعت آن (کنند یا تند بودن) قبل از تولید انتخاب می شود، اما در فیلم سینمایی آنقدر دست باز است که می توان در مرحله تدوین آن را انجام داد. با این همه فیلمنامه انیمیشن و سینمایی بر مبنای چارچوب های درام شکل می گیرند.»

دریایی در پاسخ به این سوال که کتاب شما و دیگر منابع موجود چقدر بر روند ساخت و تولید، تأثیر کاربردی دارد؟ می گوید: «به یقین این منابع بر مبنای

تئوری، مباحث و نظریات انیمیشن، پژوهش شده اند و در روند ساخت فیلم ها کاربرد خواهند داشت. در ایران چند شرکت دولتی و خصوصی از جمله صبا (وابسته به سازمان صدا و سیما)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، حور، بینا فیلم، رایانه افراز، هیلدج و موج سوم به شکل حرفه ای عمل می کنند و چون هزینه ساخت و تولید فیلم های انیمیشن بالاست و قابل برگشت نیست، می بایست یک برنامه راهنمای جامع در اختیار داشته باشند، در غیر این صورت به صرفه نخواهد بود. بعد از این که یک کارگردان سبک، تکنیک و قالب ارائه اثر خود را انتخاب می کند، با توجه به امکانات شرکت های حرفه ای، استوری برد را آماده می کند که در تمامی مراحل، طراحان کلید، طراحان میانی و همچنین لی اوت من (صحنه پردازها) می توانند چشم انداز اجرایی کلان و نهایی خود را داشته باشند. پس هر یک از کارگردانان برای تهیه استوری برد و گروه اجرایی، شیوه خاص خود را دارند و بخشی از آیتم هادر تمامی این استوری بردها قابلیت تکرارپذیری می یابند؛ آیتم هایی مانند پلان، صحنه، سکانس، اندازه نما، ارتفاع دوربین، حرکت دوربین، انیمیشن روی طلق، نقشه پلان، نور، موسیقی، افکت (صوتی و تصویری) و چگونگی اتصال پلان ها به یکدیگر.»

دریایی این گونه ادامه می دهد: «به این دلیل به انیمیشن، کارتون هم گفته می شود که شیوه ای به اسم کات آوت (cut out) یا بریده مقوا وجود دارد که ساده ترین شیوه نقاشی برای حرکت روی تکه های کارتن است که بسیاری از شیوه های دیگر از نوع رفتار این گونه جابه جایی ها پیروی می کنند. این شیوه که از ابتدای تاریخ تحول انیمیشن در همه کشورهای جهان رایج بوده است، بیشتر به مسائل مربوط به کودکان می پردازد و اغلب به گروه کوچکی از هنرمندان نیاز دارد که از این بابت کار در خلوت را برای هنرمند ایجاد می کند.»

وی همچنین ابراز می کند: «تفاوت انیمیشن های کامپیوتری با انیمیشن های هنری (طراحی با قلم) مانند تفاوت های عکاسی دیجیتال و آنالوگ است که به اقتضای مدرنیسم و پست مدرنیته و با توجه به سرعت موجود که هر روز یک فناوری جدید همراه دارد، پیش می روند و لحظه ای نمی توان ایستاد و این موضوع روی تمامی ساحت های زندگی مانند انیمیشن تأثیر گذاشته است از سوی دیگر مصرف گرایی به آن هم رخنه کرده و دیگر زمان زیادی برای صرف وقت در طراحی با قلم وجود ندارد، چراکه برای هر یک ثانیه، باید ۲۴ تصویر کشید.»

این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش که «چرا پژوهش و تألیف در حوزه فیلمنامه انیمیشن کمتر صورت گرفته است؟» می گوید: «این کار البته نسبت به رشته های دیگر کمتر اتفاق افتاده، اما باید در نظر داشت که این هنر نسبت به دیگر رشته های هنری جوان تر است. دیگر این که در کشورمان به این موضوع کمتر به شکل آکادمیک پرداخته شده و کار بیشتر به شکل عملی و شرکتی جریان داشته است. ما در حوزه ترجمه، کتاب های خوبی داریم که در دهه ۶۰ و ۷۰ به چاپ رسیده اند که توزیع خوبی نداشته اند و متأسفانه چاپ مجدد نیز نشده اند. البته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس و فرهنگستان هنر اقداماتی کرده اند که می بایست اعضای هیات علمی دانشگاه ها، زمینه برابری تهیه فیلمنامه انیمیشن آماده کنند. انتشارات سمت که بیشتر منابع درسی کتاب های دانشگاهی را به چاپ می رساند نیز تاکنون چنین اقدامی صورت نداده و استادان، اغلب، ترجمه ها و جزوات را برای دانشجویان تدریس می کنند.»

نگاهی به زندگی و آثار ژان پل سارتر به مناسبت ۱۰۵ سالگی او

از طریق کلمات



در آفرینش ادبیات نمایشی سارتر از یکدیگر متمایز ساخت؛ ابتدا دوره تعهد قهرآمیز و انفرادی (اورست در نمایش مگس ها ۱۹۴۳)، آن گاه مرحله تعهد گروهی (هودر در دست های آلوده، ۱۹۴۸ و گوتس در نمایش شیطان و خدای مهربان، ۱۹۵۱) برخلاف این دو مرحله که در آنها با تعهد مثبت و سازنده سر و کار داریم، دو مرحله بعدی بازتاب بینشی منفی در مورد انتخاب بر اساس «سوء نیت» است. مرحله چهارم تئاتر سارتر برگرفته از بازی های اجتماعی است (کان در نمایشی به همین نام، ۱۹۵۳ و ژرژ در نمایشنامه نکراسوف، ۱۹۵۵) و مرحله پنجم غمناکه فریب ها و نیرنگ های زندگی است (فرانتس در نمایشنامه گوشه نشینان آلتونا ۱۹۵۹).

سارتر، آخرین روشنفکر؟

سارتر در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳) برنده نوبل ادبیات شد ولی از پذیرفتن آن امتناع ورزید و در همین سال، به ریاست سازمانی به نام دفاع از زندانیان سیاسی ایران رسید که کارش تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) ادامه داشت.

روز ۱۹ آوریل ۱۹۸۰ جمعیت انبوهی مرکب از ده ها هزار نفر که اکثر آنها را جوانان تشکیل می دادند، پیکر سارتر را تا گورستان مونپارناس مشایعت کردند؛ گواه صادقی که به دور از هیجانان ضد آلمانی بعد از جنگ، دوام نفوذ و جاذبه اجتماعی سارتر را نشان داد.

کتاب های «تهوع» و «کلمات» به عنوان آثار کلاسیک همچنان پر خواننده اند و در مورد متون نقد او باید گفت که همچنان توجه خوانندگان بسیاری را به خود جلب می کنند. در حالی که اغلب مکتب های نقد هم عصر سارتر اکنون به ورطه فراموشی سپرده شده اند.

نیست؛ یا کیفرخواستی علیه نویسنده (نقد بودلر در سال ۱۹۴۷ بیان محکومیت شاعری است که هم وجود را می خواست و هم ماهیت را) یا ستایشی پر شور از اوست. (کتاب ابله خانواده، بلند پروازی و جاه طلبی نقد سارتر را به وضوح نشان می دهد).

سارتر و رمان نویسی

رمان سارتر نشان می دهد که او آگاهانه در پی گسستن رشته پیوند خود با نسبت های رمان فرانسوی است. در این باره حتی گفته اند که رمان «تهوع» (۱۹۳۸) به نوعی آخرین حلقه زنجیره طولانی است؛ بالزاک، فلوربر، پروست و سارتر.

سارتر در مسیر خود از نفی داستان پردازی تا اختصاص جایگاهی ویژه به لحظات حساس و ممتاز، به مرحله تازه ای گام می گذارد که شاید نقطه پایان رمان باشد. در واقع اصولاً انگیزه سارتر از نوشتن رمان با اندیشه ماهیت رمان در تضاد است، زیرا او قصد دارد از رمان به عنوان قالب ادبی برای بیان حقایق و ادراکات مجرد و مطلق فلسفی استفاده کند.

سارتر و تئاتر

سارتر تئاتر را ابزار مؤثری برای جذب مخاطبان بیشتر می دانست و مایل بود که از امکانات صحنه نمایش در این جهت استفاده کند. از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۶۵، ده نمایشنامه از سارتر به نمایش درمی آید که همگی نشان دهنده آندک او و قصد دار تماشاچیان را تحت تأثیر قرار دهد.

آثار نمایشی سارتر را می توانیم به پنج بخش عمده تقسیم کنیم. غیر از نمایش «در بسته» ۱۹۴۴ که فهرمانانث در نوعی تئاتر ضد وضعیت و در دنیایی مرده محبوس و محصورنده، به ترتیب می توان دوره های مختلفی را

ادبی، داستان ها و نمایشنامه ها) نقش سیاسی مهمی را نیز بر عهده داشت. او نسبت به دنیایی که خود را در قبال آن مسوول می دانست «متعهد» بود و تحت تأثیر مارکسیسم در تمامی مبارزات جناح چپ که در آن ها از مصالحه و سازش با بورژوازی پرهیز می شد در صفوف اول جای داشت.

سارتر در تأسیس و انتشار مجلاتی مانند «عصر جدید» و «ندای خلق» تلاش کرد و همچنین سازماندهی دادگاه های خلقی را به عهده گرفت. او بارها از سوی مقامات رسمی مؤاخذه شد، اما هرگز از این بابت نگرانی به خود راه نداد. ژنرال دوگل بارها به مطایبه درباره سارتر می گفت: «ما ولتر را دستگیر نمی کنیم!» هر چند با گذشت زمان، سارتر از آرمان نویسنده شهید دست برمی دارد و حتی گاهی درباره موثر بودن ادبیات تردید می کند، اما هرگز ایمان خویش را به نوشتن از دست نمی دهد.

سارتر و نقد ادبی

سارتر در رساله های نظری خود مانند «ادبیات چیست؟» (۱۹۴۵) و «توان ادبیات در چه حد است؟» (۱۹۶۴) محدودیت های ادبیاتی را که صرفاً بر پایه اصول او مانع و هنری متکی باشند، آشکار ساخته و بر نوشتاری تأکید می ورزد که مؤثر و سودمند باشد. او در این رساله ها سوالات بنیادینی درباره نوشتار مطرح می کند؛ نوشتن چیست؟ چرا می نویسیم؟ برای که می نویسیم؟ و به این پرسش ها از موضعی کاملاً متعهدانه پاسخ می دهد: «ادبیات و به ویژه نثر در دست انسانی که نوشتن را انتخاب کرده، به منزله سلاحی است.»

او انفصال هنرمند را نیز محکوم می کند؛ «هنرمندی که صد سال در این خیال خام به سر می برد که خود را معصومانه به دست هنر خویش بسپارد». از نظر سارتر سکوت نویسندگان در برابر رویدادهای عصر خویش باعث عقیم ماندن آثار آنان و حتی خود ایشان شده است. در چنین شرایطی وضعیت نقد از دو حال خارج

اگر از دیدگاه ادبی، قرن هجدهم به ولتر و قرن نوزدهم به ویکتور هوگو تعلق دارد، قرن بیستم نیز شاید چهره نمادین خود را در وجود ژان پل سارتر بیابد، نه تنها به علت جایگاهی که او، چه در دنیای ادبیات و چه خارج از آن، به خود اختصاص داده است، بلکه به دلیل تأکید آگاهانه او بر اینکه او خود تنها از طریق کلمات وجود دارد و صرفاً از طریق کلمات می تواند سنگینی وجودش را بر زمانه اش تحمیل کند. «کلمات» عنوان گویایی است که او برای زندگینامه خود برگزیده است: «از خلال داستان زندگی ام قصد دارم داستان زمانه خود را به ثبت برسانم.» این زمانه پر تحرک و پویا و سرشار از تردیدها و دلزدگی ها به خوبی بیانگر بخش عمده تعهدات بی شمار و حتی متناقض سارتر است. او مایل است تا آنجا که ممکن است با مخاطبان بیشتری ارتباط برقرار سازد، پس با قریحه ای که دارد فلسفه را به شکل عامه پسند ترویج می کند، در عرصه تئاتر نیز به نمایشنامه نویسی موفق بدل می شود و از آنجا که نگران پسند خوانندگان خود نیز هست، سبک نگارشش را با ظرافت های کلاسیک می آراید. در زمینه سبک، او در واقع کاملاً نویسنده ای کلاسیک محسوب می شود و ظاهراً از انقلابی که در صورت های گوناگون نوشتاری در دوره معاصر روی داده، بی خبر است و از میان انواع سنتی نوشتار نیز مؤثرترین و گیرترین آنها را به کار می برد.

ژان پل سارتر در خانواده ای بورژوا چشم به جهان گشود. در دو سالگی پدرش را از دست داد و پدر بزرگش سرپرستی او را بر عهده گرفت. سارتر پس از اتمام تحصیلات خود در دانشسرای عالی به عنوان معلم فلسفه به تدریس در مدارس لوهاور و سپس پاریس مشغول شد و طی سفری به کشور آلمان، در انستیتوی فرانسه برلن به تحقیق پرداخت و در کلاس های درس فلسفه هوسرل شرکت کرد.

سارتر به موازات آثار فلسفی (هستی و نیستی، نقد عقل دیالکتیکی) و آثار ادبی (مقالات و رسالات نقد

سی و یک سال پیش، نویسنده ای هنگام ماهیگیری به طرز مشکوکی غرق می شود. همین نویسنده چند سال قبل از مرگش با نوشتن رمانی نامش را بر سر زبان ها انداخته بود. چهل سال بعد از چاپ این کتاب و ۳۱ سال بعد از مرگ مشکوک جی. جی. فارل، جایزه «من بوکر گمشده» به این نویسنده اختصاص یافته است.

فارل، نویسنده با آگاهی کامل به آداب و سنت های ایرلندی در ۲۵ ژانویه سال ۱۹۳۵ در لیورپول انگلستان به دنیا آمد و با نوشتن رمانی با عنوان «سه گانه پادشاهی» با سبک و سیاق خود به دنیای ادبیات ادای دین کرد. نام وی برای بسیاری از ایرانیان ناشناخته مانده و آثارش نیز به فارسی برگردانده نشده اند.

این جایزه که با نام جایزه «من بوکر گمشده» در دنیای امروز شناخته شده در واقع همان جایزه بوکر است. اهدای جایزه من بوکر از سال ۱۹۶۹ میلادی به نویسندگان صاحب سبک و کسانی که نوآوری های آنها در آثارشان قابل تحسین است شروع شد. در ابتدا قرار بود این جایزه هر ساله به آثاری اهدا شود که سال پیش از آن منتشر شده اند، اما دو سال بعد در سال ۱۹۷۱ میلادی، این قانون تغییر کرد و قرار بر این شد که این جایزه مختص آثار همان سال باشد. در نتیجه آثاری که در ۱۹۷۰ منتشر شده بودند قربانی این تغییر شدند. درباره آثاری که در آن سال منتشر شده بودند نه کسی صحبتی کرد و نه هیچ کس آنها را با هم مقایسه کرد.

جایزه های گمشده

برای درد سرهای یک نویسنده

در تنهایی و آرامش رودخانه، خود جان خود را بگیرد؟ دختر جوانی که هنگام پیاده روی، افتادن فارل را در رودخانه شاهد بوده، پولین فولی نام دارد. وی برای نجات فارل بسیار تلاش کرد اما کار از کار گذشته بود. نویسنده ۴۴ ساله با صخره های اطراف رودخانه برخورد کرده بود. پولین در مصاحبه اش درباره مرگ فارل این گونه می گوید: «برایم جالب بود که او داد نمی زد و حتی دست هایش را تکان نمی داد. ابتدا من جیغ زدم اما شاید فکر کرد که اگر من هم درون آب بپریم، جریان رودخانه جان هر دویمان را می گیرد. شاید برای همین تسلیم جریان آب شد!»



به نظر می رسد شگفتی دنیای ادبیات هیچ گاه طرفدارانش را تنها نمی گذارد. داستان سه گانه فارل عمدتاً در ایرلند ۹۰ سال پیش رخ می دهد و جریانات و مبارزاتی را که ایرلندی ها در راستای اهداف استقلال طلبانه خود انجام داده اند با لحنی نیمه کمدی

حالا بعد از چیزی حدود چهل سال، امپراتوری یا همان «سه گانه پادشاهی» فارل توانسته این جایزه را از آن خود کند اما دیگر نویسنده فقید حضور ندارد تا به اثرش افتخار کند. سه گانه جی. جی. فارل سه رمان با نام های «محاصره کریشناپور»، «تسلط بر سنگاپور» و «درد سرها» را شامل می شود. این نویسنده که در سن ۴۴ سالگی با مرگ ناگهانی خود، طرفدارانش را در ماتم فروبرد توانست جایزه من بوکر گمشده را از آن «درد سرها» ایش کند و از آن زمان تاکنون انگار هیچ گاه زمره هادر باره جی. جی. فارل تمامی ندارد.

پس از مرگ فارل تا مدت ها می شد نام وی را در صفحات روزنامه ها دید. آیا می شود کسی که در زمان جوانی قهرمان ورزش «راگی» بوده تنها با سر خوردن از روی قایق، درون روخانه آرامی بیفتد و به این راحتی بمیرد؟ یا تحمل دنیای پر از مشقت زمانه اش آقدر برای او سنگین بوده که خواسته

بیان می کند. این کتاب با آنکه ۴۰ سال از چاپ آن گذشته همچنان طرفداران خاص خود را دارد و بارها تجدید چاپ شده است.

«درد سرها» داستان مردی را بازگو می کند که برای دیدن دختری که قرار است همسر آینده اش شود به ایرلند بازمی گردد. «برندن آرکر» یکی از چهره های شناخته شده سیاسی زمان خود است. او در طول سفرش نه تنها متوجه می شود که انتخابش درباره همسر آینده اشتباه بوده بلکه خود را در میان درگیری های داخلی ایرلند می بیند. وی که تمامی مدت اقامتش را در هتل باشکوهی در ایرلند می گذراند به نوشتن خاطرات و مشاهداتش می پردازد. روزها می گذرد و او که تنها از پنجره اتاقش در هتل شاهد ماجراست، می بیند که چگونه استقلال طلبی مردم پایه های امپریالیسم را سست می کند. برندن هرگاه تصمیم می گیرد ایرلند را ترک کند متوجه می شود که جادویی در مبارزه مردم وجود دارد که مانع خروج وی از آن هتل می شود.

جیمز گوردون فارل که بانام جی. جی. فارل شناخته شده در زمان حیات خود توانسته بود جایزه من بوکر حقیقی را در سال ۱۹۷۳ برای رمان «محاصره کریشناپور» به دست آورد اما اعطای من بوکر گمشده به فارل، این نویسنده فقید را در کنار جی. ام. کوئتری و پیتز کری قرار داد که موفق شده اند دو بار برنده این جایزه شوند.



ناصرالدین حسن زاده بازمانده یکی از سران مجاهدین تبریز در انقلاب مشروطه، فقط یک مجموعه دار و صاحب اسناد و مدارک معتبر در تاریخ معاصر ایران و خصوصاً انقلاب مشروطه نیست. او با پشتکار و ذوق و سلیقه‌ای بسیار به جمع‌آوری دستنویس‌ها و امضاهای بزرگان و مشاهیر ایران و ایران‌شناسان نامدار جهان پرداخته و اکنون با پشتوانه‌ای غنی از اطلاعات سخت مورد نیاز، به جرگه پژوهندگان تاریخ و فرهنگ ایران پیوسته است. وی مقالات چندین در نشر دانش، پیام بهارستان و نگاه نو درباره اسناد و مدارک مشروطه نگاشته است. وی در گفت‌گویی حاضر از مجموعه نفیس و ارزشمند خود، اسناد نمایش ایران، دستنویس‌های ناشران قدیم، کارت‌پستال‌های تاریخی و نیز کتاب خاطرات حیدر خان عموآغلی به دستخط مرحوم داور وزیر عدلیه (دادگستری) دوران رضاشاه گفته است.

گفت و گو با ناصرالدین حسن زاده مجموعه دار تاریخ معاصر ایران

حراج کتابخانه بزرگان؛ خزان یک عمر تلاش

نکته دیگر این که هنوز کسی نمی‌داند که مرحوم داور نمایشنامه‌نویس هم بوده و هفت، هشت نسخه خطی از ایشان دارم که جامعه آن روز ایران رابه صورت نمایش بازتابیده است. بنده برعکس بسیاری از مجموعه‌داران که دوست دارند همه چیز را بایگانی کنند، علاقه مندم هر چه زودتر اینها را به دست چاپ بیاورم.

علاوه بر داور، اسنادی از حسین شهباشی در زمانی که معاون دادستان تهران بودند، در اختیار دارم که شامل احکام دولتی، تحقیقات خصوصی و تلگراف‌های مربوط به آن روزگار است. از علی پاشا صالح علاوه بر تعدادی از کتاب‌هایش، عبا پشمین‌اش را هم به یادگار خریدم. مهر علی اکبر داور، کراوات دکتر علی شریعتی و بسیاری از وسایل شخصی این بزرگان را از خانواده‌هایشان بازخریدم. دستخط استاد شهریار و نزدیک ۱۵ نامه از ایشان، دستخط‌ها و حدود ۲۰ نامه از عارف قزوینی، نامه‌هایی با مهر خادم ملت ستارخان و بسیاری چیزهای دیگر دارم که اکنون حتی نمی‌توانم آنها را به یاد بیاورم.

اینها را کجا نگاه می‌دارید؟

به شوخی باید بگویم بالای سرم. یکی از مشکلات مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده تا آنجا که اطلاع دارم کمبود جاست که واقعا همه ما رابه مشکل دچار ساخته و راه حلی هم برایش متصور نیست. بیشترین اسناد و مدارک در کارتن‌های مختلف خاک می‌خورند. گفتم این که گرچه امثال من دوست داریم مجموعه‌های جدید و سند‌های تازه‌ای به دست آوریم، ولی بسیارمشاق‌تریم که اینها در بین خانواده‌ها باقی بمانند و حفاظت شوند یا این که به مراکزی که جنبه ملی دارند، اهدا شوند. به شرط این که برعکس خیلی جاها در معرض دید مردم قرار گیرند و نه این که تشکیلات مختلف مثل ماینه‌را بگیرند و بایگانی کنند و بهتر است که به چاپ برسانند یا در نمایشگاه‌ها بگذارند. اکنون در طول سال یک نمایشگاه دستخط مشاهیر را در هیچ جای تهران نمی‌بینیم، درحالی که نمایشگاه اسناد فلان نویسنده یا مشاهیر و نویسندگان معاصر دانشمندان، مشاهیر و نویسندگان معاصر را می‌توان برگزار کرد. گرچه چندی قبل نمایشگاهی از آثار جلال آل‌احمد برگزار شد و متأسفانه پالتو این نویسنده به سرقت رفت، اما اگر تعداد این نمایشگاه‌ها بیشتر باشد، دیگر کسی به پالتوی جلال دستبرد نمی‌زند.

اندر قضایای کتاب و آلبیوم

از قدیم گفته‌اند که کتاب و آلبیوم ارتباط ناگسستی با یکدیگر دارند. اگر آلبیوم نباشد و به غذا مزه ندهد، چه کسی پس از آن می‌تواند کتاب بخواند. تازه اگر معلم انشاء هم در موضوعی از دانش‌آموزانش بپرسد که کتاب بهتر است یا آلبیوم، مطمئناً همه خواهند نوشت آلبیوم. اگر باور ندارید به این کارت‌پستال که توسط «کتابفروشی مظفری» تهران در تاریخ ۱۳۲۷/۵/۲۰ برای «کتابخانه محترم احمدی» شیراز فرستاده شده و توسط ناصرالدین حسن زاده در اختیار کتاب هفته قرار گرفته توجه فرمایید که ناشر نخست از ناشر دوم به جای کتاب آلبیومی تازه خواسته است:

کتابخانه محترم احمدی (شیراز) به تاریخ ۱۳۲۷/۵/۲۰: نماینده محترم: با تقدیم عرض سلام (!) متمنی است دو صندوق آلبیومی (نو) ارسال تهیه و ارسال شود. از آلبیومی کهنه خودداری شود که مصرف ندارم. در انجام خدمت حاضر، مظفریه (کتابفروشی مظفری، تهران)



آن روزگار چاپ می‌شده و حتی تعداد درخواست کتاب‌ها را قید کرده که جالب است برای شهری صد هزار نفری از سه جلد و پنج جلد تجاوز نمی‌کرده است. البته، هنوز کم خوانی گذشته ادامه دارد و گویا درصد کتابخوان تکان نخورده که البته امیدواریم تکان بخورد و بالا برود. یکی از بزرگترین آرزوهایم این است که در خانه هر ایرانی یک کتابخانه صد جلدی داشته باشیم که آنها را خوانده باشد چون بدون مطالعه و آگاهی فکر نمی‌کنم کسی به جایی برسد.

از خاطرات خود بگویید.

خاطرات من بیشتر حالت گلایه دارد و آن این که وقتی صاحب کتابخانه‌ای درمی‌گذردی گرفتار مشکلات مالی می‌شود، افراد خانواده، نخست دست به حراج کتاب‌هایی می‌زند که با زحمات و رنج‌های بسیار گردآوری شده است. در دو دهه گذشته تنها یک بار شاهد بوده‌ام که ختانی به فروش کتاب‌های خانه اعتراض کرد و کتاب‌ها در میان شادی من به داخل منزل برگشت خورد. اسناد خصوصی، گواهی تحصیلات و سایر آثار مربوط به اهل فضل و دانش هم همین سرنویشت را دارند. بسیاری از اوقات باچشم‌انگیزده‌ام شاهد بوده‌ام که اسناد خصوصی افراد سرشناس در اختیار نان‌خشکی‌ها قرار گرفته و با حسرت دیده‌ام که افراد خانواده ارزشی برای ارنیه فرهنگی بزرگ فامیل قائل نشده‌اند.

برای نگهداری این اسناد و مدارک پیشنهاد خاصی دارید؟

هنوز هم منتظریم یک سازمان فرهنگی یا دانشگاهی یا یک متولی پیدا شود و اسنادی را که با این دشواری گردآورده‌ایم در معرض دید جوانان، دانشجویان و محققان قرار دهد. بنده به هیچ وجه بخلی ندارم که مدارک خود را در اختیار پژوهشگران بگذارم و منتظرم مردم یا دانشگاهیان برای بازدید از آنها مراجعه کنند و توصیه بسیاری از استادان هم آن بوده که بکوش آنها را در معرض استفاده عموم قرار دهی.

فکر می‌کنم با ارزش‌ترین اسناد شما مربوط به داور باشد؟

البته اسناد داور خیلی مهم است. از جمله خاطرات حیدر خان عموآغلی به دستخط اوست که در ژنو به رشته تحریر درآمده و حیدر خان آنها را بازگفته و داور نوشته است که قرار است این کتاب بسیار مهم را به چاپ برسانیم که البته هنوز ناشر آن مشخص نیست.

مجلس «در سال ۱۳۸۷ که البته تعدادی از آنها در همان سال به صورت کتابی توسط همین موزه به چاپ رسید. در ضمن مقداری از اسناد را هم به خانه مشروطه تبریز اهدا کرده‌ام و بخش‌هایی را به کتابخانه‌های ملی و آستان قدس رضوی فروخته و مقداری دیگر را قرار است به کتابخانه مجلس شورای اسلامی بفروشم.

گویا اسناد و کتاب‌هایی هم از نمایش ایران در اختیار دارید؟

بله، نسخه نفیس «طیب مجبوری» اثر مولیر، ترجمه مزین الدوله نقاشباشی با دستخط خودش متعلق به سال ۱۲۹۸ که فکر می‌کنم دومین برگردان آثار مولیر باشد که چاپ نشده. نسخه بسیار خوش خطی از «بقال بازی در حضور» به همراه مقالاتی از میرزا آقاسی تبریزی و میرزا ملکم خان و ۱۰ نمایشنامه مربوط به سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۳۰ از مجموعه آقای صدیقی.

قصد دارید این کتاب‌ها و اسناد را چاپ کنید؟

قرار است اسناد موجود را طبقه‌بندی موضوعی و تاریخی کنیم و هر کدام را به موسسه‌ای بسپاریم تا در دسترس مردم و علاقه‌مندان قرار گیرد.

ارزش علمی و تاریخی این اسناد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به قول استاد ایرج افشار حتی یک ورقه گوشه تاریکی از تاریخ مارا روشن می‌سازد و خوشبختانه اکنون در ایران هر سند چاپ شده یا خطی ارزش واقعی‌اش را پیدا کرده و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی گوناگون و کتابخانه‌ها اهمیت بسیار برای این اسناد قائل‌اند. در اینجا باید اشاره کنم که از مجموعه من استادان بزرگواری مثل ایرج افشار، محمد گلبن، خانم نوش آفرین انصاری، دکتر مهدی محقق، آقای رحیم زهتاب‌فرد و دیگران بازدید کرده‌اند.

شنیده‌ایم دستنویس‌هایی از ناشران قدیمی در اختیار دارید؟

بله، اینها کارت‌پستال‌های مربوط به سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۵ هستند، چون سهل‌ترین راه دسترس کتابفروشان به یکدیگر بوده و یک طرف آن نشانی و طرف دیگر کتاب‌های درخواستی خود را می‌نوشتند. مجموعه مذکور مربوط به کتابخانه احمدی شیراز است که اخیراً تهیه کرده‌ام و به قول ظریفی الان در نوبت ماست.

خیال دارید این کارت‌پستال‌ها را چاپ کنید؟ احتمال می‌دهم اسکن کنم و در اختیار اتحادیه ناشران و کتابفروشان قرار دهم زیرا فعالیت کتابفروشان دهه ۳۰ را مشخص می‌کند و این که چه کتاب‌هایی در

کار خود را از کی و کجا آغاز کردید؟ از سال ۱۳۶۸ از پاساژ ایران در میدان انقلاب کارم را شروع کردم و به خرید کتابخانه شخصی و مجله و کتاب پرداختم.

کتابخانه چه اشخاصی را خریده‌اید؟

از افراد نامدار به علی پاشا صالح، که یک جلد از تاریخ ادبیات ایران ادوارد براون را به فارسی برگردانده، دکتر حسین گونیلی، بخشی از کتابخانه مسعود کیهان و قسمتی از اسناد مرحوم داور، وزیر دادگستری رضا شاه و بسیاری دیگر می‌توانم اشاره کنم. گفتمی است برخی از کتابخانه‌ها را از لاله‌زار خیابان منوچهری و بعضی دیگر را از ورته در گذشتگان، یا از خود آنها خریداری کرده‌ام. البته سال‌هاست کتاب‌های امضاشده توسط مولف را به هر قیمت خریده‌ام و جمع‌آوری می‌کنم. از جمله امضاهای چهره‌هایی نظیر استاد مرتضی مطهری، دکتر علی شریعتی، علامه دهخدا، استاد جلال‌الدین همایی، علامه قزوینی، پروفیسور لویی ماسینیون، جلال آل‌احمد، ملک الشعرای بهار، ناظم‌الاطباء، نفیسی، دکتر محمد مصدق، احمد کسروی، شوریده فصیح شیرازی، فروغ فرخزاد و ... در مجموعه اینجانب به چشم می‌خورد. این کتاب‌های امضادار حدود ۵۰۰ جلد هستند.

از کی به پژوهش و تحقیق پرداختید؟

خانواده‌ام از بازماندگان جناب مشه‌دی محمدصادق چزندانی از سران مجاهدان تبریز در انقلاب مشروطه‌اند و این شاید یکی از دلایل عمده کنش‌ام به تاریخ معاصر و مشروطه است. تاریخ را که مطالعه کردم، علاقه‌ام به شیفتگی انجامید، به خصوص که اسناد و مدارک معتبر و دست‌اول به دستم رسید و با خواندن کتاب‌های گوناگون و مجلات مختلف خواستم بفهمم انقلاب مشروطه چگونه آغاز شد و سرانجامش چه بود. ضمن این که همواره خاطرات این دوران از روزگار کودکی در محافل خانوادگی ما وجود داشت.

با کدام نشریات همکاری کرده‌اید؟

نشر دانش، پیام بهارستان، نگاه نو، بخارا و مجلات گوناگون دیگر.

به این ترتیب، اسنادی که در اختیار شماست، دوران معاصر را

در برمی‌گیرد؟

بیشتر سده اخیر را شامل می‌شود که به آن علاقه دارم تاریخ معاصر ایران شامل کارت‌پستال‌ها، دستخط مشاهیر، دفتر مشق‌های قدیم، اسناد معارف ایران، تلگراف‌های دوران مشروطه، تقویم‌های چاپ سنگی، نسخه‌های قاجاری و امثال آنهاست.

این مدارک و اسناد حدوداً چه تعداد هستند؟

۴۰۰ کارت‌پستال دوره مشروطه، نزدیک ۶۰۰ قطعه عکس قاجار، هزار اعلامیه از دوران مشروطه به این سو، ۲۰۰ تقویم چاپ سنگی و صد هاد دستخط از مشاهیر معاصر ایران مثل آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی، استاد مرتضی مطهری، دکتر شریعتی، مهندس بازارگان، سهراب سپهری، حاجی سیاح، پور داوود، جمال‌زاده، مصدق، جلال آل‌احمد و غیره.

چند نمایشگاه برگزار کرده‌اید؟

سه نمایشگاه در موزه عکسخانه شهر با عنوان‌های اولین کارت‌پستال‌های گرافیکی دوره قاجار در سال ۱۳۸۴، اعلان‌های مشروطه به مناسبت یکصدمین سال مشروطیت ایران در سال ۱۳۸۵ و نخستین کارت‌پستال‌های چاپ شده مشروطه به مناسبت یکصد و دومین سال مشروطه در تهران «سالگرد بمباران



نگاهی به «همبودگی آینده» و زادگاش

جستارهای جورجو آگامبن درباره آینده

چیزی می‌پردازد که از نظر او یک واقعیت اجتماعی یا سیاسی گریزناپذیر در جهان آینده است. به همین دلیل مطالعه این کتاب، اصولاً دشوار است؛ چراکه به دلیل ایتالیایی بودن نویسنده و تسلطش بر زبان لاتین و بهره‌سرنوشت‌سازی که بارها از اصطلاحات این زبان و نیز زبان یونانی می‌برد، برقراری ارتباط موثر با نوشته‌هایش چندان ساده نیست. ضمن آن که مترجم نیز از توضیح همه اصطلاحات سرباز زده و تنها به توضیح مهم‌ترین‌ها پرداخته است.

در آغاز بخش «مثال» می‌خوانیم: «آنتی نومی امر جزئی و امر کلی ریشه در زبان دارد.» ولی توضیحی درباره معنای اصطلاح «آنتی نومی» در کتاب نیست. قطعاً بخشی از مخاطبان می‌دانند که این اصطلاح به معنای ناسازگاری یا مغایرت دو جانبه است؛ ولی بخش دیگری از مخاطبان که دانش آموخته فلسفه نیستند و دلیل علاقه‌شان به آرای آگامبن، بحث‌های انضمامی او درباره اجتماعات و سیاست است، باید یک فرهنگ اصطلاحات فلسفی کنار دست خود داشته باشند و سپس به خواندن کتاب مبادرت ورزند! فهم معنای اصطلاحی چون «آنتی نومی» برای یک انگلیسی‌ یا ایتالیایی یا فرانسوی زبان، حتی اگر فلسفه نداند، چندان دشوار نیست ولی برای یک فارسی‌زبان اگر تحت آموزش نبوده باشد، دشوار است. «همبودگی آینده» در شمارگان ۱۶۵۰ نسخه از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده و قیمت آن ۲۵۰۰ تومان است.



اخلاق، جوراب‌های دیم، هاله‌ها، نام مستعار، بدون طبقات، خارج، همنام‌ها، شخینا و تیانانمن، عنوان این جستارهای کوتاه است. آگامبن در این جستارها، تلاش می‌کند اجتماع آینده را بازنمایی کند؛ جهانی که در نتیجه سوءتفاهم‌ها و اوضاع فعلی جهانی، به باور او، در پیش خواهد بود. تحلیل‌های او بارها و بارها خاصیتی زبانی و نحوی به خود می‌گیرند. برای مثال، او از ریشه‌شناسی یک واژه، طی مراحل، به بیان

هستی‌شناختی مارتین هایدگر از «بودن» در مقام یکی از ارکان ساختار بنیادین «دازاین» در «هستی و زمان» بود. هایدگر در این اثر پاسخ دادن به پرسش از «معنای هستی» را منوط به شفاف‌سازی و تحلیل هستی آن هستنده‌ای می‌داند که می‌تواند در وهله نخست از معنای هستی خود و سپس از معنای هستی به‌طور عام پرسش کند. این هستنده یا همان «دازاین» پیشاپیش در فضای پیش‌هستی‌شناختی‌ای به‌سرمی‌برد که واجد ساختار بنیادین «در جهان بودن» است؛ ساختاری که هرچند «کلی پیوسته» است، اما از دیدگاه‌های گوناگون، عناصر سازنده متفاوتی دارد که یکی از آنها، همان «بودن» است.

همان‌طور که اشاره شد، یکی از موثرترین متفکران بر آرای آگامبن، ژان لاک نانسی بوده است. وی در سال ۱۹۸۰ به همراهی دوست و همکارش لوکو. لاباتر، موسسه‌ای با عنوان «مرکز پژوهش فلسفی در بابا امر سیاسی» را راه‌اندازی کرد که اعضای شناخته‌شده‌ای چون کلود لوفور و آلن بادیو در آن عضویت داشته‌اند. این مرکز در سال ۱۹۸۴، یعنی چهار سال بعد، منحل شد. جراح‌باشی در ادامه این مقدمه، مهم‌ترین رؤس نظریه‌ناسی را شرح می‌دهد و چگونگی تأثیرپذیری آگامبن را از او مشخص می‌کند.

«همبودگی آینده» مشتمل است از گفتارها و جستارهای کوتاه و هرسان، از برزخ، مثال، جای گرفتن، فراغت، اهریمنی، بارتلی، اصلاح‌ناپذیر،

«همبودگی آینده» که اگر می‌خواست دقیق‌تر ترجمه شود، شاید بهتر بوده «جامعه یا اجتماع آینده»، «اشتراک آینده»، «هماندی، وحدت یا شباهت آینده» برگردانده می‌شد، اثری است از جورجو آگامبن، فیلسوف ایتالیایی. وی بهمن ماه سال ۱۳۸۲ در ایران حضور یافت و سخنرانی‌هایی ارائه داد که مهم‌ترین‌شان در دانشگاه شهید بهشتی ایراد شد. مترجم کتاب، فواد جراح‌باشی در مقدمه ۱۰ صفحه‌ای خود، مهم‌ترین سرچشمه‌های اندیشه‌های آگامبن را توضیح داده است. به هر حال عنوان «همبودگی» بیشتر برابر اصطلاح «کواگزیتانس» است.

مفهوم همبودگی در تاریخ اندیشه سیاسی غرب، سابقه‌ای طولانی دارد. این مفهوم در زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی گوناگون به‌انحای مختلفی از جمله آرمان‌شهر افلاطونی، همبودگی مومنان صدر مسیحیت، جامعه‌بی‌طبقه... نمود یافته است؛ نمودی گاه بر پایه نوعی اندیشه فلسفی نیرومند و مضامین انتقادی پیشرو و گاه آغشته به احساسات نوستالژیک و واپس‌گرا. از این رو در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ و در متن فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پایان جنگ سرد و آغاز سیطره امپراطوری فردگرای نولیبرال، اندیشیدن به همبودگی در هیات آثار ژان لاک نانسی، مورس بلانشو و جورجو آگامبن، در اندیشه سیاسی، انتقادی اروپا مختصات تازه‌ای یافت.

در سطح نظری، یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این صورت‌بندی‌های نو، تفسیر

گزارش آماری هفته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات زبندگان دانش با بیست و شش عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ جلیل‌الله محمدی با پنج عنوان پرکارترین مولف؛ و محمود مزینانی با هفت عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۱۶/۲/۸۹ تا چهارشنبه ۱۹/۲/۸۹، ۱۰۲۹ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع کودک و نوجوان و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، دین، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

| ردیف | موضوع | تعداد کل | تالیف* | ترجمه | چاپ اول | تجدید چاپ | تهران | شهرستان | شمارگان متوسط صفحه |
|------|----------------------|----------|--------|-------|---------|-----------|-------|---------|--------------------|
| ۱ | کلیات | ۳۲ | ۲۶ | ۶ | ۱۷ | ۱۵ | ۲۸ | ۴ | ۲۲۲۱ |
| ۲ | فلسفه و روانشناسی | ۴۰ | ۲۳ | ۱۷ | ۱۸ | ۲۲ | ۳۰ | ۱۰ | ۲۴۵۴ |
| ۳ | دین | ۱۲۸ | ۱۱۳ | ۱۵ | ۶۸ | ۶۰ | ۴۸ | ۸۰ | ۴۸۶۲ |
| ۴ | علوم اجتماعی | ۱۲۶ | ۱۰۰ | ۲۶ | ۵۴ | ۷۲ | ۱۰۹ | ۱۷ | ۲۳۸۰ |
| ۵ | زبان | ۳۴ | ۲۸ | ۶ | ۸ | ۲۶ | ۳۱ | ۳ | ۲۵۹۱ |
| ۶ | علوم طبیعی و ریاضیات | ۴۵ | ۳۷ | ۸ | ۲۲ | ۲۳ | ۳۶ | ۹ | ۱۹۰۵ |
| ۷ | علوم عملی | ۱۶۸ | ۱۳۰ | ۳۸ | ۹۳ | ۷۵ | ۱۰۰ | ۶۸ | ۲۱۳۶ |
| ۸ | هنر | ۳۵ | ۲۱ | ۱۴ | ۱۴ | ۲۱ | ۳۴ | ۱ | ۲۰۵۴ |
| ۹ | ادبیات | ۱۵۱ | ۱۲۵ | ۲۶ | ۹۶ | ۵۵ | ۹۶ | ۵۵ | ۱۹۲۵ |
| ۱۰ | تاریخ و جغرافیا | ۵۴ | ۴۶ | ۸ | ۲۳ | ۳۱ | ۳۹ | ۱۵ | ۲۳۵۴ |
| ۱۱ | آموزشی و کمک‌درسی** | ۴۱ | ۴۱ | ۰ | ۲۱ | ۲۰ | ۳۰ | ۱۱ | ۲۷۰۰ |
| ۱۲ | کودک و نوجوان | ۱۷۵ | ۱۰۷ | ۶۸ | ۹۹ | ۷۶ | ۱۵۲ | ۲۳ | ۵۲۳۳ |
| | جمع بندی | ۱۰۲۹ | ۷۹۷ | ۲۲۲ | ۵۳۳ | ۴۹۶ | ۷۳۳ | ۲۹۶ | ۲۷۳۷ |

* «تالیف» به تمامی آثاری اطلاق می‌شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، ترمیم، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک‌درسی» کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ایتالیایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش‌آموزان از پیش‌دستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

| شاخص‌ها | مقدار | مشخصات کتاب‌ها |
|------------------|------------|--|
| گرانترین کتاب | ۹۰۰۰۰ ریال | دانشنامه موضوعی دانش و فناوری؛ نور و انرژی؛ نعمت‌الله گسستیان؛ ناشر: مینکران؛ چاپ ۱؛ ۱۴۸ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۱۹ مرتبه | آموزش نماز برای نوجوانان؛ محمدحسین فلاح‌زاده؛ ناشر: ستاد اقامه نماز و احیای زکات؛ ۱۰۴ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه؛ ۸۰۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۱۵۰۰۰ نسخه | حضرت داود (ع)؛ اسماعیل هنرمندنیاز؛ ناشر: سایه‌گستر؛ چاپ ۳؛ ۱۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال |
| کمترین شمارگان | ۵۰۰ نسخه | 5 SHLY ub #Hlfm ub 2؛ ناشر: ارکان دانش؛ چاپ ۱؛ ۴۲ صفحه؛ ۱۰۰۰۰ ریال |
| بیشترین صفحه | ۱۹۶ صفحه | نمایش آفتاب؛ داستان‌هایی از دیدار حضرت مهدی (ع)؛ محمدتقی اختیاری؛ ناشر: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه؛ چاپ ۴؛ ۳۳۰۰۰ نسخه؛ ۴۱۰۰۰ ریال |

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

| شاخص‌ها | مقدار | مشخصات کتاب‌ها |
|------------------|-------------|---|
| ارزاترین کتاب | ۱۷۰۰۰ ریال | صلاوت، تایش لطف و بارش برکات؛ سیدمحمد ضیاء‌آبادی؛ ناشر: موسسه بنیاد خیریه الزهرا (ع)؛ چاپ ۴؛ ۶۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه |
| گرانترین کتاب | ۲۵۸۰۰۰ ریال | مرجع کامل امواج الیوت؛ فارکس، هیوجز، سهام و... به همراه راهنمای نرم‌افزار شمارنده امواج؛ علی محمدی؛ ناشر: اراد کتاب؛ چاپ ۱؛ ۴۶۶ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۶۷ مرتبه | فارسی عمومی؛ برگزیده‌ی متون زبان فارسی و آیین نگارش؛ ناشر: چشمه؛ ۴۰۴ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ ۷۵۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۳۰۰۰۰ نسخه | نماز شب برای همه؛ حسین دلیلی؛ ناشر: حرم؛ چاپ ۵؛ ۶۴ صفحه؛ ۳۵۰۰ ریال |
| کمترین شمارگان | ۴۵ نسخه | ارزیابی آسیب‌پذیری ساختمانهای فلزی شهر زنجان (ارائه طرح مقاوم‌سازی و ارزیابی اقتصادی آن)؛ سید هاشم موسوی؛ ناشر: استانداری زنجان، معاونت برنامه‌ریزی؛ ۲۱۶ صفحه |
| بیشترین صفحه | ۱۳۱۴ صفحه | کلیات سعدی؛ گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید، قطعات، مقدمه‌ی بیستون، رسایل و هزلیات؛ ناشر: سایه‌گستر؛ چاپ ۲؛ ۲۲۰۰ نسخه؛ ۱۴۰۰۰ ریال |
| کمترین صفحه | ۸ صفحه | شیوه‌های تقویت هوش نوزاد ۶-۳ ماهه؛ آموزش پیدا و پنهان؛ بناتریس میلیتر؛ طاهره طالع‌ماسوله؛ ناشر: با فرزندان؛ چاپ ۱۷؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۵۰۰ ریال |

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

| شاخص‌ها | مقدار | مشخصات کتاب‌ها |
|------------------|-------------|---|
| ارزاترین کتاب | ۱۶۰۰۰ ریال | تاریخ و جغرافی و علوم اجتماعی؛ پونه زلیلیان‌سیاح؛ ناشر: راهنما؛ چاپ ۱؛ ۴۸ صفحه؛ ۱۵۰۰ نسخه |
| گرانترین کتاب | ۱۰۰۰۰۰ ریال | پرش‌های چهارگزینه‌ای شیمی پیش‌دانشگاهی (۲)؛ رضا بابایی؛ ناشر: مینکران؛ چاپ ۱؛ ۶۴؛ ۴۶۰ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۹۸ مرتبه | مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده کنکور عمومی و پایه یا پاسخ‌های کامل تشریحی؛ مطابق با آخرین تغییرات کتب درسی؛ ناشر: نویسنده پژوهش؛ ۳۶۴ صفحه؛ ۷۵۰۰ نسخه؛ ۷۹۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۱۰۰۰۰ نسخه | دروس طلایی دوم دبستان؛ گروه‌موفقان؛ ناشر: کانون گسترش علوم؛ چاپ ۷؛ ۲۷۰ صفحه؛ ۲۳۰۰۰ ریال |
| کمترین شمارگان | ۱۰۰ نسخه | شرح جامع تغذیه و بهداشت مواد غذایی؛ کتابی مناسب برای دانش‌آموزان سال سوم و داوطلبان کنکور کاردانی پیوسته رشته تربیت بدنی؛ توضیح درس و نکات با روش ساده؛ بتول ضیائی‌مویذ؛ ناشر: زبندگان دانش؛ چاپ ۱؛ ۱۷۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال |

| تعداد ناشران در این هفته | تعداد پدیدآورندگان | تعداد کتاب‌های افست | |
|--------------------------|--------------------|---------------------|----|
| | | مرد | زن |
| ۴۲۳ | ۱۲۳ | ۶ | ۵۴ |

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم.



سایت «بیاض»، کتابخانه دیجیتال نسخ چاپ سنگی، نشریات و... به نشانی اینترنتی www.bayaz.ir مجموعه‌ای شامل نسخه دیجیتال کتاب‌های چاپ سنگی است. هدف کلی از راه‌اندازی این کتابخانه جمع‌آوری منابع قدیمی است که دسترسی به اصل آنها برای محققان مشکل است. نخستین گام این سایت در تحقق چنین هدفی، جمع‌آوری کتاب‌های چاپ سنگی در ایران بوده است. اکنون حدود یازده هزار نسخه کتاب چاپ سنگی اسکن و فهرست نویسی در سایت قرار داده شده است. دسترسی به این کتابخانه دیجیتال برای همه آزاد است. شما می‌توانید در بخش چاپ سنگی نام کنید و لینک به روزرسانی‌های این سایت را از طریق ایمیلتان دریافت کنید؛ اخباری از قبیل قرار داده شدن نسخ جدید در این کتابخانه دیجیتال یا راه‌اندازی بخش‌های جدیدی در این وب‌سایت. در گفتگویی که با ولی هوشیاری، مدیر سایت بیاض انجام داده‌ایم او درباره امکانات و برنامه‌های بعدی این کتابخانه دیجیتال سخن گفته است.

گفت و گو با ولی هوشیاری، مدیر کتابخانه دیجیتال بیاض

دیجیتالی کردن نشریات نیازمند حمایت مالی است

در این قضیه، معرف ما نوع کاری بود که ارائه کرده بودیم. شما وقتی با یکی دو کتابخانه کار می‌کنید و کار خوب به آنها تحویل می‌دهید، سرآغازی است برای کار در کتابخانه‌های دیگر. ما این کار را برای بیشتر کتابخانه‌ها رایگان انجام داده‌ایم. آنها وقتی می‌بینند منابعشان با کمترین زمان و بدون کوچکترین صدمه‌ای تبدیل به فایل‌های دیجیتال می‌شود کار را می‌پذیرند و انجام می‌دهند. در بحث نشریات هم همینطور است. وقتی کتابخانه‌ای می‌بیند که می‌تواند منابعش را اسکن و آرشیو و امکان دسترسی به آنها را آسان کند، چرا این کار را انجام ندهد؟

آیا برای انجام این کار تا این مرحله از حمایت‌های مالی استفاده کرده‌اید؟ پیش آمده بخشی از کار را به خاطر نداشتن هزینه لازم، نیمه‌کاره رها کرده باشید؟

ما تا این لحظه هیچگونه حمایت مالی نداشته‌ایم، چه در زمینه چاپ سنگی‌ها و چه در زمینه نشریات، همه با هزینه‌های شخصی انجام شده است. فعلا در زمینه چاپ سنگی‌ها هزینه‌های آنچنانی لازم نیست و کارش در حال انجام است؛ اما در زمینه نشریات به دنبال این هستیم که ببینیم آیا کسی مایل به سرمایه‌گذاری هست یا نه. چون هم برنامه‌اش نوشته شده و هم تصاویر به دقت و بر اساس عنوان، سال، شماره و... آرشیو شده است، اما هنوز نتوانسته‌ایم عملاً کاری انجام بدهیم.

هزینه‌ای که برای این کار صرف شود، در درازمدت تامین منابع شد. اکنون بسیاری از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری به این منابع احتیاج دارند. من می‌دیدم دانشجویانی را که از شهرستان‌ها برای استفاده از این نشریه‌ها به کتابخانه می‌آمدند و در نهایت هم اجازه داشتند از تعداد محدودی نشریه استفاده کنند. یا مثلا نمی‌توانستند از نشریه‌ای بهره ببرند، چون کاغذش پوسیده شده و از بین رفته بود. در بحث‌های فرهنگی، سازمان‌های دولتی با کمی وسواس همکاری می‌کنند. در نتیجه کسانی که این کارها را انجام می‌دهند یا با هزینه شخصی است یا از روی علاقه. اگر کسی پیدا شود که در زمینه مالی ما را حمایت کند، بخش نشریات هم می‌تواند به پایگاهی تبدیل شوند که همه نشریات ایران را در خودش جا بدهد.



نخستین کار ما در زمینه چاپ سنگی‌های کتابخانه مجلس بود. بعد هم کتابخانه‌های دایره‌المعارف، آستانه حضرت معصومه(س)، شاه چراغ و... را جمع‌آوری کردیم. در بخش دوم کارمان در زمینه چاپ سنگی، با کتابخانه آستان قدس رضوی وارد مذاکره شده‌ایم که کتاب‌های چاپ سنگی آنجا را فهرست کنیم. یعنی قصدمان این است که کتاب‌های چاپ سنگی را کامل کنیم. این نکته باعث می‌شود تعداد نسخه‌های بیشتری در سایت فهرست شوند. تحقق این مسأله شناسایی نسخه‌های بیشتری را می‌طلبد، چرا که آنچنان که باید در بحث کتاب‌های چاپ سنگی، کار نشده است. اما در بحث نشریات خیلی هزینه بالا است و ما نیاز داریم تا یکی از مراکز فرهنگی به کمک ما بشتابد. اگر ما بتوانیم این بخش را کامل کنیم، فرصت خوبی را برای پژوهش فراهم کرده‌ایم. دسترسی شما به این منابع دست اول چطور است؟ آیا در این زمینه با درک کافی از نتایج کار با شما همکاری می‌شود؟

شکل‌گیری این کتابخانه دیجیتال از ابتدا تاکنون چه روندی را طی کرده است؟

هدف ما این بوده که تمام کتب چاپ سنگی را که در ایران چاپ شده جمع‌آوری کنیم. فرایند کار به این شکل بوده که در ابتدا به شناسایی همه چاپخانه‌هایی که در ایران وجود دارند بپردازیم. دیگر اینکه از این طریق توانستیم تمام مولفانی را که کتاب چاپ کرده‌اند در این سایت معرفی کنیم، در حدی که سایت به پایگاه مرجعی تبدیل شود و هر کسی که در جستجوی کتاب چاپ سنگی است، سراغ آن بیاید. اهمیت کتاب‌های چاپ سنگی نیز بر کسی پوشیده نیست. از سال که نخستین چاپ سنگی در ایران انجام شد و این نوع چاپ رواج پیدا کرد، دیگر کسی نسخه خطی نمی‌نوشت و بیشتر کتاب‌ها چاپ سنگی بودند که این نخستین گام ما بود.

هدف‌ها و گام‌های بعدی تان برای گسترش قابلیت‌ها و خدمات این سایت چه خواهد بود؟

در دومین قدم، نشریات قبل از انقلاب را که دسترسی به آنها برای مولفان خیلی کمتر و اساساً مورد نیاز آنهاست در این سایت جمع کردیم. این فعالیت از سال ۱۳۸۴ شروع شد و اکنون هزار و پانصد عنوان نشریه شامل روزنامه، ماهنامه، هفته‌نامه و فصلنامه در این بانک اطلاعاتی قرار دارد. در این بخش شما می‌توانید از نخستین روزنامه کشور که کارش را از صد و هفتاد سال و با عنوان «کاغذ اخبار» شروع کرد، تا نشریاتی را که در سال ۱۳۶۰ منتشر می‌شدند مشاهده کنید. البته و به طور قطع، هنوز ما این نشریات را به طور کامل جمع‌آوری نکرده‌ایم، اما تلاشمان بر این بوده که تقریباً تمام روزنامه‌ها و نشریات را جمع کنیم. البته یکسری مجلات و فصلنامه‌ها مربوط به سال‌های بعد از ما تا سال ۱۳۸۵ را در بر می‌گیرد، در این مجموعه قرار داده‌ایم که مطبوعات روز را نیز از دست ندهیم. اکنون می‌توان دو میلیون صفحه نشریه را در داخل این سایت جستجو کرد.

برای چاپ سنگی‌ها چه برنامه‌ای دارید؟ آیا همه نسخه‌های موجود را جمع‌آوری کرده‌اید؟

درباره چاپ سنگی‌ها ما به صورت درازمدت برنامه ریزی کرده‌ایم.

گفت و گو با مدیر سایت فروش اینترنتی کتاب، «بخوان دات کام»

خریداران از پرداخت آنلاین استقبال می‌کنند

کتاب‌های موجود در سایت را می‌بینند، کتابی را که بخواهند به سبد خریدشان اضافه می‌کنند و آن را به ما سفارش می‌دهند.

سیستم پرداخت‌ها توسط مشتری‌ها به چه شکل است؟

پیش از این، پرداخت‌ها از طریق ارسال پول یا واریز به حساب انجام می‌شد اما در حال حاضر با راه‌اندازی بخش پرداخت آنلاین، این کار با سهولت بیشتری انجام می‌شود.

استقبال بازدیدکنندگان سایت از انجام خرید اینترنتی کتاب تا چه اندازه است؟

مردم هنوز هم ترجیح می‌دهند که کتاب‌ها را از کتابفروشی بخرند. البته دلایل زیادی دارد. مثلاً

گاهی به روز نبودن اطلاعات سایت‌ها در زمینه موجود بودن یا نبودن کتاب، یا قیمت کتاب‌ها که در چاپ‌های مختلف با هم فرق می‌کند، باعث می‌شود که مشتریان اعتراض کنند و بخواهند خریدشان را از خود کتابفروشی انجام بدهند. اما اینها خطاهایی اجتناب‌ناپذیر است.

البته از زمانی که دریافت و پرداخت‌ها به صورت آنلاین انجام می‌شوند استقبال مردم هم بیشتر شده. یعنی خریداران ترجیح می‌دهند مراحل سفارش تا مرحله پرداخت را به راحتی و با کمک رایانه‌هایشان انجام دهند.

سایت بخوان دات کام با هدف ایجاد سرعت و آسانی دسترسی به کتاب توسط «سازمان فرهنگی فرا» راه‌اندازی شده است. با مراجعه به این سایت به نشانی www.bekhan.com می‌توانید کتاب‌های مورد نظر خود را در زمینه‌های مختلف به صورت الکترونیکی خریداری کنید و در نشانی درخواستی خود تحویل بگیرید. در این سایت می‌توان به مجموعه‌ای از کتاب‌های ایرانی با موضوعات مدیریت، ادبیات، کودکان، اجتماعی و... دسترسی پیدا کرد. ماندانا عاطفی، مدیر این سایت درباره خدماتی که «بخوان دات کام» ارائه می‌کند گفت و گویی با ما انجام داده است.

لطفاً درباره ویژگی‌های سایت بخوان دات کام و نحوه سفارش و فروش کتاب از طریق این سایت صحبت کنید.

سایت ما یک سایت فروش اینترنتی کتاب است که علاوه بر کتاب‌های انتشاراتی خودمان، سازمان فرهنگی فرا، کتاب‌های انتشاراتی‌های دیگر را هم در معرض فروش بازدیدکنندگان سایت قرار می‌دهد.

مجموعه بخوان دات کام با بیش از بیست هزار عنوان کتاب و همکاری با پانصد ناشر، خدمات فروش اینترنتی کتاب را انجام می‌دهد. کاربران

گفت و گو با مدیر روابط عمومی سایت «آی کتاب»

آی کتاب سایت تبلیغ کتاب است

چاپ شده‌ها که موجود است را به نمایش می‌گذارد. گفتید عمده کاری که سایت انجام می‌دهد تبلیغ کتاب است. تبلیغات شما دقیقاً به چه شیوه‌ای انجام می‌شود؟

ما در سایت، کتاب‌های ناشرانی را که با آنها همکاری داریم، تبلیغ می‌کنیم. به این ترتیب که تصویر اسکن شده جلد کتاب را همراه توضیحاتی درباره ناشر، نوبت چاپ، اسم نویسنده و مترجم و... در صفحه قرار می‌دهیم. حتی چند خطی از نوشته داخل کتاب را هم برای معرفی بیشتر با این اطلاعات همراه می‌کنیم. مشتری می‌تواند در عین آن که مستقیماً با ناشر یا فروشنده کتاب تماس بگیرد کتاب را از طریق سایت سفارش بدهد و آن را تهیه کند.

درباره کتاب‌های خارجی‌ای که سفارش می‌گیرید هم صحبت کنید. کتاب‌ها را به چه شکل تهیه می‌کنید و استقبال مردم از آن چگونه است؟

ما تنها نماینده رسمی سایت فروش کتاب آمازون در ایران هستیم و تبلیغات مربوط به کتاب‌هایی که در این سایت به فروش می‌رسند را در سایت خودمان قرار می‌دهیم، سفارش‌ها را از مشتری‌ها می‌گیریم و کار انتقال و پست کتاب را برای آنها انجام می‌دهیم. با وجود آن که هنوز هم خرید از کتابفروشی‌ها بیشتر مورد علاقه و استقبال مردم است، اما خرید آنلاین و اینترنتی کتاب هم توانسته است تا حدی در میان علاقه‌مندان کتاب جا باز کند.

سایت اینترنتی آی کتاب به نشانی www.iketabi.ir بیش از هفت سال است که با ارائه خدمات الکترونیکی در زمینه کتاب به فعالیت مشغول است و تبلیغ و فروش کتاب، از عمده فعالیت‌های این سایت به حساب می‌آید. آی کتاب یکی از قدیمی‌ترین سایت‌های تبلیغ و فروش اینترنتی در ایران به حساب می‌آید و می‌تواند در آن، اطلاعات اولیه مربوط به کتاب‌های مختلف را همراه تصویر اسکن شده‌ای از جلد کتاب‌ها مشاهده کرد. قاسم ملک‌زاده، مدیر روابط عمومی این سایت در گفت و گو با کتاب هفته درباره خدمات آی کتاب توضیحاتی ارائه کرده است که می‌خوانید.

سایت «آی کتاب» چه فعالیت‌هایی را در اولویت برنامه‌هایش دارد؟

آی کتاب به عنوان یک سایت اینترنتی تبلیغ و فروش کتاب به عنوان یک مرجع به روز و قابل توجه برای کتاب‌های ایرانی و خارجی به حساب می‌آید. عمده فعالیت این سایت تبلیغ کتاب است. شما به محض ورود به سایت، فهرستی از کتاب‌های پیشنهادی را می‌بینید که تصاویر اسکن شده از جلد آنها هم همراه توضیحاتی در کنارشان آمده است. همچنین فهرستی از جدیدترین کتاب‌های ورودی در نیمه پایینی سایت وجود دارد که کتاب‌های تازه



فرناز میری

روایت اول شخص

شعر با صدای شاعر

■ علی باباچاهی، شاعر



«پیکاسو در آب های خلیج فارس» دربرگیرنده حدود ۶۰ قطعه شعر، «فقط از پریان دریایی زخم زبان نمی خورد» دربرگیرنده ۵۴ قطعه شعر، همراه دو مصاحبه منتشر شده از من در مطبوعات و «امضای یادگاری» (کتاب و لوح فشرده با صدای خودم) آخرین مجموعه شعرهای من هستند که به ترتیب توسط انتشارات ثالث، نوید شیراز و مرکز نشر تحقیقات نظری اصفهان منتشر شده‌اند.

«امضای یادگاری» منتخبی از شعرهای سه مجموعه «نم بارانم»، «عقل عذایم می دهد» و «قیافه ام که خیلی مشکوک است» مربوط به دهه ۷۰ است.

اما دو دفتر شعر دیگر، یکی به نام «هوش و حواس گل شب بو برای من کافی است» توسط نشر ثالث در دست چاپ است و دیگری با عنوان «این هم یک شوخی بود» به صورت دوزبانه (انگلیسی - فارسی) با ترجمه سعید سعیدپور و توسط نشر ویستار مراحل اداری انتشار را طی می کند.

همچنین چاپ دوم «گزاره های منفرد» (سه جلد) در ۱۵۰۰ صفحه از سوی نشر دیپناه در دست انتشار است. این کتاب که چاپ نخست آن در سال ۱۳۸۰ منتشر شده بود به تحلیل و بررسی تحولات جریان های شعری پس از انقلاب پرداخته است.

انتشارات تحقیقات نظری اصفهان نیز جلد نخست «درنگ» (کتاب - مجله) را به حیات ادبی من اختصاص داد. این اثر با سالشمار دقیق زندگی من همراه است و زیر نظر محمد لوطیج و به همت حمیدرضا شمشجوانی، هفته گذشته منتشر شد. بسیاری از شاعران و منتقدان در این کتاب - مجله مطالبی درباره شعرهای من نوشته اند و همچنین ترجمه چند شعر از کتاب «این هم یک شوخی بود» توسط سعیدپور در آن گنجانده شده است. همچنین لوطیج کتابی با عنوان «علی باباچاهی در وضعیت دیگر» را توسط نشر ثالث در دست چاپ دارد. همان طور که نام کتاب نیز گویاست، این اثر به زندگی و فعالیت های ادبی من اختصاص دارد.

در کنار فعالیت هایم در حوزه شعر و نقد شعر، سه شنبه هر هفته «کارگاه شعر» برگزار می کنم و شاعران و علاقه مندان حوزه شعر در این کارگاه شرکت می کنند.

داستان های کوتاه چینی

■ گیتا حجتی، مترجم آثار کودک و نوجوان

«دایره المعارف بزرگ پرسش ها و پاسخ ها» نوشته جان فاردون، یان جیمز، جنی جانسون، آنجلارویستون، فیلیپ استل و مارتین والتر برای گروه سنی نوجوان توسط انتشارات رسالت قلم و «دانستنی های مصور کودکان» اثر کالین کینگ و جین ایوت توسط نشر پیام آزادی، آخرین ترجمه های من بودند که منتشر شده اند. این دایره المعارف ها به بهترین شکل، اطلاعات علمی را با تصاویر رنگی و زبانی بسیار ساده به کودکان و نوجوانان منتقل می کنند.

البته مجموعه ۶ جلدی «جغرافیای سیاره ما» نوشته کاترین چان-بیز و نیکولاس لاپتهورن که اثری است در ارتباط با اقیانوس ها، دریاها، جزیره ها، کوه ها، رودخانه ها، دریاچه ها و بیابان های با ترجمه من توسط انتشارات دلهام منتشر شد. مطالب این مجموعه ها مانند کتاب های درسی و آموزشی نیستند. در واقع موضوعات مطرح شده در آنها جدیدند و شیوه پرداختن به آنها به گونه ای است که برای بچه ها جذابیت ایجاد می کند. بر

همین اساس کتاب های مناسبی برای گروه سنی نوجوان به شمار می روند. شاید در آینده نیز تمامی ۶ جلد این مجموعه را در یک کتاب منتشر کنم.

همچنین سه جلد از مجموعه «بچه های جستجوگر بدانند» با ترجمه من و عناوین «شکارچیان وحشی»، «جادوگران و شعبده بازان» و «اشباح و هیولاها» توسط انتشارات گام روانه بازار نشر شد که دو کتاب نخست نوشته کلر اولیور و کتاب بعدی اثر جیسون پیچ است. اکنون هم یک کتاب را برای بزرگسالان در دست انتشار دارم، مجموعه داستانی از بی یون لی، نویسنده چینی تبار مقیم آمریکا که برنده جایزه گاردین، همینگوی و پن بوده است. این مجموعه که با عنوان احتمالی «بعد از عمری» منتشر می شود ۱۰ داستان کوتاه را دربرمی گیرد. این داستان ها بسیار جذاب و حاوی نکاتی کلیدی اند؛ به گونه ای که خواننده در پایان احساس می کند به مطالب آموزنده ای دست یافته است. البته از همین نویسنده، کتاب دیگری با عنوان احتمالی «خانه به دوشان» یا «آوارگان» را در دست ترجمه دارم که کار ترجمه اش به نیمه رسیده است. همچنین در شاخه آثار کودک و نوجوان نیز پیشنهادهایی برای ترجمه کتاب هایی داشته ام و در حال حاضر مشغول بررسی این پیشنهادها هستم.

بومی گرایی در فضای فانتزی

■ کرم الله سلیمانی، نویسنده و شاعر

نخستین اثر داستانی ام با عنوان «فصل هایی در برزخ» از سوی انتشارات آهنگ دیگر در نمایشگاه کتاب امسال عرضه شد. زاویه نگاهم در این کتاب، دانای کل بوده و فضا در این داستان به نوعی میان فضاهای فانتزی و رئال در حرکت است. از آن جا که اهل جنوب ایران هستم، نشانه ها و عناصر بومی این منطقه و همچنین اتفاقات دوران جنگ در این رمان ۶۰ صفحه ای که به نوعی دیدگاهی صلح طلبانه را دنبال می کند، گنجانده شده اند. در روایت داستان تا حدودی ذهنم متمرکز فاصله گذاری ها بود تا بتوانم مخاطب را به تفکر وادارم. داستان دربرگیرنده هشت فصل کوتاه است که یک فصل، بازگشت به زمان گذشته و حوادث دوران جنگ را شامل می شود. کار داستانی دیگر با عنوان «طوبی ها» توسط همین انتشارات مراحل اداری انتشار را طی می کند. این داستان ۱۸۰ صفحه ای در فضایی کاملا فانتزی سپری می شود. البته در این کار نیز عنصرهای بومی منطقه جنوب را به کار گرفته ام. همچنین قصد دارم یک شعر بلند را با عنوان «هوایما بیابشین قلیون بکش» که سال گذشته نمایشنامه آن در جشنواره تئاتر فجر اجرا شد، در قالب یک کتاب منتشر کنم. این شعر در حقیقت متن نمایشنامه ای با همین عنوان بود اما دیالوگ های آن کاملا در قالب شعر سپید شکل گرفته اند و می توان آن را مانند یک شعر بلند سپید خواند. البته پیش از این از من در حوزه شعر، مجموعه شعر «اشک خرس» در سال ۱۳۸۳ منتشر شده بود.

نمایشنامه های مدرن دوزبانه

■ کتابون حسین زاده، نمایشنامه نویس



این روزها سه نمایشنامه تالیفی ام را به صورت دوزبانه (انگلیسی - فارسی) آماده انتشار دارم که به احتمال زیاد از سوی نشر نیلا منتشر می شوند. «یکی مثل همه»، «شن» و «قطار

بعدی» عنوان این نمایشنامه هستند و کار ترجمه آنها نیز بر عهده خودم بوده است. «یکی مثل همه» فضا و موضوعی کاملا واقع گرایانه دارد و زندگی یک زن و شوهر را تشریح می کند. این نمایشنامه با کارگردانی من در مهر ماه روی صحنه تئاتر اجرا می شود. «شن» و «قطار بعدی» نیز دو نمایشنامه در فضاهای کاملا مدرن هستند. همچنین به زودی نمایشنامه «صداهای درهم» نوشته جویس کرول اوتس، نمایشنامه نویس و نویسنده آمریکایی با ترجمه من توسط نشر نیلا منتشر می شود. این نمایشنامه اثری کاملا مدرن است و نثر قوی و حساب شده ای دارد. نویسنده سعی کرده در

دیالوگ نویسی ها روش جدیدی را به کار گیرد و یکی از مسایل روز دنیا یعنی اختلاف والدین با فرزندان را به تصویر بکشد که به نظرم در این کار موفق بوده است.

شعرهای موضوعی برای نوجوانان

■ مهدی طهوری، نویسنده کودک و نوجوان



«سلحشوران داغستان»: روایتی از زندگی شیخ شامل داغستانی» عنوان آخرین کتاب من بود که با تصویرگری فریده جمشیدی در سال ۱۳۸۵ از سوی انتشارات مدرسه منتشر و راهی بازار نشر شد.

پس از این کتاب و البته پیش از آن نیز تعدادی کار را آماده انتشار کرده و برای چاپ آنها با ناشر به توافق قطعی رسیده بودم اما با وجود دریافت مجوز نشر حدود چندسالی می شود که هنوز این کتاب ها منتشر نشده اند. از جمله این کتاب ها، داستان «آدمک عاشق» برای گروه سنی کودکان است که برای چاپ به نشر شباویز سپرده بودم. همچنین در انتشارات مدرسه از مجموعه شاهکارهای موضوعی هزار سال شعر فارسی برای گروه سنی نوجوان، دو کتاب «کتاب» و «رود و دریا» را در دست چاپ دارم. برخی از عنوان های موضوعی این مجموعه منتشر و راهی بازار نشر شده اند که امیدوارم ناشران زودتر به انتشار این کتاب ها اقدام کنند.

در حقیقت در هر عنوان از این مجموعه، شعرهایی درباره یک موضوع ویژه که توسط شاعران گوناگون در دوره های مختلف شعر فارسی سروده شده اند، گردآوری و به صورت مستقل برای نوجوانان منتشر شده است.

هویت فرهنگی ایران زمین

■ ناصر تکمیل همایون، پژوهشگر و مورخ

آخرین کتابم «جاده ابریشم» نام داشت که از سوی دفتر پژوهش های فرهنگی راهی بازار نشر شد. این کتاب نخستین اثر تالیفی ایرانی درباره جاده ابریشم است که به پیدایش این جاده و روابط تجاری و فرهنگی میان کشورهای ایران، چین، آسیای مرکزی و اروپا می پردازد. همچنین پس از دوران اسلامی به ارتباطات مذاهب و ادیان در این کتاب پرداخته ام. درباره این جاده نکات قابل توجهی وجود دارد، به عنوان مثال از قرن نوزدهم عنوان «جاده ابریشم» به کار گرفته شده و محققان اروپایی بسیاری درباره آن تحقیق و پژوهش کرده اند. سال ها پیش با باز شدن راه های زمینی و دریایی جدید، این جاده از بین رفت اما حدود ده سال پیش یونسکو تصمیم گرفت دوباره آن را زنده کند. برای این منظور یک تیم پژوهشی، سفری در طول این مسیر انجام داد. از ایران، من برای شرکت در این سفر دعوت شده بودم و دیگر همراهانم از کشورهایی مانند چین، هند، ترکیه، ایتالیا و فرانسه بودند. بر همین اساس در کتابم علاوه بر مستندات تاریخی، از تجربیات شخصی ام نیز بهره گرفته ام. اما این روزها سرگرم نگارش کتابی با عنوان «هویت ایرانیان در تاریخ» هستم. در این کتاب تعریف جامعه شناسختی و روان شناسختی از هویت تاریخی و همچنین هویت فرهنگی در کنار هویت دینی، ملی و اجتماعی ارائه و این مسأله را در تاریخ ایران زمین از دوران مادها تا دوران اسلامی و از آن زمان تا دوره معاصر بررسی کرده ام. از سوی دیگر به برخورد فرهنگ اروپایی با مشرق زمین و شرایط روز جامعه برای بقای هویت ایرانی نیز پرداخته ام. این کتاب تا پایان سال جاری توسط انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی منتشر می شود. سازمان شهرداری تهران نیز کتابی با عنوان «تهران دیروز و امروز» را با مقدمه من در دست چاپ دارد. این کتاب عکس هایی از تهران در دوره های مختلف زمانی را شامل می شود و به بیان تحولات این شهر می پردازد. در مقدمه آن به طور مختصر تاریخچه تهران را از زمانی که روستایی گمنام بوده تا زمان حال که یک کلان شهر به حساب می آید بررسی کرده ام.

یادداشت

حمیدرضا شکارسری

داور چند دوره جایزه کتاب فصل



کتاب فصل

هزینه برای فرهنگ



به باور من هر اندازه برگزاری جایزه ها و جشنواره های گوناگون برای بررسی، انتخاب و معرفی کتاب در تمامی حوزه ها بیشتر باشد اتفاقی ارزنده و کاری شایسته صورت گرفته است. از سوی دیگر، چه بهتر آن که اگر هزینه ای برای کارهای فرهنگی در نظر گرفته می شود، این هزینه در راه تقدیر از فعالان حوزه کتاب صرف شود.

خوشبختانه هر سال شاهد برپایی جایزه هایی چون «کتاب فصل»، «کتاب سال»، «پروین اعتصامی»، «جلال آل احمد»، «قلم زرین» و دیگر جشنواره ها هستیم. اما جایزه «کتاب فصل» در کنار دیگر جایزه ها و جشنواره های ادبی کارایی گسترده تری پیدا کرده است؛ چرا که می تواند در دقیق تر شدن داوری های جایزه «کتاب سال» نقش موثری ایفا کند. البته این مهم، هنگامی محقق می شود که در انتخاب «کتاب فصل» فرآیند عمل کنیم و شایسته تر است تا تکاپو و جست و جوی ما برای یافتن کتاب های برتر، پدیده ای از جست و جوی فعلی مان باشد.

ارزش جایزه «کتاب فصل» مانند دیگر جایزه ها و جشنواره های ادبی در عرصه کتاب و تقدیر از کتاب و پدیدآورندگان آن است اما برتری هایی نیز نسبت به دیگر فعالیت های فرهنگی این حوزه دارد که برگزاری گسترده تر آن به دلیل چهار بار برپایی در طول سال و همچنین توجه بیشتر به پدیدآورندگان جوان تر از این جمله اند. به بیان دیگر کتاب های منتشر شده در هر فصل با دقت از نظر داوران می گذرند و آثار درخور به جامعه ادبی و مخاطبان کتاب معرفی می شوند.

همچنین استعدادهای جوان قابل توجهی در طول سه سال برگزاری جایزه «کتاب فصل» شناسایی و به جامعه معرفی شده اند. از سوی دیگر، فراموش نکنیم که بخشی از اعتبارات بخش فرهنگی نیز محل مفیدی از هزینه شدن را پیدا کرده اند. اگر تصمیم بر هزینه کردن در مسیر اعتلای فرهنگ و ادبیات باشد، بخشی از آن باید صرف تقویت بنیه مالی هنرمندان این شاخه شود. جایزه «کتاب فصل» را بستری مناسب برای جایزه «کتاب سال» می دانم.

به عبارت دیگر جایزه «کتاب فصل» با رعایت نکاتی می تواند مدخل بسیار مناسبی برای جایزه «کتاب سال» باشد تا کتاب ها با دقت نظری بیشتر بررسی و در چرخه انتخاب کتاب برتر قرار گیرند. فراموش نکنیم که معضلی بزرگ در تمام داوری هایی که در طول یک سال برای جایزه ها یا جشنواره های گوناگون صورت می گیرد، دامنگیر ماست و آن موکول کردن زمان بررسی اثر و داوری آن به هفته های پایانی است و بنابر دلایلی نامعلوم همیشه داوری ها و بررسی ها را در آخرین فرصت باقیمانده به انجام می رسانیم. اگر بخواهیم چهار بار برگزار کنیم جایزه «کتاب فصل» در طول سال و زمان محدودتر داوری برای این جایزه را یکی از علل موثر در کاهش دقت داوری ها بخواهیم، باید بگوییم در دیگر جایزه ها مثل «کتاب سال» و «جلال آل احمد» نیز با همین دغدغه روبه هستیم. بهتر بگوییم، این امر، مسأله ای تازه نیست و تنها با ایجاد دبیرخانه دائمی و فعال برای جایزه ها و جشنواره های ادبی برطرف می شود.